

جواب ترامپ را در میدان خواهیم داد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۲۳ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴ | ۶ شعبان ۱۴۴۷ | ۲۶ ژانویه ۲۰۲۶ | ۱۶ صفحه

محسن ردادی در گفت و گو با صبح صادق
شازده خیال باف!



۳ دیدگاه

نوبت کمالی
از خاموشی تا پساخاموشی!



۵ راهبرد

علی حیدری
نوک کوه یخ!



۲ سرمقاله

دکتر علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در پانزدهمین همایش سراسری مدیران و هادیان سیاسی نیروهای مسلح

نقطه قوت ایران را هدف گرفته اند



سردار جوانی معاون سیاسی سپاه

هم افزایی و تعامل

هادیان سیاسی ضروری است

۹-۸ پیوست
جهدگران تبیین؛ ویژه پانزدهمین همایش سراسری مدیران و هادیان سیاسی نیروهای مسلح

۱۳ فرهنگ

کادرسازی تراز انقلاب اسلامی

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

همه ما «صندلی بازی» را تجربه کرده ایم. همان بازی ای که همه سعی می کنند زودتر از بقیه روی صندلی ها بنشینند و هر کس ایستاده بماند، می بازدا! اما کمتر به این فکر کرده ایم که این بازی، چگونه روحیه خودخواهی، منفعت طلبی و خشونت را در ما پرورش می دهد. چون تصور ما این است که بازی ها، فقط بازی هستند و نه یک ابزار حیاتی و مهم برای تربیت! همان طور که از روی محبت و ارح نهادن به فرزندان مان، گاهی الفاظی چون «پرئنس» را درباره آنها به کار می بریم، یا به آنها عروسک هایی با موی بلوند و بینی نقلی کادو می دهیم یا برای سرگرم شدن شان کارتونهایی چون «سیندرلا» را تقدیم نگاهشان می کنیم، بدون اینکه بدانیم ناخودآگاه برای خودمان هزینه تراشی می کنیم! چون برخی از نونهالانی که این گونه هدف محبت ما قرار می گیرند، در جوانی به سمت مواد آرایشی خاص و جراحی زیبایی و مدگرایی سوق می یابند! خلاصه اینکه تربیت فرزندان، امر بسیار حساس و پیچیده ای است، به ویژه در عصر کنونی که فضاهای جدیدتر و متفاوت تری هم پیش روی بچه ها قرار دارد.

۱۲ مجازستان

توسعه شبکه ملی اطلاعات

مهديه چوپانی

دبیر گروه مجازستان

در دنیای امروز، فناوری اطلاعات و ارتباطات نقشی کلیدی در توسعه جوامع ایفا می کند. در کشورهایی که بی ثباتی سیاسی و اجتماعی دارند، استفاده بهینه از این فناوری ها می تواند ابزاری برای ایجاد ثبات و امنیت شناخته شود. یکی از اهداف اصلی توسعه شبکه ملی اطلاعات بومی، تقویت زیرساخت های ارتباطی و جلوگیری از اغتشاشات اجتماعی است. توسعه شبکه ملی اطلاعات در این راستا، به منزله یک اقدام استراتژیک، می تواند به تقویت زیرساخت های دفاعی و سیاسی کشور کمک کند. هزینه ۱۷ همتی (هزار میلیارد تومانی) که برای این شبکه صرف شده، نشان دهنده اهمیت و اولویت دهی به ایجاد یک فضای اطلاعاتی امن و پایدار در کشور است. شبکه ملی اطلاعات یک شبکه اینترنتی مستقل داخلی شناخته می شود که با هدف تأمین نیازهای ارتباطی و اطلاعاتی کشور ایجاد شده است. این شبکه باید از جوانب گوناگونی، مانند سرعت، امنیت و دسترسی به اطلاعات نگران کننده مورد توجه قرار گیرد. اهمیت این شبکه در زمان بروز بحران ها و اغتشاشات به وضوح نمایان می شود.

۱۱ خرد

افسانه بلعیدن ایران!

مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی

برای تبیین واقعیت تلاش دشمن برای بلعیدن ایران باید به ابتدای دوره قاجار به منزله نزدیکترین دوره به برهه کنونی مراجعه کرد. در آن زمان بعد از شکست ایران در جنگ دوم باروسیه، معاهده ترکمنچای بر ایران تحمیل شد که علاوه بر تحمیل کاپیتولاسیون سیاسی بر کشورمان به نفع اتباع روسی مستقر در ایران، در ضمیمه آن، کاپیتولاسیون اقتصادی-تجاری نیز بر ایران تحمیل شد که براساس آن، هر کالایی که از روسیه وارد ایران می شد، حداکثر باید پنج درصد عوارض گمرکی پرداخت می کرد. این در حالی بود که اگر کالا از تبریز به تهران صادر می شد، باید در شش مقصد عوارض پرداخت می کرد؛ معنای این وضعیت، باز شدن دروازه اقتصاد ایران بر روی کالاهای روسی و هم زمان با آن، بی پناه ماندن کار و سرمایه ایرانی در برابر کالاهای خارجی بود. به سبب رقابت های استعماری در آن زمان، در نهایت انگلیس نیز حدود ۱۳ سال بعد، موفق به اخذ کاپیتولاسیون اقتصادی-تجاری از ایران شد. با اجرای این کاپیتولاسیون (ها) تولید در ایران ورشکسته و نابود شد که طی آن هم بازارهای ایران با هجوم کالاهای مصرفی خارجی مواجه شد.

۲ نگاه

تحریم علیه مردم!

رامین نمیری

کارشناس سیاسی

گاهی یک جمله، از سال ها فریب، انکار و بزک رسانه ای پرده برمی دارد. اعتراف اخیر وزیر خزانه داری دولت ترامپ از همین جنس است؛ اعترافی عریان و بی پرده که نشان می دهد آنچه سال ها با عنوان تحریم هوشمند و فشار دیپلماتیک به افکار عمومی فروخته می شد، در واقع چیزی جز جنگ اقتصادی مستقیم علیه مردم ایران نبوده است. وقتی وزیر خزانه داری آمریکا با افتخار می گوید بدون شلیک حتی یک گلوله، مردم ایران را با فشار اقتصادی به خیابان ها آوردیم، دیگر جایی برای تردید باقی نمی ماند که تحریم، نه ابزار سیاست خارجی، بلکه سلاح کشتار جمعی خاموش ملت ایران است. این اعتراف، مهر تأییدی است بر آنچه جمهوری اسلامی سال ها فریاد زد و رسانه های غربی و هم پیمانان داخلی شان آن را توهم توطئه نامیدند. حالا خود طراحان تحریم می گویند هدف، نه تغییر رفتار دولت، بلکه فرسایش معیشت مردم و تحریک ناآرامی های اجتماعی بوده است. بیش از ۵۲۰ تحریم علیه ساختار فروش نفت ایران، محدودسازی نظام بانکی، انسداد کانال های مالی و در نهایت تلاش برای کلید زدن قحطی بزرگ، اجزای یک پازل واحد بودند؛ پازلی که هدفش فروپاشی از درون بود.

نیم نگاه

تحریم
علیه مردم!

رامین نصیری

کارشناس سیاسی

گاهی یک جمله، از سال‌ها فریب، انکار و بزک رسانه‌ای پرده برمی‌دارد. اعتراف اخیر وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ از همین جنس است؛ اعترافی عریان و بی‌پرده که نشان می‌دهد آنچه سال‌ها با عنوان تحریم هوشمند و فشار دیپلماتیک به افکار عمومی فروخته می‌شدد، در واقع چیزی جز جنگ اقتصادی مستقیم علیه مردم ایران نبوده است. وقتی وزیر خزانه‌داری آمریکا با افتخار می‌گوید بدون شلیک حتی یک گلوله، مردم ایران را با فشار اقتصادی به خیابان‌ها آوردیم، دیگر جایی برای تردید باقی نمی‌ماند که تحریم، نه ابزار سیاست خارجی، بلکه سلاح کشتار جمعی خاموش ملت ایران است. این اعتراف، مهر تأییدی است بر آنچه جمهوری اسلامی سال‌ها فریاد زد و رسانه‌های غربی و هم‌پیمانان داخلی‌شان آن را توهم توطئه نامیدند. حالا خود طراحان تحریم می‌گویند هدف، نه تغییر رفتار دولت، بلکه فرسایش معیشت مردم و تحریک ناآرامی‌های اجتماعی بوده است. بیش از ۵۲۰ تحریم علیه ساختار فروش نفت ایران، محدودسازی نظام بانکی، انسداد کانال‌های مالی و در نهایت تلاش برای کلید زدن قطعی بزرگ، اجزای یک پازل واحد بودند؛ پازلی که هدفش فروپاشی از درون بود. در این میان، آمریکا حتی زحمت پنهان‌کاری هم به خود نداد. وقتی دو بانک بین‌المللی همکار ایران (هالک‌بانک و استندارد چارترد) در آبان‌ماه هدف تحریم قرار گرفتند، پیام روشن بود: فشار باید مستقیماً بر روی سفره مردم باشد. اما داستان به همین جا ختم نشد. فشار خارجی، نیازمند مکمل داخلی بود. در ناآرامی‌های اخیر، اختلال در انبارها، اختلال در توزیع کالاهای اساسی و به آتش کشیدن ۴۱۹ فروشگاه زنجیره‌ای، نشان داد که پروژه تحریم، تنها روی کاغذ طراحی نشده بود. اینجا دیگر با اعتراض خودجوش طرف نیستیم؛ بلکه با جنگ ترکیبی تمام‌عیار مواجهیم که اقتصاد، امنیت و روان جامعه را هم‌زمان هدف گرفته است. آمریکا در دوره ترامپ، نقاب دیپلماسی را کنار گذاشت و صریحاً از زبان اقتصاد، زبان جنگ ساخت. جنگی که قربانیانش مردم عادی هستند؛ همان مردمی که قرار بود با فشار معیشتی، به اهرم فشار علیه حاکمیت تبدیل شوند. این اعتراف، سندی تاریخی است که نشان می‌دهد افشاشات بخشی از طراحی دشمن برای تکمیل حلقه فشار بوده است. در چنین وضعیتی، بازخوانی مفهوم امنیت ضروری است. امنیت در یک تعریف موسع به معنای مقابله خیابانی با آشوب و جلوگیری از جنگ اقتصادی است که مستقیماً جان و نان مردم را نشانه می‌رود. وقتی فروشگاه‌ها به آتش کشیده می‌شوند، انبارها تخریب می‌شوند و زنجیره تأمین مختل می‌شود، این دیگر اعتراض طبیعی مردمی نیست؛ ولی اجرای میدانی یک سناریوی آمریکایی است که طراحش به دنبال تقابل ایرانی با ایرانی است. امروز دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید آمریکا خیر خواه مردم ایران است یا تحریم‌ها صرفاً حکومت را هدف می‌گیرد. این اعتراف سند جنایت اقتصادی علیه یک ملت است؛ سندی که باید هم در حافظه تاریخی ملت ایران ثبت شود و هم مبنای مطالبه‌گری حقوقی و سیاسی در سطح بین‌المللی قرار گیرد. فشار حداکثری شکست خورد، اما هزینه‌های واقعی بود؛ هزینه‌هایی که مردم پرداختند. حالا که طراحان این جنایت لب به اعتراف گشوده‌اند، کمترین وظیفه نخبگان و رسانه‌ها این است که اجازه ندهند این حقیقت دوباره زیر آوار تحریف و بزک رسانه‌ای دفن شود.



علی حیدری

سردبیر

از فردای توقف جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونی و آمریکا علیه ایران، بخش‌های دیگری از جنگ ترکیبی فعال شد و سناریوی ایجاد ناآرامی در داخل کشور به منزله پیش نیاز تهاجم دوباره کلید خورد. موضوعی که دشمنان منتظر بودند از روز اول تهاجم نظامی به کشور مان شکل بگیرد و عوامل مزدورشان آن را به‌صحنه کشته‌سازی و جنگ داخلی تبدیل کنند تا هم‌زمان با تجاوز نظامی، جمهوری اسلامی تسلیم خواست آمریکا و رژیم صهیونیستی شده و متعاقب آن ایران پهناور نیز تجزیه و نابود شود. اما بیش از پنج ماه تمرکز ویژه بر جنگ روانی و رسانه‌ای جزء جورچین جنگ شناختی ترکیبی دشمن بود. آنها دنبال بهانه و بستری بودند تا کار ناتمام خود را در جنگ ۱۲ روزه کامل کنند؛ از این رو عملیات تروریستی دی ماه به روز سیزدهم جنگ ۱۲ روز شهرت یافت. حوادث ۱۸ و ۱۹دی‌ماه از ابعاد گوناگون قابل تحلیل و بررسی است و با تحلیل صرف امنیتی از این رخدادها، نمی‌توان تمام ابعاد این طراحی پیچیده را تحلیل کرد. واقعیت این است که آنچه امروز جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است، تجلی‌ای بارز از «جنگ ترکیبی» است که در آن، عملیات تروریستی و کشته‌سازی، تنها نوک کوه یخ یک تهاجم گسترده‌تر با محوریت «جنگ شناختی» است. شواهد و قرائن متعدد، از هدایت، طراحی و پشتیبانی رسانه‌ای-شناختی این حوادث از سوی شبکه‌های پیچیده تحت مدیریت سرویس‌های جاسوسی بیگانه به ویژه رژیم صهیونیستی (موساد) حکایت دارد.

در این پارادایم، ترور شهروندان در خیابان‌ها برای بالا بردن آمار کشته‌ها به عنوان یک «رویداد محرک» عمل می‌کند. بنابراین، هدف نهایی، نه تنها قتل و کشتار مردم ایران، بلکه ایجاد موجی از هراس، بی‌اعتمادی، ناامیدی و چندپارگی اجتماعی است. دشمن با بهره‌گیری از یک اکوسیستم رسانه‌ای هماهنگ (شامل شبکه‌های ماهواره‌ای، صفحات و ربات‌های



رضا صارمی راد

کارشناس مسائل
بین‌الملل

مدتی است که در همه رسانه‌ها از جزیره گرینلند صحبت می‌شود؛ جزیره‌ای که اگر یک سال پیش درباره آن از کسی سؤال می‌کردید، چیزی درباره آن نمی‌دانست؛ ولی از زمانی که ترامپ وارد کاخ سفید شد، به کرات از آن صحبت شده است. حال ببینیم این جزیره که بزرگ‌ترین جزیره جهان با دو میلیون و یکصد هزار کیلومتر مربع است، در چه موقعیت جغرافیایی قرار دارد و علت اهمیت آن در چیست! این جزیره بین قاره آمریکا و اروپا قرار دارد؛ یعنی بین اقیانوس اطلس شمالی و اقیانوس منجمد شمالی قرار گرفته است. در شمال غرب آن کشور کانادا و در جنوب شرق آن کشور ایسلند واقع شده است. پایتخت آن شهر «نوک» و جمعیت آن حدود ۵۸ هزار نفر است. ۸۰ درصد خاک این جزیره به علت یخ‌های قطور قابل سکونت نیست. برآورده شده است اگر یخ‌های این جزیره آب شوند، ارتفاع آب اقیانوس‌ها ۷ متر بالا می‌آید. پایگاه هوایی «توله» در شمال گرینلند یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظارتی راداری آمریکا در منطقه قطب شمال است. نوع حکومت این جزیره خودمختار در قلمرو پادشاهی دانمارک است. این سرزمین معادن سنگ آهن، سرب، روی، اورانیوم، فلزات نادر خاکی و فلزات کمیاب دارد. در جریان جنگ جهانی دوم این جزیره به اشغال آمریکا درآمد و تا سال ۱۹۵۳ مستعمره این کشور بود؛ از آن سال مجدداً تحت قلمرو دانمارک قرار گرفت.

داستان از آنجایی آغاز شد که ترامپ در ابتدای دوران ریاست‌جمهوری خود اعلام کرد، جزیره

فعال در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین) بلافاصله پس از هر حادثه، به تحریف ابعاد رویداد، بزرگ‌نمایی نقاط ضعف، تخریب نمادهای امنیتی و انسجام ملی و تزریق روایت‌های کاملاً دروغ و ساختگی دست می‌زند.

برای ارائه تحلیل شناختی از حوادث دی ماه امسال، نگاهی به شگردهای کلیدی جنگ شناختی دشمن در این حوادث خالی از لطف نیست:

۱ تولید و تعمیق گسل‌های اجتماعی: برجسته‌سازی تفاوت‌های قومی و مذهبی و نسبت دادن حوادث به این اختلافات، سعی در دامن‌زدن به تنش‌های داخلی و منحرف کردن افذان از عاملان اصلی این عملیات تروریستی دارند.

۲ تضعیف اعتماد عمومی: با حمله سیستماتیک به نهادهای حاکمیتی، به ویژه دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی، تلاش می‌شود تا حس امنیت روانی جامعه تخریب و رابطه مردم با حافظان امنیت کشور تضعیف شود.

۳ ایجاد ناامیدی و آینده‌سازی تاریک: روایت مسلط دشمن القای این احساس است که کشور در وضعیت بی‌ثبات و ناامنی دائمی قرار دارد و آینده‌ای جز تشدید بحران متصور نیست.

۴ جعل واقعیت و انتشار گسترده اخبار کذب: ساخت و انتشار سریع و وسیع تصاویر، فیلم‌ها و اخبار جعلی مرتبط با حوادث از اولین روزهای اعتراض بازاریان، برای ایجاد سردرگمی، خشم کور و جهت‌دهی افکار عمومی.

۵ استفاده ابزاری از احساسات: با نمایش به ظاهر دلسوزانه از آسیب‌دیدگان، اما در قالبی جهت‌دار، تلاش می‌شود احساسات طبیعی مردم به مسیر تخریب و اغتشاش هدایت شود.

در برابر این حمله سازمان‌یافته شناختی که هدفش تغییر ذهن و باور افراد جامعه است، دو خط دفاعی اساسی وجود دارد:

اول مدیریت فعال و هوشمند فضای مجازی از سوی نهادهای متولی؛

♦ آنچه امروز جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است، تجلی‌ای بارز از «جنگ ترکیبی» است که در آن، عملیات تروریستی و کشته‌سازی، تنها نوک کوه یخ یک تهاجم گسترده‌تر با محوریت «جنگ شناختی» است

♦ دشمن با بهره‌گیری از یک اکوسیستم رسانه‌ای هماهنگ (شامل شبکه‌های ماهواره‌ای، صفحات و ربات‌های فعال در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین) بلافاصله پس از هر حادثه، به تحریف ابعاد رویداد، بزرگ‌نمایی نقاط ضعف، تخریب نمادهای امنیتی و انسجام ملی و تزریق روایت‌های کاملاً دروغ و ساختگی دست می‌زند

♦ اگرچه در شرایط تهدید امنیتی و عملیات تروریستی دشمن، ایجاد محدودیت‌های ارتباطی یک راهکار مؤثر است، اما این موضوع باید هوشمندانه اعمال شود و دست رسانه‌ها و تولیدکنندگان محتوا در برابر پمپاژ رسانه‌ای دشمن بسته نشود

♦ حوادث تروریستی اخیر، یک آزمون سخت برای «ایمنی شناختی» ملت ایران است. دشمن با ترکیب وحشی‌گری تروریستی و جنگ روانی پیشرفته، قصد دارد اراده ملی را تضعیف کند.

♦

♦

برای مقابله و دفاع موشکی در برابر روسیه و چین به این جزیره نیاز دارد. البته این ادعا یک بهانه است؛ زیرا آمریکا دارای یک پایگاه نظامی مجهز در گرینلند است. در واقع ترامپ به دنبال قطع وابستگی خود به مواد معدنی شامل فلزات نادر خاکی و فلزات کمیاب است که از چین تأمین می‌شود و گرینلند معادن وسیعی از این فلزات دارد. در این بین اتحادیه اروپا نسبت به این اقدامات ترامپ عکس‌العمل نشان داد و هشت کشور اروپایی از جمله انگلیس و فرانسه از موضع‌گیری گرینلد علیه ترامپ حمایت کردند. در مقابل ترامپ اعلام کرد، در مرحله اول علیه این کشورها تعرفه ۱۰ درصدی اعمال می‌کند و در مرحله بعد این تعرفه را افزایش می‌دهد. اتحادیه اروپا هم اقدام به برقراری ۹۳ میلیارد یورو و تعرفه بر کالاهای آمریکایی کرد و همکاری با شرکت‌های

♦ جزیره گرینلند بین قاره آمریکا و اروپا قرار دارد؛ یعنی بین اقیانوس اطلس شمالی و اقیانوس منجمد شمالی قرار گرفته است. پایگاه هوایی «توله» در شمال گرینلند یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظارتی راداری آمریکا در منطقه قطب شمال است. این سرزمین معادن سنگ آهن، سرب، روی، اورانیوم، فلزات نادر خاکی و فلزات کمیاب دارد.

♦ ترامپ اعلام کرد برای مقابله و دفاع موشکی در برابر روسیه و چین به این جزیره نیاز دارد

♦ ترامپ به دنبال قطع وابستگی خود به مواد معدنی شامل فلزات نادر خاکی و فلزات کمیاب است که از چین تأمین می‌شود و گرینلند معادن وسیعی از این فلزات دارد.

♦ هر اقدام ترامپ برای اشغال گرینلند منجر به فروپاشی ناتو خواهد شد؛ زیرا فلسفه وجودی ناتو حمایت از اعضا در مقابل تهدیدهای خارجی است؛ ولی وقتی یک عضو این پیمان یک عضو دیگر را به جنگ تهدید می‌کند، در عمل ناتو دیگر وجود نخواهد داشت.

اگرچه در شرایط تهدید امنیتی و عملیات تروریستی دشمن، ایجاد محدودیت‌های ارتباطی یک راهکار مؤثر است، اما این موضوع باید هوشمندانه اعمال شود و دست رسانه‌ها و تولیدکنندگان محتوا در برابر پمپاژ رسانه‌ای دشمن بسته نشود؛ چرا که فعال بودن رسانه‌های داخلی پاسخگویی سریع، شفافیت به موقع، انتشار مستندات معتبر، خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن با ابزارهای خلاقانه و جذاب و تقویت پیام‌رسانی رسانه‌های داخلی از ضروریات شرایطی است که دشمن با جنگ ترکیبی به مقابله با ملت ایران آمده است.

♦ ارتقای هوشمندی رسانه‌ای ملت؛ آگاهی‌بخشی به مردم درباره اهداف، شگردها و تکنیک‌های جنگ شناختی دشمن یک ضرورت ملی است. جامعه باید بیاموزد که چگونه هر محتوای منتشر شده در فضای مجازی را با دقت، تأمل و بررسی از مجاری معتبر ارزیابی کند. «سواد رسانه‌ای» و «هوش فضای مجازی» به سپر دفاعی قدرتمندی برای هر شهروند تبدیل شده است. مردم باید نسبت به انتشار شایعات بی‌اساس، احساسات زودگذر و تحلیل‌های سطحی و جهت‌دار بدبین باشند و هر چیزی را نپذیرند و باور نکنند.

حوادث تروریستی اخیر، یک آزمون سخت برای «ایمنی شناختی» ملت ایران است. دشمن با ترکیب وحشی‌گری تروریستی و جنگ روانی پیشرفته، قصد دارد اراده ملی را تضعیف کند. پیروزی در این نبرد، در گرو وحدت، هوشیاری و عقلانیت جمعی است. دستگاه‌های امنیتی وظیفه تعقیب و انهدام شبکه‌های تروریستی و دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای رسالت تقویت سرمایه اجتماعی و آگاهی‌بخشی را بر عهده دارند. اما محور اصلی، مردم آگاه و بیدار هستند که با بینش دقیق، اجازه نمی‌دهند ترور نظامی، به ترور شخصیت ملت و نهادهایش بینجامد. در این مسیر، مسئولیت هر شهروند، اشاعه حقیقت، عدم بازنشر اخبار مشکوک و استناد به منابع معتبر است تا شبکه پیچیده جنگ ترکیبی دشمن در برابر صخره استوار هوشمندی ایرانیان شکسته و نابود شود.

♦

♦

آمریکایی را کاهش داد. طبق رویه همیشگی ترامپ که تهدید را به حداکثری می‌رساند و سپس مذاکره می‌کند، در مجمع جهانی داووس ترامپ اعلام کرد با «مارک روته» دبیر کل ناتو به چارچوب یک معامله آتی رسیده است که امنیت، منابع معدنی و سایر مسائل را پوشش می‌دهد و به نوعی خود را پیروز این مجادله اعلام کرد؛ اما بسیاری از رهبران اروپایی گفتند که تصمیم‌گیری نهایی تنها به عهده دانمارک و گرینلند است. روته، دبیر کل ناتو هم اعلام کرد که موضوع حاکمیت بر گرینلند در مذاکرتش با ترامپ مطرح نشده است. حال باید منتظر ماند و دید که تقابل اتحادیه اروپا و آمریکا ظرف روزهای آینده به کجا می‌انجامد! آنچه مسلم است هر اقدام ترامپ برای اشغال گرینلند منجر به فروپاشی ناتو خواهد شد؛ زیرا فلسفه وجودی ناتو حمایت از اعضا در مقابل تهدیدهای خارجی است؛ ولی وقتی یک عضو این پیمان یک عضو دیگر را به جنگ تهدید می‌کند، در عمل ناتو دیگر وجود نخواهد داشت. اگر اتحادیه اروپا هم قادر به پشتیبانی از یک عضو خود، یعنی دانمارک نباشد، اتحادیه هم روند فروپاشی را در پیش خواهد گرفت. یک نکته مسلم است که اروپا به این مسئله پی برده است که دیگر نمی‌تواند بر روی آمریکا در حوزه امنیتی حساب کند و در حال حاضر بعضی کشورها از جمله فرانسه و بلژیک به دنبال تشکیل ارتش اروپایی هستند. در صحنه دیگر، اروپا برای اینکه در قبال آمریکا خودی نشان دهد، از حضور در شورای صلح غزه خودداری کرد و دست رد به دعوت ترامپ زد. در انتها یک نکته حائز اهمیت است که با وجود اختلافات گسترده اروپا با آمریکا در موضوع اوکراین و گرینلند، اروپا در ارتباط با ایران به صورت کامل در کنار آمریکاست و با ترامپ همراهی می‌کند.

«محسن ردادی» عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه مطرح کرد

شازده خیال باف!

گروه سیاسی

صبح صادق

وقایع ناراحت‌کننده دی‌ماه ۱۴۰۴، که بنابر اعلام رسمی بنیاد شهید بیش از ۲۴۰۰ شهید برجای گذاشت، بار دیگر نشان داد اپوزیسیون سلطنت‌طلب، چیزی جز بحران برای جامعه ندارد. نوع کنش هواداران خاندان طردشده



«داوود طالقانی» کارشناس مسائل فرهنگ در گفت‌وگو با صبح صادق

اتاق پژواک را ترک کنیم!

همین امر موجب شد که اتاق پژواک برجستگی

بیشتری داشته باشد و شکاف در مصرف رسانه بیشتر شود. نکته مهم این است که حال چگونه باید از اتاق پژواک گریخت؟ چاره کار در ایجاد یک فضای رسانه‌ای آزاد است. متأسفانه موضوع فیلترینگ در ایران، یکی از عوامل تشدیدکننده شکاف میان جامعه شد، با این استدلال که معمولاً نسل‌های جوان با حضور در سکوهای غربی یک خط دید را بی می‌گرفتند و در آن‌سو، جامعه سنتی، مذهبی و حتی روستایی‌ما به دلیل دسترسی نداشتن به آن سکوها با هر انگیزه‌ای، خط دیگری را دنبال می‌کردند. در این شرایط که هیچ تضاد آراییی وجود نداشت، هردو طیف گمان‌شان این بود که حرف آنان، حرف تمام جامعه است و نظر مخالفی از این منظر وجود ندارد.

بعد از ماجرای اتفاقات دی‌ماه، ما شاهد قطع کلی اینترنت از سوی حاکمیت بودیم. این اتفاق یک پیامد جدی داشت و آن به دست‌گیری کلی فضای رسانه‌ای سکوهایی مانند توییتر و اینستاگرام از سوی جریان رقیب بود؛ یعنی اساساً، در حال حاضر جبهه انقلاب نمی‌تواند از مواضع بحق خود دفاع کند و جامعه جهانی را نسبت به

سیاه‌نمایی‌هایی که در حال رخ دادن است، آگاه کند. به نظر می‌رسد، مسئولان امر به شکل فوری با این توجیه که باید پهلوی و غرب به دلیل عاملیت در کشتار این دست داشتند و نیاز است محکوم شوند، این فضاها را آزاد کند تا مردم و بالاخص جبهه انقلاب این تک‌صدایی مخالفان را بشکنند.

چگونه می‌شود چشم‌ها درمورد اتفاقات تروریستی مانند آتش زدن افراد، سوزاندن مساجد و منفجر کردن ادارات دولتی بسته می‌شود؟

نکته بعدی که از اهمیت بسیاری برخوردار است، مستندنگاری و ژورنالیسم تحلیلی است. متأسفانه این سبک از سوی رسانه‌های ما چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ما شاهد بودیم که رسانه ملی، یعنی صداوسیمما، در هفته اول با انتشار تصاویر اقدامات تروریستی، در پی نشان دادن ماهیت وقایع بود. این خط صحیحی بود، اما طرف مقابل، مثل رسانه اینترنتال، بی‌کارنشست و همین کار را انجام‌داد، یعنی انتشار صوت و فیلم‌هایی جهت اثبات نظر و اندیشه خود. اما جبهه مقابل، از میکورسانه‌های وابسته در اینستا و توییتر نیز بهره‌مند شد و این

هرگاه در گفتارهای علوم‌انسانی و اهالی آن درباب تحلیل وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴،

مسائلی چون تروریسم، تخریب اموال عمومی و خصوصی و قتل و کشتار شهروندان مورد توجه قرار نگیرد و این اقدامات مورد تخطئه و محکومیت از سوی آن گفتارها واقع نشوند، باید گفت، با یک نوع فریبکاری و تزویر روبه‌رو هستیم که قصد دارد پیش فرض های خود را به هر شکلی که شده، به اثبات برساند.

درمورد وقایع ۱۴۰۴، شاهدیم هر دو طرف در «اتاق پژواک» قرار دارند. منظور از اتاق پژواک وضعیتی است که در آن افراد با حضور در سکوهای رسانه‌ای، مطبوعات و محفل‌هایی، تنها یک دیدگاه را فریاد زده و چیزی جز بازتاب آنچه می‌گویند، به گوش نمی‌رسد

باید این وقایع ولو با کمی تندی، به گفت‌وگو گذاشته شود. درمورد اتفاقات سال ۱۴۰۱ هم وضعیت چنین بود. بعد از فروکش کردن مسائل امنیتی، مردم موضوعاتی نظیر حجاب، زنان، قومیت‌ها و... را به گفت‌وگو گذاشتند و خرده رسانه‌ها متصدی این کار شدند.

به شدت به سمت ناآرامی رفت. این خود موضوع مهمی است که باید به آن اشاره کرد.

از ساعت و روز فراخوان می‌شد حدس زد که هدف اعتراض نیست، بلکه اقدامات تروریستی است. دلیل اصلی ساعت این فراخوان‌هاست. این فراخوان زمانی بود که هوا به خوبی تاریک‌شده و فضا را به سمتی سوق می‌داد که برای اقدامات آشوبگران و تروریست‌ها مانع و چالشی وجود نداشته باشد. همچنین از قبل شعله‌ورشدن آتش تروریسم در ایران، پیج‌ها و کانال‌های سلطنت‌طلب، به خوبی خود را برای یک شورش آماده می‌کردند، آموزش چگونگی ساخت بمب و کوکتل مولوتف یا چگونگی تعقیب و گریز و... نشان می‌داد آنان به دنبال اعتراضات مسالمت‌آمیز نیستند. همچنین گفتنی است.

طرح‌گذار جاویدان با ادبیات فاشیستی خود و بیان این عبارات که از نیروهای حافظ امنیت کسی نباید زنده بماند، به خوبی نشان می‌دهد از ابتدا هدف درگیری خشونت‌بار در خیابان بوده است، نه اعتراض مدنی. این روند، همان چیزی است که به شکل صریح و ضمنی از سوی مقامات آمریکایی و صهیونیستی به‌عنوان امر مطلوب شناسایی شده بود.

اتفاقات دی‌ماه ۱۴۰۴، پایان رضا پهلوی و دارو دسته اوست. او با این اقدام خود تنها بخشی از مردم ایران از هر دو طرف را هزینه خیال‌پردازی‌ها و توهمات خود کرد و هیچ آورده‌ای برای به اصطلاح مبارزه خود نداشت. نکته ناراحت‌کننده اینجاست که او کشته‌شدگان را تلفات طبیعی انقلاب می‌خواند و ابراز ناراحتی و پشیمانی از کار خود نمی‌کند که موجب بر زمین ریخته شدن ایسن همه خون‌شده. به خوبی اپوزیسیون و حتی غربی‌ها ملتفت این موضوع شدند که رضا پهلوی از حداقل صلاحیت‌های رهبری عاجز است. اینکه در پارلمان اروپا نمی‌گذارند او حرف بزند، یا اینکه ترامپ با تمام عداوتش با جمهوری اسلامی حاضر به گفت‌وگو با پسر فرح دیبا نیست، بیان‌کننده همین موضوع است که همه فهمیدند پهلوی دنبال حقه‌بازی است و در این میان تنها جان‌هایی را فدای خیال‌پردازی خود کرد.

صفحه‌ها به عنوان دال‌های شناور کمک‌کننده به رسانه‌های بزرگ‌تر بودند و آن روایت خود را در این جنگ شناختی تقویت کنند. این موضوعی است که در حال حاضر، جبهه انقلاب فاقد آن است. باید دال‌های شناور با حضور در این سکوها، روایت صحیح را بیان کنند تا فضا به شکل مطلق در دست آنان نیفتد. بی‌شک همان‌طور که در ۲۲ دی‌ماه مردم با حضور در خیابان‌ها، تروریسم را محکوم کردند، با فرصت حضور در سکوهای مختلف، بار دیگر حمایت‌شان از انقلاب را نشان خواهند داد.

چگونه در صورتی که با چشم‌ها اقدامات رادیکال دیده شده‌اند، همچنان افراد در پی تقویت این روایت هستند که برخی معترض بودند و جمهوری اسلامی روی آنان سلاح کشید؟

در پاسخ به این پرسش باید گفته شود ما به روایت‌سازی و وقایع‌نگاری نیاز داریم. به تعبیر دقیق‌تر موضوعاتی نظیر تحولات اقتصادی و بین‌الملل، موضع‌گیری‌های دولتمردان، افزایش قیمت‌ها، اعتراضات و در آخر فراخوان پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه باید به تفکیک بیان شود. موضوعی اعتراضات امر عیانی بود که حتی رهبر معظم انقلاب هم به آن اشاره داشتند؛ اما وضعیت وقتی متفاوت شد که فراخوان پهلوی به میان آمد و فضا رادیکال شد. ما در حال حاضر تنها دروازه‌بانی خبر می‌کنیم و از روایت‌سازی عاجزیم. روایت‌سازی‌هایی که در دل خود موضوعات تاریخی، تحلیلی و حتی احساسی را به مخاطب القا می‌کنند. باید این را هم بگوییم این دیگر کار انسان-رسانه‌هاست و نیاز است که سکوهای گوناگون باز شود تا امر مذکور تحقق یابد. اساسا باید این وقایع ولو با کمی تندی، به گفت‌وگو گذاشته شود. درمورد اتفاقات سال ۱۴۰۱ هم وضعیت چنین بود. بعد از فروکش کردن مسائل امنیتی، مردم موضوعاتی نظیر حجاب، زنان، قومیت‌ها و... را به گفت‌وگو گذاشتند و خرده رسانه‌ها متصدی این کار شدند. در باب اتفاقات ۱۴۰۴، که منشأ اقتصادی دارد هم این موضوع می‌تواند به گفت‌وگو گذاشته شود و این موضوع چندان پیچیده نیست.

۳

دیدگاه

شماره ۱۲۳۳ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴

صداق

روزنه

شعله‌های استعمار

در سرزمین یخ‌زده

رضا قارزی

کارشناس سیاسی



تحولات اخیر در گرینلند چهره واقعی سیاست خارجی آمریکا را آشکارتر کرده است؛ سیاستی که در ورای شعارهای لیبرالی و دموکراسی‌خواهانه، بر محور زور، تحمیل و منفعت‌طلبی می‌چرخد. واشنگتن، که در دهه‌های گذشته بارها از «دفاع از آزادی ملت‌ها» سخن گفته، امروز خود در پی تسخیر خاموش یکی از مناطق راهبردی شمال جهان است؛ منطقه‌ای که نه مردم آن خواهان مداخله‌اند و نه قوانین بین‌الملل چنین حق را به آمریکایی‌ها دهد.

♦ آغاز سناریوی نفوذ

ایالات متحده با گسترش بی‌سابقه ارتباطات دیپلماتیک و اقتصادی با دولت محلی گرینلند، در واقع در حال دور زدن حاکمیت قانونی دانمارک و ایجاد شکاف سیاسی داخلی است. فشارهای واشنگتن برای جهت‌دهی به تصمیمات حکومت محلی، مصادق آشکار دخالت در امور داخلی یک کشور مستقل به شمار می‌رود.

♦ نسخه مدرن تجزیه گرای

در دوران جدید که اشغال نظامی آشکار هزینه‌بر و نامشروع شده، آمریکا ابزار دیگری را به خدمت گرفته است: تحریک جریان‌های استقلال‌طلب و استفاده از شعار «حق تعیین سرنوشت» برای تضعیف دولت‌های مستقل. تبلیغات رسانه‌ای و حمایت غیرمستقیم برخی مؤسسات آمریکایی از عناصر متمایل به جدایی، در واقع تلاشی برای فراهم‌کردن مقدمه نفوذ ساختاری بر یک دولت کوچک و تازه‌تشکیل است. استقلال در قاموس واشنگتن، یعنی وابستگی تازه‌ای که پرچمش را خود بر می‌افرازد.

♦ استعمار در قالب سرمایه‌گذاری

گرینلند سرشار از منابع معدنی و عناصر

کمیاب است و آمریکا با وعده‌های درخشان

سرمایه‌گذاری، در واقع به دنبال کنترل

طولانی‌مدت بر معادن و زیرساخت‌های

حیاتی جزیره است. تاریخ معاصر از آمریکای

لاتین تا خاورمیانه گواه آن است که وعده‌های

سرمایه‌گذاری واشنگتن نه به توسعه پایدار، بلکه

به وابستگی اقتصادی، بدهی سنگین و تسلط

شرکت‌های چندملیتی منتهی شده است. اکنون

همین الگو به سرزمین‌های یخ‌زده شمال نیز

رسیده است.

♦ چهره آشکار سلطه

پانگه هوایی «تول» و حضور نظامی آمریکا در گرینلند، بخش آشکارتر سناریوی واشنگتن است. فشارهای واشنگتن برای جهت‌دهی به تصمیمات حکومت محلی، مصادق آشکار دخالت در امور داخلی یک کشور مستقل به شمار می‌رود.

♦ نماد تناقض

رفتار آمریکا در گرینلند نشان می‌دهد، ادعاهای این کشور درباره دموکراسی، احترام به حاکمیت ملت‌ها و نظم بین‌الملل صرفاً پوسترهای دیپلماتیک برای پنهان‌سازی منطق قدرت و سلطه است. امروز گرینلند در حال تجربه همان الگوی قدیمی است که در آمریکای لاتین، آسیا و خاورمیانه بارها تکرار شده است: نفوذ آرام، وابستگی اقتصادی و در نهایت، کنترل سیاسی.

♦ ایستادگی ملت‌ها

رد پیشنهاد خرید گرینلند از سوی کینهاگ در سال ۲۰۱۹، نمونه‌ای از ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی واشنگتن بود. این تجربه نشان می‌دهد، در برابر قدرت‌های بزرگ، تنها پایداری در اصل حاکمیت ملی می‌تواند مانع بلعیده شدن تدریجی استقلال کشورها شود.

گرینلند شاید سرزمینی یخ‌زده باشد، اما رقابت قدرت‌ها بر سر آن، شعله‌های تازه‌ای از استعمار مدرن را روشن کرده است؛ استعمار بی‌پرچم، اما با همان ماهیت کهنه: تصاحب و تحمیل.

پیشخوان

چشم طمع به کوبا



روزنامه «وال استریت ژورنال» در گزارشی به نقل از منابع آگاه که خواستند نام آنها فاش نشود، نوشت: «دولت ترامپ در تلاش است تا با قطع منابع نفتی کوبا که پیش از این از سوی ونزوئلا راهی این کشور می‌شد، دولت کوبا را ضعیف کند. دولت ترامپ بر این باور است که دولت کوبا هرگز تا این اندازه ضعیف نبوده، به‌ویژه پس از آنکه متحد کلیدی خود، نیکولاس مادیورو (رئیس‌جمهور ونزوئلا) را از دست داده و ارزشیابی واشنگتن نشان می‌دهد اقتصاد این کشور در آستانه فروپاشی قرار دارد. اکنون در حال جست‌وجوی چهره‌هایی در داخل کوبا است که بتوانند برای دستیابی به توافق با هدف کنار زدن دولت این کشور تا پایان سال، نقش میانجی ایفا کنند.» بر اساس این گزارش، مقامات آمریکایی برکناری «نیکولاس مادیورو» و امتیازاتی را که متحدانش پس از برکناری او به ایالات متحده دادند، الگویی برای فشار بر دولت کوبا می‌دانند و معتقدند، این روند می‌تواند هشداری برای هاوانا باشد. گزارش وال‌استریت ژورنال با اشاره به اینکه واشنگتن قصد دارد با قطع منابع نفتی، دولت کوبا را تضعیف کند، می‌افزاید: «مقامات آمریکایی با گروهی از تبعیدیان کوبایی درباره شناسایی فردی در داخل دولت کوبا که مایل به دستیابی به توافق باشد، گفت‌وگو کرده‌اند.»

بهای ولع



«اکنونومیست» در مقاله‌ای گزارش داد، تلاش ایالات متحده برای در اختیار گرفتن گرینلند یکی از جدی‌ترین بحران‌های داخلی تاریخ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را رقیسم زده و بنیان‌های اعتماد، دفاع جمعی و هدف راهبردی مشترک این ائتلاف را در معرض فروپاشی قرار داده است. آنچه در خطر است صرفاً آینده یک جزیره در قطب شمال نیست، بلکه انسجام کل نظم امنیتی فرآتلانتیکی است. اکنونومیست تأکید می‌کند، پیام‌های این بحران برای ناتو بسیار عمیق است. دولت‌های اروپایی در چنین شرایطی با انتخاب‌های دردناکی روبه‌رو خواهند شد. برخی ممکن است استدلال کنند گرینلند آنقدر کوچک و کم‌اهمیت است که ارزش گسست از واشنگتن را ندارد، در حالی‌که دیگران نگران خواهند بود عدم واکنش، روسیه را به آزمودن دفاع‌های اروپا تشویق کند. یکی از گزینه‌ها می‌تواند تلافی اقتصادی از طریق تحریم‌ها یا تعرفه‌ها باشد، هر چند مقاله یادآور می‌شود اروپا تاکنون به‌دلیل وابستگی به قدرت نظامی آمریکا از واکنش‌های شدید خودداری کرده است. در جمع‌بندی، اکنونومیست تصریح می‌کند ناتو آنقدر پیچیده است که یک‌شبه فرو نپاشد، اما ممکن است به شکلی تهی‌شده از اعتماد به حیات خود ادامه دهد. به‌نوشته این نشریه، گرسنگی آمریکا برای گرینلند می‌تواند بهایی بسیار فراتر از یک جزیره داشته باشد و در نهایت به از دست رفتن ائتلافی به وسعت یک قاره بینجامد که طی ۷۵ سال ساخته شده است.

زهر ا توحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

حمله ایالات متحده به ونزوئلا در تاریخ ۳ ژانویه نه تنها استفاده غیرقانونی از زور، بلکه بخشی از یک تغییر گسترده‌تر در سیاست‌های ژئوپولیتیکی نیهیلیستی است؛ سیاست‌هایی که در آن، قانون بین‌الملل آشکارا تابع مدیریت امپریالیستی امنیت جهانی قرار می‌گیرد. موضوع تنها حاکمیت ونزوئلا نیست، بلکه فروپاشی هرگونه اعتماد باقی‌مانده به توانایی نظام سازمان ملل متحد، و به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت است برای مهار تجاوز، جلوگیری از نسل‌کشی و حفظ هنجارهای قانونی.

«ریچارد فالد» استاد سرشناس حقوق بین‌الملل دانشگاه پرینستون و گزارشگر سابق سازمان ملل طی یادداشتی نوشت: «مداخله نظامی، پیامدهای سیاسی آن و سخنان رئیس‌جمهور ایالات متحده، سیستمی را نشان می‌دهد که در آن قانون به صورت گزینشی اعمال می‌شود، قدرت و توجایگزین پاسخگویی می‌شود و اجبار، جایگزین رضایت می‌شود. ونزوئلا نه از منظر شکست قانون بین‌الملل به خودی خود، بلکه از منظر حاشیه‌راندن عمدی آن توسط کشورهای که مسئول مدیریت امنیت جهانی هستند، باید بررسی شود.»

افراسو

بلوف‌های بی‌پایان

بازخوانی رسانه‌های غربی از ادعاهای دروغین ترامپ

«نیویورک تایمز» و «سی‌ان‌ان» در گزارشی از ادعاهای دروغین ترامپ نوشتند: «سخنان ترامپ بر صفات عالی (بدرتین تورم در دوران ریاست‌جمهوری سلف خود و بهترین اعداد اکنون در دوران ریاست‌جمهوری او)، ارقام غیرممکن از نظر ریاضی و ادعاهای بدون شواهد، مانند از بین بردن قاچاق دریایی مواد مخدر، استوار است.

به نوشته این روزنامه، ترامپ مدت‌هاست که به دروغ استدلال می‌کند که عصر طلایی به دلیل تعرفه‌ها، مرفه‌ترین دوران تاریخ آمریکا بوده است. تاکنون شواهد کمی وجود دارد که نشان دهد تعرفه‌های ترامپ منجر به رنسانس تولید، رشد شغل و دستمزد یا کاهش قیمت دارو شده است. ادعای ترامپ مبنی بر اینکه تعرفه‌های او باعث کاهش ۴۰۰ تا ۶۰۰ درصدی قیمت دارو شده است، از نظر ریاضی امکان‌پذیر نیست. کاهش ۱۰۰ درصدی به این معنی است که محصول رایگان است.

این رسانه افزود: «دلایل ترامپ برای حمله به ونزوئلا فاقد مدرک است. ترامپ بر اساس این فرضیه نادرست که دولت ونزوئلا در حال سرانزیر کردن مواد مخدر مرگبار به آمریکاست، مجوز مجموعه‌ای از حملات نظامی علیه قاچاق‌ها و

وی افزود: «از دیدگاه حقوق بین‌الملل، این اقدام مصداق استفاده بی‌شرمانه، غیرقانونی و بی‌موجه از زور تجاوزکارانه است که به وضوح با هنجار اصلی منشور سازمان ملل، ماده ۲ بند ۴، در تضاد است. این نقض فاحش حاکمیت و استقلال سیاسی ونزوئلا پیش از آن با سال‌ها تحریم‌های آمریکا، هفته‌ها تهدیدهای آشکار و حملات مرگبار اخیر به کشتی‌هایی که گفته می‌شد مواد مخدر حمل می‌کردند و توقیف نفت‌کش‌های حامل نفت ونزوئلا همراه بوده است.»

این استاد سرشناس حقوق بین‌الملل با بیان اینکه بیشتر ناظران آگاه فرض کرده بودند که هدف حمله به ونزوئلا تغییر رژیم و روی کار آوردن ماچادو، مدافع پرشور مداخله آمریکا و برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۵ است، تصریح کرد: «با این حال، واشنگتن اطمینان داشت که معاون رئیس‌جمهور، دلسی رودریگز، با منافع آمریکا همکاری خواهد کرد، به‌ویژه در رابطه با نفت و منابع دیگر ونزوئلا. و ثبات را با شرایط سازگار با اولویت‌های آمریکا احیا خواهد کرد. ترامپ حتی اعلام کرد که اگر ماچادو جایزه نوبل را به دلیل شایستگی ترامپ رد می‌کرد، او رئیس‌جمهور ونزوئلا می‌شد. این موضوع روایت «دموکراسی خواهی» را که پیش از حمله، از سوی دستگاه‌های تبلیغات دولتی آمریکا ترویج می‌شد،

فروپاشی اعتماد

درس‌های ونزوئلا برای جهان از منظر روابط بین‌الملل

بی‌اعتبارکرد.»

وی افزود: «منشور سازمان ملل، پنج قدرت پیروز در جنگ جهانی دوم را برتر می‌داند و به آنها عضویت دائم در شورای امنیت و حق وتوی نامحدود اعطا می‌کند. در واقع، مسئولیت مدیریت امنیت جهانی عمداً به این کشورها سپرده شد، که اولین دارندگان سلاح هسته‌ای بودند. شورای امنیت تنها نهاد سیاسی سازمان ملل است که مجاز به صدور تصمیمات الزام‌آور است. بنابراین، مدیریت امنیت جهانی عملاً به اختیار پنج عضو دائم سپرده شده است، که معمولاً آمریکا بر آن غالب است و به دلیل وتوها فلج شده است. از این منظر، عملیات ونزوئلا نشانه‌ای از فروپاشی قانون بین‌الملل نیست و بیشتر تجلی مدیریت ژئوپولیتیکی نیهیلیستی به شمار می‌رود. اگر چنین باشد، راه‌حل مناسب تنها تقویت قانون بین‌الملل نیست، بلکه باید بازیگران ژئوپولیتیکی را از نقش خودخوانده مدیریت امنیت جهانی محروم کرد.»

به‌نوشته فالد، عملیات ونزوئلا هرگونه اعتماد باقی‌مانده به توانایی پنج عضو دائم، به‌ویژه ایالات متحده ترامپ، برای مدیریت صلح، امنیت یا پیشگیری از نسل‌کشی را کاهش می‌دهد. بنابراین، نیاز به بررسی چارچوب‌های جایگزین، یا از طریق محدود کردن وتو یا انتقال مدیریت امنیت فراتر از سازمان ملل به مکانیسم‌های ضد

پنجره

رد پای آمریکا

گزارش نشریه الجزیری از دلایل اصلی ناآرامی‌ها در ایران

نشریه الجزیری «۲۴ ساعت» در یادداشت خود با اشاره به حوادث اخیر در ایران خاطر نشان کرد: «دلایل اصلی این ناآرامی‌ها و اعتراضات ناشی از فشار اعمال شده به دلیل تحریم‌های ایالات متحده بر مردم ایران و همچنین جنگ روانی قدرت‌های غربی برای تحت فشار قرار دادن مردم ایران است.» این نشریه می‌افزاید: «گزارش‌های ما نشان می‌دهد نیروهای امنیتی با نهایت خویشتنداری با این وضعیت برخورد کردند و از سلاح استفاده نکردند تا از هرگونه حمله به اموال عمومی جلوگیری کنند. به‌طور کلی، نیروهای امنیتی داخلی ایران مجهز به تجهیزات کنترل شورش هستند و سلاح‌های تیغه‌دار یا سلاح گرم حمل نمی‌کنند. این همزمان با تشدید فشارهای سیاسی و رسانه‌ای خارجی، از جمله اظهارات تند ایالات متحده علیه ایران بود که تهران آن را دخالت در امور داخلی خود می‌دانست.» به نوشته ۲۴ ساعت، ایران بین ۸ تا ۱۰ ژانویه، شاهد خطرناک‌ترین مرحله از وقایع بود، به طوری که گروه‌های مسلح و سازمان‌یافته در برخی از تجمعات نفوذ کردند. این گروه‌ها از سلاح گرم و سرد استفاده کردند و نیروهای امنیتی و تأسیسات عمومی و خصوصی را هدف قرار دادند. گزارش‌های پزشکی قانونی نشان می‌دهد که

هژمونیک، شامل بریکس، ابتکار کمربند و جاده چین و چارچوب‌های توسعه نوظهور، افزایش می‌یابد.

وی افزود: «هنوز معلوم نیست دولت رودریگز حاضر شود وارد توافقی شود که در آن، حاکمیت کشور فقط در ظاهر حفظ شود، اما اختیار و کنترل واقعی در عمل واگذار گردد. اگر چنین توافقی شکل بگیرد، به این معناست که سیاست فشار و تحمیل قدرت، همان دیپلماسی قایق‌های توپ‌دار، با ابزارهای امروزی، دوباره به صحنه برگشته است؛ رویکردی که اصل «حاکمیت دائمی کشورها بر منابع طبیعی» مورد تأکید سازمان ملل را زیر پا می‌گذارد و بار دیگر یک نظم نابرابر و سلطه‌محور را در منطقه حاکم می‌کند. این نگاه حتی فراتر می‌رود و تبعیت حاکمیت کانادا از خواست‌ها و منافع سیاسی و اقتصادی واشنگتن را هم محتمل می‌داند.»

این حقوق‌دان خاطر نشان کرد: «ماجرای ونزوئلا نمونه‌ای روشن از یک راهبرد گسترده‌تر است: کنار گذاشتن حقوق بین‌الملل، به حاشیه راندن سازمان ملل، و تحمیل یکجانبه سلطه آمریکا بر نیمکره غربی؛ راهبردی که در عین حال، امکان مداخله آمریکا را تقریباً در هر نقطه‌ای از جهان محتمل می‌داند، هر چند در حال حاضر بیش از همه گرینلند و ایران را در کانون توجه قرار داده است.»

اقدام قاطع

رئیس کمیسیون اروپا نسبت به پیامدهای اعمال تعرفه‌های گمرکی آمریکا علیه کشورهای اروپایی به بهانه گرینلند هشدار داد و تأکید کرد: «اتحادیه اروپا گفت‌وگو با واشنگتن درباره مسئله گرینلند را ترجیح می‌دهد؛ اما در صورت شکست دیپلماسی، کاملاً آماده هستیم تا به سرعت و قاطعیت واکنش نشان دهیم.» «اورژولا فون‌در لاین» با بیان اینکه در دنیایی که به طور پیوسته به سمت بی‌قانونی پیش می‌رود، اروپا به ابزارهای قدرت خود نیاز دارد، گفت: «ما این ابزارها را می‌شناسیم؛ اقتصاد قوی، بازار واحد، پایگاه صنعتی پرونسق، ظرفیت قوی نوآوری و فناوری، جوامع متحد و از همه مهم‌تر افزایش توانایی نظامی.»



نه به اقدام نظامی

وزیر خارجه ترکیه، ضمن اعلام مخالفت کشورش با هرگونه ماجر اجویی نظامی آمریکا علیه ایران خواستار ایجاد سازوکاری شد که امکان مذاکرات جدی بین تهران و واشنگتن را فراهم کند. او هشدار داد که احساس محاصره می‌تواند ایران را به سمت «بدرتین سناریوهای ممکن» سوق دهد و خاطر نشان کرد، تحریم‌ها آسیب قابل توجهی به اقتصاد ایران وارد می‌کنند. «هاکان فیدان» همچنین اظهار داشت، رئیس‌جمهور آمریکا، «تنها طرفی است که قادر به اعمال فشار مؤثر بر اسرائیل است» و از واشنگتن خواست نقش مؤثرتری در توقف نقض حقوق بشر در غزه ایفا کند.



برده ترامپ

نخست‌وزیر بلژیک، با اشاره به سیاست‌های خصمانه رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «ما برای ساختن رفاه فردا به بسترهای فناوری خودمان نیاز داریم. اگر چنین نشود، ترامپ می‌تواند هر کاری که می‌خواهد با ما انجام دهد. او می‌تواند با مسابازی کند و می‌تواند ما را برده خود کند؛ در اصل ما برده او هستیم!» «بارت دی‌وور» ضمن اذعان به ناتوانی اروپا گفت: «مذاکره با پوتین ایده خیلی خوبی نیست؛ زیرا همانطور که آمریکایی‌ها گفته‌اند اگر می‌خواهید صحبت کنید، نرم‌گفت‌وگو کنید، اما یک چماق بزرگ هم همراه داشته باشید. اما ما چماق بزرگی نداریم و فقط می‌توانیم نرم‌گفت‌وگو کنیم.»



از خاموشی تا پساخاموشی!



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در هفته‌های اخیر، همه ما تجربه مشترک و بی‌سابقه‌ای را از سر گذراندیم و آن تجربه چیزی نبود جز زندگی و کار در شرایطی که دسترسی پایدار به اینترنت بسیار محدود یا کاملاً قطع شده بود. کسب‌وکارها، مراکز آموزشی، ارتباطات خانوادگی و حتی جریان عادی کار در بسیاری از شرکت‌ها و نهادها، از جمله هماهنگی‌های ساده تحریریه این نشریه، با چالش روبه‌رو شده بود. این تجربه، نه تنها گواه پیوند عمیق زیست فردی و جمعی ما با فضای دیجیتال است، بلکه واکاوی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر ابعاد راهبردی «مدیریت ارتباطات در شرایط بحران امنیتی و پسابحران» را به یک ضرورت ملی تبدیل می‌کند.

بی‌تردید، حاکمیت و مسئولان کشور، با تکیه بر وظیفه خطیر پاسداری از امنیت و تمامیت ارضی کشور در مقابل تهدیدهای نوین، اقداماتی را در این حوزه اتخاذ کرده‌اند که در چارچوب وظایف قانونی و مبتنی بر تحلیل‌های امنیتی خاص آن مقطع قابل درک است. با این حال، آنچه اکنون در کانون توجه نخبگان دلسوز و کارشناسان دغدغه‌مند وطن قرار دارد، ارزیابی تمام‌عیار آثار و پیامدهای چنین تصمیماتی است. این ارزیابی نه به معنای تخطئه یا نادیده گرفتن ضرورت‌های امنیتی، که در راستای تکمیل فرآیند تصمیم‌سازی با نگاهی جامع، آینده‌نگرو و کم‌هزینه‌تر برای منافع ملی است. مسئله محوری این یادداشت نگارنده، بررسی هزینه‌های چندلایه ملی ناشی از اختلال گسترده و طولانی‌مدت در دسترسی به اینترنت بین‌الملل است. پرسش مورد بررسی نیز این سؤال است که چگونه می‌توان میان «ضرورت حفظ ثبات و امنیت ملی» و «پرهیز از تحمیل هزینه‌های سنگین، ماندگار و پالغ و بازگشت‌ناپذیر بر اقتصاد، جامعه و اعتماد عمومی» توازنی خردمندانه، هوشمند و پایدار برقرار کرد؟ فرضیه این تحلیل آن است که هر اقدام حفاظتی، هرچند ضروری، اگر همراه با ملاحظه دقیق تمام تبعات آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی بلندمدت نباشد، ممکن است ضمن کاهش کارایی خود، زمینه‌ساز چالش‌های پیچیده‌تری در آینده شود؛ از این رو هدف این جستار، ارائه تحلیلی سازنده و مبتنی بر منافع ملی است تا در پرتو آن، بتوان مسیرهایی برای تقویت همزمان «امنیت» و «توسعه پایدار» در عصر دیجیتال ترسیم کرد.

امنیت در تقابل با تعامل با توسعه؟

سیاست محدودسازی یا قطع گسترده دسترسی به اینترنت در وضعیت بحرانی، عموماً برآمده از دو منطق اصلی است: نخست، مقابله فوری با سازماندهی آشوب و اقدامات بی‌ثبات‌کننده از طریق مختل کردن کانال‌های ارتباطی بازیگران تهدیدآفرین؛ و دوم، کنترل روانی فضایی عمومی و مدیریت جریان اطلاعات به منظور جلوگیری از تشدید بحران. در شرایط حاد و به عنوان یک اقدام ضربتی و محدود به زمان، این سیاست می‌تواند توجهات امنیتی معینی داشته باشد. با این حال، مشکل اصلی زمانی رخ می‌نماید که این اقدام از حالت محدود و ضرب‌الاجل خارج شده و به وضعیتی ممتد و بافق زمانی نامشخص تبدیل شود. در این مرحله است که هزینه‌های پنهان و ساختاری آن، که اغلب از دید تصمیم‌گیران صرفاً امنیتی پنهان می‌ماند، به تدریج ظهور کرده و اثرات خود را بر ساختارهای اساسی کشور تحمیل می‌کنند و امنیت ملی را به چالش می‌کشد. برای درک این هزینه‌ها، باید پدیده را در چهار عرصه کلان اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، امنیت سایبری بلندمدت و اعتبار سیاسی تحلیل کرد.

ابعاد ۳۶۰ درجه یک تصمیم!

اقتصاد کشورمان در یک ده گذشته، با وجود همه فشارها و تحریم‌ها، شاهد رشد چشمگیر و انکارناپذیر بخش دیجیتال و اقتصاد مبتنی بر اینترنت بوده است. این بخش، از یک‌سویه عنوان موتور ایجاد اشتغال نوین، به ویژه برای جوانان تحصیلکرده عمل کرده و از سوی دیگر، در پیچه‌ای برای عبور از محدودیت‌های تحریمی و ارتباط با بازارهای جهانی گشوده است. بر اساس آمارهای منتشر شده، تنها در پلتفرم اینستاگرام، در کنار

میلیون‌ها کسب و کار خرد، حدود ۷۰۰ هزار فروشگاه و کسب‌وکار بزرگ ایرانی فعال بوده که معیشت مستقیم و غیرمستقیم هزاران هموطن به آن وابسته است. این رقم، هنگامی که در کنار حدود ۱۳۵ هزار فروشگاه فیزیکی تهران قرار می‌گیرد، نشان از تحولی عمیق در الگوهای اشتغال و تجارت در کشور دارد. حال قطع دسترسی به اینترنت بین‌الملل، به معنای توقف ناگهانی این موتور اقتصادی حیاتی است و ادامه این روند، نه تنها به زیان‌های کلان روزانه منجر می‌شود، بلکه دو پیامد بلندمدت بحران‌ساز به همراه دارد: نخست، فرار سرمایه‌های انسانی و مالی به سمت اکوسیستم‌های دیجیتال پایدارتر در دیگر کشورها خصوصاً کشورهای عربی و غربی، و دوم، عمیق‌تر شدن رکود و افزایش موج تعدیل نیرو در یکی از پرمایه‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور. این در حالی است که اقتصاد ملی در وضعیت کنونی، بیش از هر زمان دیگری به تاب‌آوری، ایجاد اشتغال و درآمد ارزی نیازمند است. علاوه بر این اقدامات محدودکننده فراگیر در حوزه ارتباطات، آثاری ماندگار بر بافت اجتماعی و روان جمعی ملت برجای می‌گذارد. هنگامی که عموم مردم، صاحبان مشاغل، دانشگاهیان و حتی قشرهایی که هسته سخت نظام شناخته می‌شوند، از دسترسی معمول به اینترنت محروم می‌شوند، اما تیتیر «اینترنت تجار و بازرگانان برقرار شد» برجسته می‌شود، احساس «تبعیض» و بی‌عدالتی دیجیتالی در جامعه تشدید می‌شود. این احساس، اعتماد عمومی را مخدوش و بازار سیاه اینترنت را رونق می‌بخشد. قیمت‌گذاری کانتینگ‌های وی‌پی‌ان تا ۱۵ میلیون تومان، رونق گرفتن خرید و فروش سیم‌کارت‌های خارجی با قیمت‌های چند ده میلیونی در شهرهای دور از مرز، و سفرهای اجباری مردم تا نقطه صفر مرزی برای دریافت آنتن کشور همسایه، همگی نشان از تولد یک اکوسیستم

غیررسمی، پرریسک و کاملاً خارج از کنترل حاکمیت دارد. جالب توجه است که این سیاست، ناخواسته موجب رونق دوباره بازار خرید و فروش گیرنده‌های ماهواره‌ای تلویزیون و افزایش ۲ تا ۳ برابری قیمت آنها در بازار شده و شبکه‌هایی، مانند «رستم مدیا» با هدف ارائه محتوای اینترنتی بر بستر این گیرنده‌ها نیز پر مخاطب شده‌اند. این پدیده، به وضوح نشان می‌دهد فناوری و ارتباطات راه‌خود را می‌یابد، اما این بار در بستری غیرقانونی و البته غیر قابل نظارت. این نکته را باید مد نظر داشت، در جهانی که نقش مرزهای فیزیکی در ارتباطات کمرنگ شده، محرومیت طولانی‌مدت از ارتباط با دنیا، احساس حبس دیجیتال و انزوا را در کاربران ایجاد می‌کند و این فشار روانی جمعی، سرمایه اجتماعی کشور را فرسایش می‌دهد. هنگامی که کانال‌های ارتباطی اصلی مسدود می‌شوند، فضا برای گفت‌وگو سازنده، انتقال پیام‌های رسمی به عمق جامعه و رصد دقیق دغدغه‌های مردم نیز تنگ می‌شود. این امر می‌تواند به جای آرامش، نوعی سکون توأم با ناراضیاتی انباشت شده را ایجاد کند، در واقع اقدامات بدون پیوست آینده‌نگرانه و عمیق در حوزه حکمرانی سایبری حتی اگر هدف و نیت خیری برای کشور داشته باشند، در بلندمدت می‌توانند به تضعیف جدی حاکمیت ملی در مهم‌ترین عرصه قرن، یعنی فضای سایبر بینجامند. مهاجرت اجباری کاربران و کسب‌وکارها به سمت ابزارهای غیررسمی، فیلترشکن‌های قوی، شبکه‌های ماهواره‌ای و فناوری‌هایی مانند استارلینک، عملاً حوزه نفوذ و نظارت قانونی حاکمیت بر جریان اطلاعات و ارتباطات را به حداقل می‌رساند. این شبکه‌های زیرزمینی در آینده می‌توانند به آسانی از طریق بازیگران ناسالم و دشمن برای اهداف خود هدایت و استفاده شوند. کاربرانی که به ناچار به بازار سیاه و پروکسی‌های

نامطمئن پناه می‌برند، در معرض کلاهبرداری، سرقت داده‌ها و نفوذ سایبری قرار می‌گیرند. این امر امنیت سایبری کل کشور را تضعیف می‌کند. آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده ناشی از قطع ارتباط، به نوبه خود بستر ساز ناراضیاتی‌های ساختاری آینده می‌شود و این ناراضیاتی‌ها می‌توانند در قالب‌های جدید و احتمالاً پیچیده‌تری، امنیت ملی را در آینده به چالش بکشند. بنابر این، امنیت‌سازی به بهای تخریب پایه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور، محاسبه‌ای پایدار و عاقلانه نیست!

نکته ظریف دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تأثیر این تصمیمات بر افکار عمومی آگاه و جامعه نخبگان کشور است. هنگامی که مسئولان ارشد، در اظهارات عمومی خود، ضمن ابراز نگرانی از تداوم قطعی اینترنت، مسئولیت تصمیم‌گیری در رابطه با سرنوشت فضای مجازی را به افراد و نهادهای دیگر ارجاع می‌دهند، این تصویر در اذهان عمومی شکل می‌گیرد که حتی در بالاترین سطوح کشور، اجماع کاملی بر تداوم و شیوه اجرای این سیاست وجود ندارد و همه از عوارض و بهای سیاسی این تصمیم مرتبط با خاموشی اینترنت در بزنگاه‌های انتخاباتی واهمه دارند. از سوی دیگر، مرور بخش نظرات خبرگزاری فارس به منزله یکی از مهم‌ترین رسانه‌های جریان انقلاب نیز به خوبی نشان می‌دهد که ناراضیاتی از محدودیت‌های اینترنتی اخیر یک دغدغه فراگیر و فراجنبی تبدیل شده است و بی‌اعتنایی به این هشدارهای اجتماعی می‌تواند هزینه سیاسی بلندمدتی برای کشور و نظام به همراه داشته باشد.

جمع‌بندی راهبردی

در بخش‌های قبل به این نکته اشاره کردیم که تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت و حکمرانی فضای مجازی و دسترسی به اینترنت، دیگر نمی‌تواند در چارچوب رویکردهای صرفاً سخت‌افزاری، مقطعی و تک‌بعدی و صرفاً ازسوی تصمیم‌گیران تک بعدی تعریف شود. این عرصه، امروز به قلب میدان تعامل پیچیده «امنیت»، «توسعه»، «ثبات» و «حاکمیت هوشمند» تبدیل شده است و در چنین میدانی امنیت ملی پایدار، تنها زمانی محقق می‌شود که در دل یک منظومه توسعه‌گر، عدالت‌محور و پاسخگو به نیازهای جامعه معنا یابد؛ لذا اقدامات امنیتی فاقد نگاه همه‌جانبه، خود می‌توانند به منبع تولید ناامنی در ابعاد دیگر تبدیل شوند.

در پایان باید با صراحت تأکید کرد، آینده از آن ملت‌ها و کشورهایی است که بتوانند تعادل بین امنیت و توسعه، تعادل بین ثبات و پویایی، تعادل بین حاکمیت و مشارکت، و تعادل بین کنترل و اعتماد را تأمین کنند. همچنین امنیت ملی در عصر دیجیتال، نه در انزوا و قطع ارتباط، که در ارتباط هوشمند، مقاوم‌سازی درونی و توانایی مدیریت بحران با کمترین هزینه برای ملت معنا می‌یابد. تصمیم‌سازان و اهالی سیاست کشورمان، بسا درک این پیچیدگی‌ها و با تکیه بر خرد جمعی و نگاهی بلندمدت و ملی، می‌توانند از گذرگاه‌های دشوار کنونی، نه تنها امنیت را حفظ کنند، که اعتماد ملی را تقویت و زمینه‌های توسعه پایدار را بیش از پیش فراهم آورند. تاریخ جهان و خاصه تاریخ جوامع توسعه یافته نیز به خوبی به ما می‌آموزد که پایدارترین درّهای امنیتی، بر فراز بنیان‌های توسعه اقتصادی رفاه اجتماعی و رضایت مردمی استوار شده‌اند.

یادداشت

فرصت ترمیم زخم‌های دی‌ماه

فریدون حیدری حویق

کارشناس سیاسی

در وضعیت کنونی جهان، کشورمان در کانون یکی از پیچیده‌ترین میدان‌های جنگ ترکیبی قرار دارد، جایی که دشمنان با تمرکز بر راهبرد ایجاد تفرقه و تشدید شکاف‌های اجتماعی، در پی تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش تاب‌آوری ملی هستند. در این مسیر و به ویژه پس از ناآرامی‌های دی ماه که به خسارات سنگین انسانی منجر شد، آنان از هر ابزاری برای عمیق‌تر کردن اختلاف‌ها و کینه‌ها و به تبع آن محدود کردن حوزه تقاهم میان آحاد ملت استفاده می‌کنند. در برابر چنین رویکردی، نظام و دولت با تکیه بر اصالت گفت‌وگو و عقلانیت در فرهنگ اسلامی-ایرانی، می‌تواند با توسعه هوشمندانه و هدایت‌شده فضاهای گفت‌وگو محور حتی در بستر فضای مجازی، پاسخی راهبردی و اثرگذار ارائه دهند. ایجاد و توسعه سکوهایی بومی گفت‌وگو محور، مانند نمونه‌های کلاب‌هاوسی، که در چارچوب ارزش‌ها و قوانین کشور، اما نه با محدودیت‌های افراطی و فراری دهنده مخاطب عمل کنند، نه تنها یک ضرورت ارتباطی است، بلکه یک نیاز راهبردی برای تقویت انسجام ملی است. این فضاها می‌توانند به عرصه‌ای امن و سازنده برای تبادل آراء، شنیده شدن دغدغه‌های اقشار گوناگون و تقویت فهم مشترک از مسائل ملی تبدیل شوند. وقتی شهروندان فارغ از وابستگی فکری و جریانی احساس کنند صدای‌شان در یک چارچوب قانونمند و محترمانه شنیده می‌شود، احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری آنان در قبال سرنوشت کشور افزایش می‌یابد. این همان سرمایه اجتماعی است که پشتوانه محکمی برای امنیت ملی در برابر هر گونه تهدید بیرونی یا آشوب درونی فراهم می‌آورد. توسعه فضاهای گفت‌وگو محور می‌تواند گام بلندی باشد و از تبدیل شدن زخم‌های تلخ ناشی از ناآرامی‌های دی‌ماه به زخم‌هایی درمان‌ناپذیر و سرطانی پیشگیری کند. این فضاها خصوصاً بسترهای مجازی شده‌آن امکان رصد بهتر افکار عمومی، شناسایی به موقع ناراضیاتی‌های واقعی و ارائه پاسخ‌های منطقی از سوی نهادهای مسئول را فراهم می‌کنند. از منظر امنیت ملی، داشتن چنین پنجره شفافی به جامعه، بسیار ارزشمندتر از رویکردهای انفعالی یا محدودکننده صرف است؛ چرا که گفت‌وگوی سازنده، اعتماد عمومی را تقویت کرده و فضایی را ایجاد می‌کند که در آن، دشمنان به سادگی نمی‌توانند با شایعات و اطلاعات نادرست، اذهان را تخریب کنند. همچنین باید به این نکته توجه داشت که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ملی بدون درک اجتماعی از مطالبات مردمی و قرار دادن انگاره‌های شخصی و جریانی در قامت انتظارات مردمی تنها به تولید چالش و بحران برای جامعه منجر می‌شود. البته شکی نیست که هر اقدامی در این حوزه نیازمند طراحی دقیق و هوشمند بوده و تولید بستر در این زمینه باید ضابطه‌مند و با نظارت فعال همراه باشد تا از تبدیل شدن این بسترها به محلی برای توهین، نشر اکاذیب یا تحریک جلوگیری شود؛ چرا که سودجویان از هر فرصتی برای تولید چالش و بحران بهره می‌برند؛ اما این تهدید را می‌توان با نظارت فعال خنثی کرد، به شرطی که نظارت شکل افراطی نیافته و محدود و تحدیدکننده مشارکت کاربران در فرآیند گفت‌وگو نشود. در پایان باید تأکید کرد، امروزه تاب‌آوری و توسعه کشورها در گرو ابعاد و اندازه سرمایه اجتماعی آنهاست و هر چه این سرمایه عظیم‌تر باشد، امنیت کشورها در مقابل تهدیدهای افزایش می‌یابد، از این رو توسعه فضاهای گفت‌وگو محور، سرمایه‌گذاری هوشمندانه‌ای برای تقویت این سرمایه و تضمین امنیت و عظمت پایدار ایران اسلامی است.

یادداشت

دستاوردهای
حذف ارز ترجیحی

کامبیز میر کریمی
عضو اتاق بازرگانی ایران
وروسیه

در علم اقتصاد و در تجربیات کشورهای توسعه‌یافته، این موضوع اثبات شده که یکسان‌سازی نرخ ارز و عبور از توزیع ارز رانتی و حذف انواع و اقسام نرخ‌های ارز به رانت و فساد اقتصادی منجر می‌شود و زمینه‌های لازم را برای حضور و فعالیت تجار و کارآفرینان و تولیدکنندگان واقعی در اقتصاد کشور فراهم می‌کند.

در این موضوع تردیدی نیست اگر دولت قصد حذف ارز ترجیحی را دارد، به این معناست که درست‌ترین مسیر و بهترین سیاست و تصمیم را اتخاذ کرده است. بنابراین، در اهمیت این موضوع و اثرات مثبت آن در عرصه‌های گوناگون اقتصادی نباید تردیدی وجود داشته باشد؛ لذا همه آحاد جامعه باید از این روند حمایت کنند.

متأسفانه از سال ۱۳۹۱ تاکنون دولت‌ها تغییراتی در راستای حرکت به سمت تک نرخ‌سازی ارز صورت ندادند و آنچه به منزله سیاست‌گذاری تصویب و اجرا شده، جهش دادن نرخ ارز دستوری و نه برنامه‌ریزی برای تک نرخ‌سازی ارز بوده است.

با اینکه دولت‌ها عمدتاً تلاش کردند با افزایش سطح نرخ ارز ترجیحی آن را به نرخ ارز بازار آزاد برسانند؛ اما همواره بین نرخ ارز دستوری و ارز بازار آزاد تفاوت‌های قیمتی قابل توجهی وجود داشته است. بنابراین، زمینه‌ساز توزیع رانت، فساد اقتصادی و برخورداری عدل‌های شده است با اینکه مبنای توزیع و تخصیص ارز ترجیحی بر حمایت از معیشت مردم و ارزان رساندن کالا و خدمات به دست و سفره آحاد گوناگون مردم جامعه، به‌خصوص اقشار آسیب‌پذیر بوده؛ اما این موضوع با وجود این تخصیص‌ها محقق نشده است.

در این موضوع شکی نیست که وجود ارز ترجیحی آسیب‌های فراوانی به اقتصاد کشور وارد کرده است که از جمله می‌توان به از بین رفتن با کاهش انگیزه صادرکنندگان، بیش‌اظهاری، توزیع رانت و موارد دیگری اشاره کرد.

وقتی رانت ارز به واردکننده می‌رسد، این روند به بی‌اعتمادی تجاری که از ارز دولتی برخورداری نمی‌شوند و کسانی که در عرصه اقتصاد بدون رانت و حمایت‌های دولت فعالیت می‌کنند، منجر می‌شود؛ از این رو باید گام بلندی برای پایان دادن به تخصیص ارز ترجیحی برداشته می‌شد.

امیدواریم دولت یک بار برای همیشه به چرخه توزیع رانت به نفع عده خاصی با تخصیص ارز ترجیحی پایان دهد و منابع ارزی کشور را با عنوانی که اهداف آن محقق نشده مثل حمایت معیشتی از اقشار ضعیف جامعه هدر داد.

نرخ دستوری ارز مانع بزرگی در برابر تجارت آزاد و ایجاد رقابت در عرصه اقتصاد است. خط قرمز کشیدن بر نرخ دستوری ارز را می‌توان آغازی بر توسعه اقتصاد و افزایش صادرات خواند. بنابراین، نباید نرخ دستوری وجود داشته باشد.

بی‌تردید دولت ابزارهای متعددی برای تحقق این منظور در اختیار دارد. متأسفانه افرادی که از مزایا و منافع مادی ارز ترجیحی برخوردار می‌شوند، اینگونه عنوان می‌کنند که با تک نرخ‌شدن ارز معیشت مردم بسیار سخت می‌شود؛ در حالی که رقابت ایجاد شده در عرصه تجارت و واردات و تولید زمینه‌ساز کاهش قیمت‌ها می‌شود و دولت نیز با ابزارهای گوناگون، مثل نرخ سود سپرده یا اوراق قرضه ارزی و... می‌تواند مانع افزایش نرخ‌ها شود؛ از این رو نباید از تک نرخ‌سازی ارز نگرانی داشت.

معاون اسبق وزارت کار در گفت‌وگو با صبح صادق

ساز و کارهای مولدسازی، نیازمند بازنگری



و به شکل مزایده به فروش برسانند و به منزله منابع درآمدی استان در بودجه لحاظ شود.»

وی در این باره گفت: «تکرار سیاست‌های غلط و اصرار بر تداوم آنها طی سال‌های گذشته مانعی بسیار بزرگ بر سر راه مولدسازی قرار داده است. از این روست که عنوان می‌کنیم در صورت توسل به روش‌های قدیمی می‌توان با قاطعیت اعلام کرد مولدسازی یک بار دیگر شکست می‌خورد.»

معاون اسبق وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاطرنشان کرد: «برای نمونه، یکی از رسالت‌های صدا و سیما در تحقق مولدسازی تبلیغ این موضوع بوده است. با اینکه فهرستی برای این منظور آماده شد که به صورت عمومی انتشار بیاید تا راه و مسیر پیش روی افراد و بخش خصوصی برای خرید باز شود؛ اما متأسفانه رسانه ملی در این زمینه همکاری لازم و مناسب را نداشته است. در حالی که امروز این موضوع با توجه به اهمیت آن باید یکی از اولویت‌های همه دستگاه‌ها و سازمان‌ها از جمله رسانه‌ها و صدا و سیما باشد.»

وی با بیان اینکه اگر مدیری عنوان کند ملکی مازاد دارد وی را بدترین مدیر معرفی می‌کنند، به این موضوع اشاره کرد که این تفکر غلط باید منسوخ شود و کنار گذاشته شود تا مولدسازی در مدار درست خود قرار بگیرد، گفت: «اگر در یک سازمان و وزارتخانه و نهادهای مدیری عنوان کند که ملکی مازاد برای مولدسازی دارد، نگاه‌ها به او مشکوک می‌شود و وی را مدیری نالایق عنوان می‌کنند که در حال فروش یا از دست دادن دارایی‌های آن مجموعه است؛ در حالی که واقعیت این نیست. مدیرانی که نگران این برچسب‌ها هستند نیز از انجام درست مولدسازی کنار می‌کشند که باید با فرهنگ‌سازی درست این نگاه تغییر کند.»

لبافی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «این نگرش مذموم باید کنار گذاشته شود و کاری نکنند بدون مولدسازی طبقه کارمند، بازنشسته و کارگر و تولید کشور و دولت تحت فشار مالی قرار بگیرد. بازسازی اموال دولت هزینه‌های بسیار سنگینی دارد؛ لذا این هزینه‌های سربرار از دولت باید جدا شود تا با واگذاری اموال مازاد به بخش خصوصی ضمن درآمدزایی دولت شاهد تأمین منابع مالی بخش مولد، افزایش حقوق و دستمزد و رونق گرفتن فعالیت‌های تولیدی باشیم.»

را در راستای رضایت آنها نسبت به بهبود وضعیت معیشتی شان افزایش دهد؛ اما متأسفانه دولتمردان به این مدل تأمین مالی‌ها و روش‌های آن – که نه منجر به تضییع حقوق کسی می‌شود و نه تورم‌زاست و رانتی به گروهی پرداخت نمی‌کند – بی‌توجهی می‌کنند.»

وی در این باره تأکید کرد: «دولت با برگزاری مناقصه و مزایده عمومی با حضور دستگاه ناظر و انجام تشریفات خاص این موضوع باید دارایی‌های خود را به منابع مالی تبدیل کند تا منابع ریالی مورد نیاز دولت تأمین شود. دولتمردان باید متوجه این موضوع بسیار مهم باشند که با فشار مالیاتی بر مردم و تولیدکننده نمی‌توانند منابع مالی خود را بعد از این تأمین کنند؛ حتی این رویه به خروج سرمایه‌ها از بخش تولید می‌انجامد. بنابراین، دولت باید در نحوه تأمین منابع مورد نیاز خود تغییراتی ایجاد کند.»

لبافی خاطرنشان کرد: «باید این پیشنهاد به دولت داده شود که مجلس و همه اقشار جامعه، خواهان تحقق این موضوع مهم هستند که با سازوکارهای کنونی دولت مولدسازی واقعی صورت نمی‌گیرد و دارایی‌های دولت به فروش نمی‌رسند. بنابراین، نیازمند اصلاح روش‌ها و واگذاری درست به بخش خصوصی هستیم.»

معاون اسبق وزارت کار معتقد است: «واگذاری دارایی‌های دولت باید به استandarان و به صورت استانی انجام شود. استانداران در نقش رئیس جمهور آن استان باید آن قدر اختیار داشته باشند تا املاک و دارایی‌های خود را با حضور دستگاه‌های نظارتی

از بانک مرکزی ایجاد کرده است که باید این روند اصلاح شود.»

وی درباره اهمیت مولدسازی بخش دولتی گفت: «برای نمونه در استانی مانند خراسان اداره برق دارای ملکی در شهر مقدس مشهد است که چندین همت قیمت دارد؛ زیرا این ملک در مرکز شهر قرار گرفته است. با اینکه طی سال‌های گذشته چندین بار این ملک به فروش گذاشته شده و همه مراحل استانی آن طی شده، اما کار این پرونده در تهران قفل شده و وزارت نیرویی که چند صد همت به پیمانکاران بدهکار است، کارهای لازم مثل تفویض استانی را انجام نمی‌دهد که ملک به فروش برسد و منابع مالی مورد نیاز استان تأمین شود تا امکانی برای پرداخت مطالبات پیمانکاران و ایجاد ساخت‌وساز و رونق اقتصادی در شهر و حمایت از بخش‌های مولد بهره‌ور ایجاد شود. از این موارد در سطح کشور و استان‌های گوناگون بسیار زیاد است؛ یعنی املاک و دارایی‌هایی هستند که مازاد هستند و با فروش آنها مشکلات قابل توجهی از بخش‌های دولتی حل می‌شود؛ اما یک سری از موانع موجود جلوی این موضوع و مولدسازی دارایی‌های دولتی را گرفته است.»

علی اکبر لبافی معتقد است: «از سوی دیگر در حوزه دولت بحث مربوط به روش‌های تأمین مالی که مهم‌ترین بخش آن می‌تواند از طریق مولدسازی اتفاق بیفتد، کاملاً قفل است؛ در حالی که دولت باید این قفل‌ها را باز کند؛ در این صورت است که می‌تواند رقم افزایش دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان

♦ دولت املاک و دارایی‌هایی دارد که مازاد هستند و با فروش آنها مشکلات قابل توجهی از بخش‌های دولتی حل می‌شود، اما یک سری از موانع موجود جلوی این موضوع و مولدسازی دارایی‌های دولتی را گرفته است.

♦ دولت با برگزاری مناقصه و مزایده عمو می با حضور دستگاه ناظر و انجام تشریفات خاص این موضوع باید دارایی‌های خود را به منابع مالی تبدیل کند تا منابع ریالی مورد نیاز دولت تأمین شود.

♦ اگر در یک سازمان و وزارتخانه و نهادهای مدیری عنوان کند که ملکی مازاد برای مولدسازی دارد، نگاه‌ها به او مشکوک می‌شود و وی را مدیری نالایق عنوان می‌کنند که در حال فروش یا از دست دادن دارایی‌های آن مجموعه است، در حالی که واقعیت این نیست. بنابراین، مدیرانی که نگران این برچسب‌ها هستند نیز از انجام درست مولدسازی کنار می‌کشند

شاخص

فرا تر از پیش‌بینی‌ها

اداره آمار ملی بریتانیا (ONS) اعلام کرد که شاخص قیمت مصرف‌کننده این کشور در دسامبر ۲۰۲۵ به ۳٫۴ درصد رسید که نسبت به ۳٫۲ درصد ثبت شده در ماه نوامبر افزایش نشان می‌دهد. بر اساس اعلام اداره آمار ملی بریتانیا، بیشترین افزایش سالانه قیمت‌ها در ماه گذشته مربوط به بخش آموزش با ۷٫۶ درصد بوده است. پس از آن، الکل و دخانیات با ۵٫۲ درصد و بخش مسکن با ۴٫۹ درصد قرار دارند. تورم مواد غذایی نیز در این کشور شتاب گرفت و از ۴٫۲ درصد در ماه نوامبر به ۴٫۵ درصد در دسامبر افزایش یافت.



منهای نفت

اجاق گاز

صادرات احاق گاز، یکی از حوزه‌های مهم در صادرات غیرنفتی ایران، نقش بسزایی در ارزآوری و تنوع‌بخشی به اقتصاد کشور دارد. این صنعت با تولید محصولات باکیفیت و رقابتی، بازارهایی در خاورمیانه، آسیای میانه و آفریقا را هدف قرار داده است. ارزآوری حاصل از صادرات اجاق گاز، به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی کمک کرده است و ثبات اقتصادی را تقویت می‌کند. همچنین، این بخش با ایجاد اشتغال و توسعه صنایع مرتبط، به رشد اقتصادی مناطق گوناگون کشور یاری می‌رساند. تقویت زیرساخت‌های تولید و بازاریابی بین‌المللی می‌تواند این صنعت را به یکی از ستون‌های اصلی صادرات غیرنفتی تبدیل کند.



افزوده

تورم تقاضا کش

تورم تقاضا کش زمانی رخ می‌دهد که تقاضای کل برای کالاها و خدمات در اقتصاد از عرضه پیشی بگیرد. این عدم تعادل سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود، زیرا مصرف‌کنندگان برای منابع محدود رقابت می‌کنند. عواملی مانند افزایش درآمد، سیاست‌های پولی انبساطی یا رشد صادرات می‌توانند تقاضا را تقویت کنند. بانک مرکزی ممکن است با افزایش میزان بهره یا کاهش نقدینگی، تورم را مهار کنند. این پدیده در اقتصادهای در حال رشد شایع است. اما اگر کنترل نشود، می‌تواند به کاهش قدرت خرید و بی‌ثباتی اقتصادی منجر شود، که مدیریت آن نیازمند تعادل بین رشد اقتصادی و کنترل قیمت‌ها است.



حضرت علی اکبر^(ع)، اعجاز مدرسه حسینی

گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین محمدجواد حاج علی اکبری

امام حسین(ع) نظریه تربیتی خودش را غیر از آنچه در کلام و سخن ارانه فرمودند، در قالب یک حقیقت روشن ودرخشان و در یک نمونه عینیت‌یافته، در صحنه کربلا ارائه کردند. اینها نشانه‌های مکتب حسینی است و در این میان شاگرد اول مکتب حسینی و مدرسه حسینی، حضرت علی اکبر(ع) است. من تعبیر کردم به اعجاز مدرسه حسینی که می‌تواند چنین کسی را تربیت کند. معلوم می‌شود سیدالشهدا(ع) برای تربیت این جوان ممتاز و نمونه‌و الگوسرمایه‌گذاری ویژه‌ای کرده و طبق نقل‌هایی که مشهورتر است، ۲۶ یا ۲۷ سال جلوی چشمان پدر رشد پیدا کرده است و قدم به قدم با برنامه، طراحی و با هدایت سیدالشهدا(ع) و البته با تصمیم خودش با همتی که داشته، با انتخابی که داشته، با مجاهدت بزرگی که داشته، رسیده به آن منزلتی که سیدالشهدا(ع) وقتی خواست او را معرفی کند، فرمود شبیه‌ترین فرد به پیامبر اعظم(ص). امام حسین(ع) به این ترتیب همه آرزوی خودش را برای تربیت انسان‌ها در چهره حضرت علی اکبر(ع) به عنوان آن نمونه

را خدمت شما عرض می‌کنم. که ان‌شاءالله برای همه ما و مخصوصاً برای جوان‌های عزیزمان الهام‌بخش باشد. ان‌شاءالله پدر و مادرها همین مسیر را برای بچه‌های‌شان دنبال کرده و با این قاعده حرکت کنند:

نکته اول که هم اول است و هم آخر، اصل است، فرع است و همه چیز است، عبارت است از مسئله تربیت توحیدی و اتصال به خدای متعال. اصل مسئله این است.این رنگ خدایی گرفتن و قرار گرفتن در صراط بندگی و زندگی در محیط ایمان و تقوا. این اصل مسئله است. منتها در مدرسه حسینی این سیر ارتباط با خدای متعال با محبت آمیخته شده است؛ یعنی دوستی با خداوند و قرار گرفتن در جاذبه محبت حضرت حق تبارک و تعالی.... شرح مبسوط این رابطه در مناجات عرفه سیدالشهدا(ع) هست. آن شرح عاشقی است؛ این ارتباط عاشقانه، محبانه، مؤمنانه‌و در کمال خضوع و فروتنی و تسلیم در برابر پروردگار متعال. این ویژگی بنیان و اساس شخصیت انسان مؤمن مورد قبول خدای متعال و اسلام عزیز است....اما مطلب



سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

سرنوشت مستکبران و جهان‌خواران، اعم از حکمرانان ستمگر تاریخ گذشته و معاصر که با ظلم و استبداد بر مردم حکومت کردند، در قرآن کریم، تصویری هولناک و عبرت‌آموز دارد. خداوند متعال در کتاب آسمانی خود، سنن الهی را تبیین می‌کند که بر اساس آن، هیچ قدرت ظالمانه‌ای پایدار نیست و عاقبت به خیر شدن مستکبران محال است. قرآن با صراحت اعلام می‌کند: «وَمَا كَانَ رَبِّكَ لِيُغْلِبَكَ الْقُورَىٰ يَظْلَمُ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ»(هود/۱۱۷)؛ یعنی خداوند شهرها و تمدن‌ها را به سبب ظلم نابود نمی‌کند مگر اینکه مردم آنها فاسد شده باشند یا حاکمانی چون فرعون و نمرود بر سر کار آیند که با طغیان خود، زمینه هلاکت را فراهم می‌آورند. خداوند انتقام خود را از مستکبران هم در همین دنیا با انواع بلاها، حسرت، ذلت و سقوط قدرت می‌گیرد و در آخرت، عذاب سخت‌تری را برای آنان آماده کرده است. رویکرد قرآن با این افراد، رویکردی مبتنی بر برانت، افشای چهره واقعی آنان و بشارت به مؤمنان مبنی بر نابودی طاغوت‌هاست.

یکی از نمونه‌های بارز مستکبران در قرآن،

فرعون است که نماد کامل استکبار، تکبر و جنایت در تاریخ شناخته می‌شود. فرعون با ادعای ربوبیت و قدرت مطلق، بنی‌اسرائیل را به بردگی گرفت و در زمین فساد کرد. خداوند در مورد فرعون و جنایتکاران هم‌تراز او می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَذِخُّهُ أُنْبَاءُهُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ نِسَاءُهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»(قصص/۴) این آیه دقیقاً تصویری از رفتار مستکبران را نشان می‌دهد؛ کسانی که در زمین تکبر می‌کنند، مردم را متفرق و طبقات مختلف ایجاد می‌کنند تا بر آنها حکومت کنند و گروهی را مستضعف کرده و تحت فشار قرار می‌دهند تا قدرت خود را حفظ کنند؛ اما خداوند سنن خود را تغییر نمی‌دهد و وعده نصرت مظلومان را محقق می‌کند. انتقام الهی از فرعون با دست موسی(ع) و با معجزه‌ای آشکار رقم خورد، اما قبل از آن، خداوند فرعون را در دنیا ذلیل کرد و قدرت او را به یغما برد. آیه «وَتَرَىٰ أَن تَمَنَّٰ عَلَى الدِّينِ اسْتَضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أُيُمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»(قصص/۵) نشان می‌دهد، سرانجام مستضعفان، ارث بردن زمین و قدرت از چنگ مستکبران است. این سنت الهی در طول تاریخ تکرار شده و در دوران معاصر نیز با سقوط طاغوت‌های پهلوی تجلی یافت.

نمرود دیگر نماد استکبار در قرآن است که با ادعای خدایی در برابر حضرت ابراهیم(ع)

ذلت عاقبت ستمگران!

ایستاد. او با قدرت نظامی و سیاسی خود، مردم را می‌ترساند و از راه خدا می‌گرفت؛ اما خداوند او را خوار و ذلیل کرده و قدرتش را نابود کرد. ابره که بنای نابودی خانه کعبه را داشت هم به سرنوشت مستکبران قبلی گرفتار شد. قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ»(فیل/۱) خداوند با پرندگان کوچکی، لشکر بزرگ او را نابود کرد تا نشان دهد قدرت مادی در برابر قدرت الهی هیچ ارزشی ندارد. این ماجرا درس عبرتی برای تمام مستکبران تاریخ است که فکر می‌کنند با زور و تسلط بر فناوری‌های روز جهان می‌توانند بر خدا و مقدسات چیره شوند. خداوند انتقام خود را در همین دنیا با نابودی آرزوهای آنان می‌گیرد، چرا که می‌فرماید: «وَيَقُولُ اللَّهُ أَتَىٰ فَعَلًا مَّا شَاءَ»(بقره/۱۰۶)

قرآن در مورد چنین حاکمانی می‌فرماید: «وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»(انعام/۱۲۹) یعنی خداوند برخی ظالمان را بر برخی دیگر مسلط می‌کند به‌خاطر اعمالی که انجام می‌دهند. خداوند انتقام خود از این مستکبران را با روش‌های گوناگونی می‌گیرد. یکی از این روش‌ها «استدراج» است. خداوند به آنها مهلت داده و نعمت‌هایی می‌دهد تا در غرور فرو روند و گمان کنند که قدرتمندند؛ اما ناگهان عذاب الهی آنان را فرا می‌گیرد. قرآن می‌فرماید: «و خدا را از آنچه ستمکاران انجام می‌دهند، بی‌خبر مینداز؛ مسلماً [کیفر] آنان را



دوم که خیلی نکته اساسی است، مسئله اخلاق است؛ حسن خلق. این هم خودش یک بابی است. مسئله ساده نیست: زیباسازی اخلاقی، شکل‌گیری یک شخصیت اجتماعی پر جاذبه، گرم، صمیمی، متواضع، مؤدب، خوشگلو، خوشرو، خوش ارتباط، اهل انس، اهل رفقت، مهربان، کارگشا، اهل سخاوت، این مسئله عادی‌ای نیست. مسئله تربیتی هم نیست.... نکته سوم که دیگر فقط در حد یک اشاره به آن می‌پردازم، روحیه جهاد، صلابت، عزّت است. بچه‌هایی که در مدرسه حسینی تربیت می‌شوند، شجاعند. به تعبیر قرآن کریم أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ هستند، أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ هستند. مثل یک لشکرند. اگر رهبان باللیل اسد بالنهار، شیر روزند....

برای روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌شود، به تأخیر می‌اندازد.﴾(ابراهیم/۴۲) مستکبران تاریخ سال‌ها در تجمل و قدرت زندگی کردند، اما در یک لحظه و با اتمام فرصت‌شان، همه چیزشان را از دست دادند و در ذلت و غربت مردند. رویکرد قرآن با مستکبران، رویکردی مبتنی بر مبارزه و مقاومت است. خداوند مؤمنان را به پایداری در برابر طاغوت‌ها دعوت می‌کند و وعده پیروزی می‌دهد. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَهْوَئُوا لِتَهْوَئِهِمْ وَلَا تُخَزِّنُوا أَلْسِنَتَكُمْ لَئِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»(آل عمران/۱۳۹) قرآن به مؤمنان می‌آموزد که از ظالمان ترسند؛ زیرا قدرت آنها توهمی وزودگذر است. «إِنَّ الدِّينَ كَفَرُوا يُفْقَرُونَ أَمْوَالُهُمْ لِيَصْذُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَتَسْتَفْهِقُونَهَا ثُمَّ يَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ ثُمَّ يَغْلِبُونَ»(انفال/۳۶) این آیه دقیقاً وضعیت حاکمانی را توصیف می‌کند که ثروت‌های کشور را صرف سرکوب ملت و دفاع از منافع بیگانگان کردند، اما در نهایت مغلوب شدند و همه هزینه‌های‌شان هدر رفت. همچنین قرآن مؤمنان را از یاری کردن مستکبران نهی می‌کند و می‌فرماید: «به ستمگران متعایل نشوید که دچار عذاب می‌شوید.»(هود/۱۱۳) رویکرد قرآن، برانست از ظالمان و پیوستن به صف مظلومان است. در نهایت، قرآن مستکبران را در دنیا و آخرت ذلیل و خوار می‌بیند. در دنیا با سقوط حکومت، نابودی آثار و بدنامی، و در آخرت با عذاب دردناک جهنم،(احقاف/۲۰)

آخرین نائب

«علی‌بن محمد سَمَری»، چهارمین و آخرین نایب خاص امام زمان(عج) بود. خاندان او از خادمان اهل بیت(ع) بوده و جایگاهی معتبر در سزاسان وکالت داشتند. به‌دلیل سخت‌گیری‌های شدید حکومت عباسی و خفقان حاکم، دوران نیابت او کوتاه بود و نتوانست فعالیت‌های گسترده‌ای انجام دهد؛ اما شیعیان به او اعتماد کامل داشتند. سرانجام در ۱۱ شعبان ۳۲۹ قمری، یعنی شش روز پیش از وفاتش، توقیعی از طرف امام زمان(ع) صادر شد که به او خبر درگذشتش را داد و فرمود پس از خود جانشینی تعیین نکند؛ زیرا غیبت دوم (کبری) آغاز شده است.



دین

شماره ۱۲۳۳ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴

صداقت

جرم فراموش‌شده قرآنی

محمدتقی بهار لو

کارشناس سیاسی

در منظومه فکری قرآن، «امنیت روانی» صرفاً یک امر اخلاقی یا توصیه‌ای حاشیه‌ای نیست، بلکه یکی از پایه‌های استحکام جامعه اسلامی بشمار می‌آید. جامعه‌ای که آرامش روانی در آن مخدوش شود، حتی اگر از نظر ظاهری امن باشد، در معرض فروپاشی تدریجی قرار می‌گیرد. قرآن کریم با نگاهی دقیق و واقع‌گرایانه، عواملی را بررسی می‌کند که ایسن آرامش جمعی را تهدید می‌کنند و برای آنها احکام و هشدارهای صریحی ارائه می‌دهند.

در آیه ۶۰ سوره احزاب، خداوند از جریانی سخن می‌گوید که کارویژه اصلی آن ایجاد اضطراب و تشویش در فضای عمومی است: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُخَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»؛ اگر منافقان و کسانی که در دل‌های‌شان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نمانند. هم‌نشینی «مرجفون» با منافقان و بیماردلان در این آیه، بهروشنی از سطح تهدیدی حکایت می‌کند که قرآن برای این رفتار قائل است؛ تهدیدی که متوجه بنیان‌های روانی جامعه است، نه صرفاً نظم ظاهری آن.

واژه «ارجاف» در لغت به معنای لرزاندن و ایجاد اضطراب آمده‌و در کاربرد قرآنی، ناظر به کش‌هایی است که با خبر، تحلیل یا موضع‌گیری، آرامش روانی جامعه را هدف قرار می‌دهد. این معنا در آیات دیگری نیز تأیید می‌شود؛ از جمله آیه ۱۹ سوره نور که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». در این منطق، اشاعه ترس، اضطراب یا فساد روانی، یک خطای فردی ساده نیست، بلکه به‌مثابه آسیبی اجتماعی تلقی می‌شود.

تفسیر قرآنی نیز بُعد عینی این مفهوم را روشن‌تر کرده‌اند. علی بن ابراهیم قمی در بیان شان نزول آیه ارجاف نقل می‌کند که گروهی از منافقان در مدینه، هنگام خروج پیامبر اکرم(ص) برای جهاد، شایعه قتل یا اسارت ایشان را منتشر می‌کردند؛ اخباری که موجب «افتقار مسلمین» می‌شد و فضای جامعه را دچار اضطراب می‌کرد. این رفتار، صرفاً دروغ‌پردازی نبود، بلکه آگاهانه و با هدف برهم‌زدن روحیه عمومی انجام می‌گرفت.

نکته قابل توجه آن است که قرآن، ارجاف را محدود به نشر اخبار کاذب نمی‌داند. حتی بازگویی خبر درست در زمان و موقعیت نامناسب، اگر به قصد ایجاد تشویش صورت گیرد، می‌تواند مصداق این عنوان باشد. از همین رو، تقلیل ارجاف به «شایعه» یا «دروغ» با منطق قرآنی سازگار نیست. در ادامه همین نگاه، قرآن برای این رفتار مجازات‌های سنگینی ذکر می‌کند. آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب از اخراج، طرد و حتی قتل سخن می‌گویند:

«ثُمَّ لَا يَخَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» و «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ظَفَعُوا أَخَذُوا وَوَقَّلُوا تَقْتِيلًا.» شدت این تعبیر نشان می‌دهد که تخریب امنیت روانی، در تراز تهدیدهای بزرگ اجتماعی قرار دارد. از منظر قرآنی، همان‌گونه که جان انسان محترم است. «وَمَنْ قَتَلَ نَفْسًا... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده/۳۲). روح جمعی جامعه نیز جرمی دارد که تعرض به آن، جرم تلقی می‌شود. ارجاف، عنوانی قصدی است؛ یعنی تحقق آن منوط به اراده و نیت آگاهانه برای ایجاد اضطراب است، و دقیقاً به همین دلیل، در متن قرآن با چنین حساسیت و شدتی مورد خطاب قرار گرفته است.



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

پانزدهمین همایش سراسری مدیران و هادیان سیاسی نیروهای مسلح با حضور نماینده ولی فقیه در سپاه، معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح، معاون فرهنگی سپاه، مسئولان و معاونان سازمان‌های عقیدتی-سیاسی و هادیان سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سازمان بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد.

معنویت

زیربنای پایداری فردی و ملی است



دموکراسی که به هم ریخته است. یک بحران فکری در بشریت مشاهده می‌شود.

وی با اشاره به بحران مقبولیت به عنوان سومین بحران، بیان کرد: «یکی از بحران‌های فراوری بشر، به خصوص با این عوامل و افرادی که در هرم قدرت قرار می‌گیرند، مانند ترامپ، این است که مقبولیت به شدت زیر سؤال رفته است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی بحران چهارم را بحران معنویت عنوان کرد و افزود: «بشر با بحران معنویت مواجه است. بیش از دویست و خرده‌ای سال از رنسانس می‌گذرد و بشر در ورطه مادی‌گری غوطه‌ور و از معنویت فاصله گرفته است و این، بشر را به شدت تهدید می‌کند.»

هادی سیاسی

هادی به سوی دین و مبلغ اسلام است



چیست. یک سرفصل هدایت سیاسی همین است که با استناد به قرآن بیان کنید دعوا سر انرژی هسته‌ای، حقوق بشر یا چیز دیگری نیست؛ دعوا سر این است: خدا حاکم باشد یا فرعون؟ دعوا سر حکمرانی و سر دین است.»

وی افزود: «ایشان می‌فرمایند تبلیغات و حتی مداحی باید همان جایی را هدف بگیرد که دشمن هدف گرفته است. هدایت سیاسی امروز باید خشتی‌کننده جنگ تبلیغاتی دشمن باشد. خودمان باید احساس جنگ در عرصه تبلیغات داشته باشیم و این احساس را به دیگران هم منتقل کنیم.»

نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «هدایت‌های سیاسی و روشنگری‌های ما باید هدفمند باشند. هر کس هدف را گم کند، راه را گم می‌کند. باید ببینیم از این جلسات و تلاش‌ها چه می‌خواهیم به دست آوریم و دنبال چه هستیم.» وی اولین هدف را تقویت امید و نشاط در جامعه برشمرد و بیان کرد: «باید نگذارید اراده‌ها آسیب ببیند. دهه‌آیه در قرآن داریم که خدا به ما یاد داده است تا وقتی اراده شما نشکسته است، شما شکست نخورده‌اید.»

تهران اظهار داشت: «آیا می‌توان ۲۰ سال بعد هم تهران را ام‌القرای جهان تشیع دانست؟ یا با شهری مواجه خواهیم بود پر از نمادهای غربی، با طرح‌ها و الگوهایی که از بیرون آمده‌اند و ما امروز گرفتار پیامدهای آن هستیم؟» گنجی در بخش دیگر سخنان خود با اشاره به انتخابات شوراهای و مزیت انتخابات تناسبی اظهار داشت: «یکی از پدیده‌های خاص تهران در این دوره آن است که با توجه به انتخابات تناسبی، جریان اقلیت، حتی اگر اقلیت بماند، در قالب لیست حذف نمی‌شود. برخلاف گذشته که مثلاً در مجلس یا شوراها، تمامی کرسی‌ها به نفرت اول یک جریان می‌رسید، اکنون چنین نیست. اگر فرضاً یک‌ونیم میلیون رأی در انتخابات شوراهای تهران داده شود و یک میلیون آن به اصلاح‌طلبان و ۵۰۰ هزار به اصولگرایان برسد، نتیجه این نخواهد بود که هر ۲۱ کرسی به اصلاح‌طلبان تعلق گیرد؛ بلکه ممکن است ۱۴ کرسی به یک جریان و ۷ کرسی به جریان دیگر برسد. از این رو، پیش‌بینی جدی آن است که در انتخابات آینده، شورای یکدست مانند دوره کنونی شکل نگیرد، زیرا نظام تناسبی، کرسی‌های اقلیت را نیز به رسمیت می‌شناسد.»

مثل تمیزی شهر است؛ نه، اینها نیست. مثلاً حمل‌ونقل برقی یا عمومی، با مسائل تهران مثل آب‌وهوا. اما من در همین چهار سال، دو مورد مشخص از ایشان شنیدم که در مواجهه با مدیران شهرداری مطرح شد؛ هر دو بار هم روی یک نکته تأکید کردند: «هویت تهران» و «هویت شهرهای بزرگ.» این کارشناس سیاسی اذعان داشت: «بنابراین مسئله ما، به‌عنوان نظام اسلامی، در نگاه به شهر، یک نگاه هویتی است. تصویر مردم از شهرداری، تصویر سازمان‌محور است؛ عمران، آجر، آسفالت. مردم توقع ندارند شهرداری پول فرهنگی خرج کند و این باید در ذهن مردم اصلاح شود. مسئله این است که شهر بی‌رحم با یک روح غربی، چگونه می‌تواند ام‌القرای جهان اسلام باشد؟ بنابراین مطالبات کسانی که برای انتخابات شوراها وارد میدان می‌شوند، باید ناظر به همین موضوع باشد. ذهن‌ها باید به این سمت برود. طبیعی است که مردم از ترافیک و آلودگی هوا بگویند؛ اینها مهم است، اما مسئله اصلی شهرها، مسئله هویت است. این هویت فقط جنبه بصری ندارد، بلکه جنبه ماهوی هم دارد.» وی با اشاره به اینکه نماد حکومت اسلامی در میدان اصفهان در قالب اقتصاد، سیاست و دین به درستی تبیین شده؛ با انتقاد از رویه سازمان‌محوری در

«حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی» رئیس دفتر عقیدتی-سیاسی فرمانده معظم کل قوا در این همایش با استناد به آیات قرآن و وقایع تاریخ اسلام، نقش معنویت را زیربنای پیروزی در جهاد اکبر و اصغر دانست و تصریح کرد: «پیروزی در جنگ‌هایی مانند بدر، احد و خندق، همچنین در دفاع مقدس نمونه‌های عینی تأثیر نرم‌افزار معنوی بر تقویت توان سخت‌افزاری است.»

وی به جنگ شناختی اشاره کرد و گفت: «جنگ شناختی دشمن برای تصرف ذهن و دل مردم، به شدت دارد تلاش می‌کند تا بر دل و ذهن مردم سیطره می‌یابد.»

رئیس دفتر عقیدتی-سیاسی فرمانده معظم کل قوا با اشاره به نقش و جایگاه مردم در مقابله با نقشه‌های سخت و نرم دشمن از نظر نگرش دینی، اظهار کرد: «از نظر نگرش دینی، حق حاکمیت با خداست، اما قدرت حاکمیت با مردم است. رأی مردم، ماهیت معاویه را تغییر نمی‌دهد، اما به معاویه قدرت می‌دهد. رأی مردم، مانوی مارکسیست را مسلمان نمی‌کند، اما به مانو قدرت می‌دهد. رأی مردم، گاندی بودایی را مسلمان نمی‌کند، اما به گاندی قدرت می‌دهد. بخواهیم یا نخواهیم، تولید قدرت با مردم است. اگر ما نتوانیم مردم را در مسیر درست هدایت کنیم، واقعاً با مشکل مواجه می‌شویم و بحران به وجود خواهد آمد.»

وی با بیان اینکه انسان غربی و بعضاً شرقی با چندین بحران مواجه است، عنوان کرد: «بحران هویت. اینکه من کیستم؟ برای چه زندگی می‌کنم؟ بشر به شدت گرفتار این هویت و سرگردانی و تحیر است. در این نظام، برای چه آمده‌ام و کجا خواهیم رفت؟ هیچ چشم‌انداز روشنی در برابر انسان غربی یا شرقی نیست.»

رئیس دفتر عقیدتی-سیاسی فرمانده معظم کل قوا دومین بحران را بحران مشروعیت برشمرد و گفت: «این نظام‌هایی که الان هستند، مبنا و مشروعیت‌شان چیست؟

«حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه در این همایش با اشاره به اینکه عالی‌ترین و کامل‌ترین مراتب بصیرت، اکتسابی محض نیست، بلکه اشراق و افاضه الهی است، گفت: «این مراتب را خدا به ظرف‌های آماده می‌بخشد، این طور نیست که کسی تنها با مطالعه و تحقیق بتواند به آن مراتب عالی‌ه برسد؛ آیات فراوانی مانند آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا...» و «إِذَا قُرَأَ الْقُرْآنُ...» به این موضوع استناد دارند.»

وی با اشاره به رابطه‌ای قوی بین معنویت و بصیرت اظهار کرد: «خداوند می‌فرماید تو ظرف‌ت را آماده کن، من می‌بینم و این بصیرت معجزه‌آسا را عنایت می‌کنم.» حجت‌الاسلام حاجی صادقی خطاب به هادیان سیاسی گفت: «باید دنبال این باشید که به سر چشمه هدایت، بصیرت و نور وصل شوید؛ نور بگیرید تا بتوانید نور را بخش کنید. گفته‌اند رسالت شما جهاد تبیین است؛ یعنی باید دل‌ها و قلب‌ها را از حضور و نفوذ دشمن مصونیت بخشیده و در برابر دشمن توانمند کنید.»

وی با تصریح بر این موضوع که یک هادی سیاسی، در حقیقت هدایتگر به سمت دین خداست، اظهار کرد: «چون سیاست ما بخشی از دین ماست و آن را جزئی مهم و تکنیک‌ناپذیر از هدایت دینی می‌دانیم. بنابراین، برای هادی سیاسی بودن بر اساس معرفت دینی، باید دین‌شناس باشید.»

نماینده ولی فقیه در سپاه تأکید کرد: «باید تلاش کنید تا بصیرت در دین تقویت شود، چرا که بصیرت دینی، پایه و ایجادکننده دیگر بصیرت‌هاست.» حجت‌الاسلام حاجی صادقی با ابراز تأسف از مهجوریت این بخش از قرآن گفت: «به‌نظرم یکی از بحث‌های مهجور قرآن، مهجوریت آیات مقاومت است. ما پاسخ سؤالات خود را از قرآن دنبال نمی‌کنیم. قرآن مقاومت را عامل پیروزی، شکست دشمن، نصرت الهی و مایه سربلندی و عزت معرفی می‌کند و در مقابل، سازش را مایه ذلت، آتش، ارتداد و مغضوب خدا شدن می‌داند.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با تأکید بر اینکه ما پیرو امام حسین (ع) و پیرو مکتبی هستیم که به ما یاد داده است فرمانروایی غیر خدا را نپذیریم، اظهار کرد: «حضرت آقا بعد از وعده صادق سه، در روز ولادت حضرت رضا(ع) گفتند علت دشمنی آمریکا با ما

دکتر «عبدالله گنجی» کارشناس مسائل سیاسی در این همایش با اشاره به اینکه علاوه بر وجوه دینی، فقهی، یا سیاسی، رهبر معظم انقلاب آنچه امروز مهم است معرفی ایشان به‌عنوان یک شخصیت ملی است، گفت: «شخصیت ملی به معنای پاسدار ایران، حافظ یکپارچگی سرزمینی، و ایستاده بر عزت ایران؛ این وجه و در رهبر معظم انقلاب، به‌طرزی معنادار مغفول مانده است. ما به دلیل غلبه نگاه دینی، کمتر از این زاویه سخن گفته‌ایم، در حالی که انسجام ملی، وحدت ملی و تمامیت ارضی، همگی به این خوانش از رهبر معظم انقلاب به‌عنوان شخصیت ملی بازمی‌گردد؛ شخصیتی که پای ایران ایستاده است. ایستادگی ایشان بر اصول اسلامی پذیرفته و بدیهی است، اما به‌تهایی نمی‌تواند تمامی معنا را منتقل کند.»

وی در ادامه با اشاره به اهمیت با اشاره به در پیش بودن انتخابات شش‌وراه گفت: «در مدتی که من در شهرداری بودم، یک نکته برایم خیلی جالب بود. خیلی دنبال این بودم که دغدغه آقا چیست، مسئله اصلی‌اش چیست؛ طبیعتاً شورای شهر باید در آن تراز باشد و همان کار را انجام دهد. شاید فکر کنید دغدغه‌هایی

هم‌افزایی و تعامل

هادیان سیاسی ضروری است



مجموعه‌هایی که متولی تقویت ایمان و امید در جامعه هستند، روزافزون تقویت بشوند.» وی گفت: «دشمنان ما به چیزی جز تسلط بر ما و به تعبیر رهبر معظم انقلاب «بلعیدن ایران» قانع نمی‌شوند. آنها تسلیم شدن ما را می‌خواهند و این نکته‌ای است که خداوند یک هزار و چهارصد سال قبل به مؤمنان و مسلمانان هشدار داد «مراقب باشید که دشمنان شما نخواهند جز اینکه شما تابع بشوید، پیرو بشوید، تسلیم بشوید.»

معاون سیاسی سپاه پاسداران با اشاره به سخنان ترامپ، گفت: «همین‌که ترامپ الان می‌گوید «ایران باید تسلیم بشود»، خداوند متعال یک هزار و چهارصد سال قبل به مسلمانان و پیامبر این مطلب را فرمودند «آنها به چیزی جز تسلیم شما و پیروی شما از مرام آنها، مسلک آنها و خواست آنها راضی نمی‌شوند.»

وی با اشاره به حوادث اخیر، بیان کرد: «امروز بسا این دو جنگ ۱۲ روزه و ادامه آن، این فتنه آمریکایی، رویارویی تمام اسلام و کفر به‌نمایش در آمد و امیدها بیشتر شد به آینده روشن؛ چرا که دشمن تصورش این بود که این نبرد آخر است، اما غافل از یک ملتی و امتی و امامی که خدا را دارد. این ملت شکست‌ناپذیر است: «ان ينصرکم الله فلا غالب لکم»؛ اگر شما به‌گونه‌ای باشید که لیاقت و ظرفیت دریافت نصرت الهی را داشته باشید، هرگز دشمنان بر شما غلبه نخواهند کرد.»

معاون سیاسی سپاه با جمع‌بندی وضعیت کنونی، تأکید کرد: «امروز دشمن لحظه‌به‌لحظه توطئه می‌کند، ما باید با چشم‌مانی باز در برابر دشمنان آماده دفاع و مجموعه اقدامات باشیم که این بخش از نیروهای مسلح، مدیران و هادیان هم کار خودشان را در حوزه جهاد تبیین و روشنگری و بصیرت‌افزایی و تعمیق عقلا‌نیت سیاسی و انقلابی دنبال خواهند کرد.»

در ابتدای مراسم «سردار یدالله جوانی» معاون سیاسی سپاه با بیان اینکه مجموعه نیروهای مسلح تحت پرچم اسلام و ولایت و فرماندهی معظم کل قوا، هم‌افزایی خوبی دارند، تأکید کرد: «بخش سیاسی به شکل هدفمند، تعامل و ارتباط ویژه‌ای را الحمدلله سازمان‌یافته و تعریف‌شده و برنامه‌ریزی شده دارد و ما امروز با این حوادثی که دارد اتفاق می‌افتد، متوجه ارزش این هم‌افزایی و باهم بودن بخش‌های سیاسی در شرایط سخت جنگ شناختی هستیم.»

وی با اشاره به توطئه‌های دشمنان گفت: «توطئه‌ها و فتنه‌ها یکی پس از دیگری شکسته می‌شود. ما سال ۱۳۸۸ و فتنه ۸۸ را یادمان نرفته که در آن سال رسانه‌های اروپایی اعلام کردند که جمهوری اسلامی پایان سال ۱۳۸۸ را نخواهد دید.»

سردار جوانی با بیان نقش هادیان سیاسی، گفت: «امروزه جهادگران تبیین تحت عنوان هادیان سیاسی در همه مجموعه‌ها وجود دارند و اینها نقش عمار در سپاه امیرالمؤمنین(ع) را امروز در نیروهای مسلح تحت امر فرماندهی معظم کل قوا ایفا می‌کنند؛ نقش روشنگری، نقش بصیرت‌افزایی و جهاد تبیین.»

معاون سیاسی سپاه افزود: «طبیعی است که ما به‌موازات سرمایه‌گذاری در حوزه‌های قدرت دفاعی نظامی و تجهیزات و جنگ‌افزارها و موشک‌ها که الحمدلله در پرتو همین توانمندی که حاصل شد نتیجه‌اش را در وعده صادق ۳ و جنگ ۱۲ روزه مشاهده کردیم، باید با همین نگاه بخش جنگ نرم دشمن را جدی بگیریم و در مقابل جنگ شناختی دشمن، جهاد تبیین، جهاد روشنگری، جهاد بصیرت‌افزایی و

باید شخصیت ملی

رهبر معظم انقلاب را

تبیین کنیم



نقطه قوت ایران را هدف گرفته‌اند



دست بیاورند، یعنی دنبال جنگ داخلی هستند. این رفتارها وضع اقتصادی موجود را هم دچار فراز و فرودهای شدید می‌کند؛ اینکه کشور را در حال اضطراب نشان بدهی، همان جنگی است که دشمنان به دنبال آن هستند.»

مانند ژ ۳ و کلت وارد میدان کردند؛ اینها افرادی نیستند که از خانه برای سر دادن شعار بیرون آمده باشند و اینها ساماندهی شده هستند.»

لاریجانی گفت: «وقتی این افراد سریع به سمت مراکز نظامی و انتظامی می‌روند تا سلاح به

وی تصریح کرد: «مگر نمی‌گفتند که مشکلات اقتصادی است؛ پس چرا باید فروشگاه‌ها را اغارت کرد و آتش زد؟ پس مسئله صرفاً اقتصاد نیست! اینجاست سؤال مطرح می‌شود: آیا یک بحران امنیتی این مشکلات اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند یا سبک‌تر می‌کند؟»

دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: «ملت هوشیار هستند؛ اما هدف دشمن این است که جامعه را از انسجام پیندازنند و دو گروه جامعه را به جان هم بیندازند؛ دشمنان ملت ایران را نمی‌شناسند و تصور می‌کنند که تنش‌های تروریستی شهری را به وجود می‌آورند و بعد می‌توانند عملیات نظامی کنند! ملت ایران نشان داده است که وقتی کیان ملتش مورد تعرض قرار می‌گیرد تا پای جان می‌ایستند و به سادگی نمی‌شود ملت ایران را جلوی حق قرار داد. چنانچه در حماسه ۲۲ دی‌ماه این مسئله دیده شد.»

وی ادامه داد: «سر خط‌های اغتشاشگران را نیروهای امنیتی شناسایی کردند و برخی را هم دستگیر کردند که البته برخی از اینها فریب خورده بودند؛ اما ما مواردی زیادی داشتیم که سلاح‌هایی

روزه بود، هدف گرفته‌اند.»

وی گفت: «بی‌شک مشکلات اقتصادی وجود دارد و دولت و بخش‌های مختلف باید رسیدگی کنند، اما باید توجه داشت که دشمن از این بستر به دنبال اهداف خودش است. دشمنان اغتشاشات اخیر را در چهار مرحله تجمع مردمی، ترور، اغتشاش و در نهایت حمله نظامی خلاصه کرده بودند که با توجه به اتحاد مردم همانند جنگ دوازده روزه شکست خوردند.»

لاریجانی تصریح کرد: «اغتشاشگران یک گروه شبه تروریستی شهری هستند. سه تا چهار ماه پیش هم صهیونیست‌ها گفتند که ما از ساختارهایی که در ایران ایجاد کردیم برای یک ماجرای جدید در ایران استفاده می‌کنیم، و این همان ساختار است.»

لاریجانی با ابراز اینکه دشمن نماد هویت ملی را هدف قرار داد، گفت: «دشمن به دنبال این بود که نماد هویت ایران را که همان پرچم ایران، مجسمه حاج قاسم، هویت دینی (مساجد و قرآن) است، هدف قرار بدهد و از مردم بگیرد.»

دکتر «علی لاریجانی» نماینده رهبر معظم انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی در پانزدهمین همایش سراسری مدیران و هادیان سیاسی نیروهای مسلح تصریح کرد: «در جنگ دوازده روزه، بعد از اینکه عملیات نظامی را شروع کردند، گفتند حالا ملت بیرون بریزید، نقشه آنها این بود که مردم ما را به خیابان بکشانند اما موفق نشدند؛ از همان روز تمام تلاش‌شان را کردند تا این اتفاق به هر نحوی شکل بگیرد از این رو در اغتشاشات اخیر شرایط اقتصادی و اعتراضات مسالمت‌آمیز را به اغتشاشات خیابانی مبدل کردند.»

وی افزود: «ترامپ این را لو داد و اعلام کرد اگر بحران اجتماعی ایجاد شود، ما عملیات نظامی می‌کنیم، تاکتیک آمریکا این بار جابه‌جا شد، این بار آمدند همبستگی مردم را بشکنند و بعد حمله نظامی را انجام دهند.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی افزود: «دشمنان ما عامل اصلی را که نقطه قوت در جنگ دوازده

دشمن روی فشارهای اقتصادی حساب باز کرده است

وی در خصوص راهبرد هفت‌مرحله‌ای دشمن در جنگ‌های اخیر گفت: «دشمن در جنگ دوازده روزه و در ادامه آن یعنی در دی‌ماه امسال تحریک اعتراض و اعتصاب گرفته تا حمله به اماکن، کشته‌سازی، القای ناآرامی، خرابکاری سایبری در زیرساخت‌ها و در نهایت ترکیب عملیات نظامی با گروه‌های سازمان‌یافته را در پیش گرفت. تا مرحله پنجم این سناریو پیش رفتند، اما با اقدامات پیشگیرانه و قطع اینترنت، بخش مهمی از حملات سایبری ناکام ماند.»

خادمی با اشاره به اینکه دشمن در حوزه اقتصادی روی اصلاحات و فشارها حساب باز کرده است، اظهار داشت: «هرچند دولت برنامه‌هایی را دنبال می‌کند، اما در اطلاع‌رسانی و زمان‌بندی برخی طرح‌ها شتاب‌زدگی وجود داشت؛ موضوعی که دشمن بلافاصله از آن بهره‌برداری کرد و با کلیدواژه‌هایی مانند «تسخیر خیابان‌ها» فراخوان‌هایی صادر شد. هدف اصلی، افزایش خشونت و بالا بردن شمار کشته‌ها برای مشروع‌سازی مداخله خارجی بود.»

رئیس سازمان اطلاعات سپاه با تأکید بر اهمیت نقش دانشجویان در برابر دشمنان اظهار داشت: «به دانشگاه‌ها تأکید می‌کنم که آسیب‌های موجود ناشی از فاصله علمی با رقیب است، نه صرفاً اقدامات اطلاعاتی دشمن. اگر نتوانیم این فاصله را جبران کنیم، هیچ مشکلی حل نمی‌شود. بنابراین، توجه به مخابرات کشور و ایجاد شبکه ملی اطلاعات ضروری است.»

جنگ دوازده روزه به پنج عامل اشاره کرد و توضیح داد: «نخست، تصمیم حکیمانه و سریع رهبر معظم انقلاب بود. ایشان بلافاصله، حتی کمتر از یک ساعت پس از شهادت فرماندهان، پیگیری‌ها را آغاز کردند، تماس‌ها برقرار شد. دوم، پاسخ قاطع نیروهای مسلح بود. با توجه به تجربه «وعده صادق ۱ و ۲» و توان پدافندی دشمن، تصور می‌کردیم اثرگذاری محدودتر باشد، اما آنچه رخ داد، چیزی جز نصرت الهی نبود. همین امر باعث شد آمریکا و برخی کشورها از مسیر واسطه‌ها تماس بگیرند و درخواست آتش‌بس کنند.»

رئیس سازمان اطلاعات سپاه ادامه داد: «سومین عامل، که اهمیتی بسیار بالاتر داشت، انسجام ملی بود. برخلاف تصور دشمن، جامعه دچار شکاف نشد. فضای تنفسی ضدانقلاب کاملاً بسته شد و پروژه بحران داخلی هم‌زمان با عملیات نظامی در خردادماه به‌طور کامل خنثی شد. چهارم، هماهنگی کم‌سابقه میان قوا بود. پنجم، اقدامات اطلاعاتی و امنیتی گسترده بود. با همکاری اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و اطلاعات فراجا، ده‌ها هزار نفر مورد رصد، ارشاد یا احضار قرار گرفتند؛ پیامک‌ها و تماس‌های هشداردهنده انجام شد، اقدامات سایبری هدفمند صورت گرفت، سیم‌کارت‌ها مسدود شد و هزاران سلاح غیرمجاز، ریزپرنده، بمب و مهمات کشف و ضبط شد. هم‌زمان، تلاش دشمن برای ایجاد بحران داخلی از مسیر فشار اقتصادی و عملیات روانی ادامه یافت.»



ایجاد بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حرکت کرد؛ همان الگویی که در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ تجربه شده بود. هر یک از این بحران‌ها بستر و عواملی مشخص داشتند؛ از انتخابات و مسائل اقتصادی تا نارضایتی‌های اجتماعی و تحریک خارجی. در اسفند همان سال نیز تلاش شد با همین الگو بحرانی جدید ایجاد شود، اما با اقدام پیش‌دستانه و برگزاری رزمایش «امیرالمؤمنین (ع) ۱» و همکاری نهادهای اطلاعاتی، این تلاش ناکام ماند. در این مرحله ده‌ها هزار نفر ارشاد، هزاران نفر احضار و تعدادی نیز بازداشت شدند.»

سردار خادمی در تبیین عوامل پیروزی ایران در

کرد: «در گفت‌وگو با برخی از عوامل ناآرامی‌ها، به‌وضوح دیده می‌شود که چگونه آموزش‌ها و تصاویر منتشرشده در فضای مجازی، حتی تحت عنوان «آموزش ضد بازجویی»، ذهن افراد را شکل داده است؛ تا جایی که فرد قاتل از صحنه خشونت و حتی شهادت افراد فیلم می‌گیرد و خود نیز توجیهی برای این رفتار دارد. این نشان می‌دهد که چگونه جنگ شناختی می‌تواند برداشت فرد از واقعیت را به‌طور کامل دگرگون کند.»

وی با اشاره به این مطلب که دست‌خالی دشمن در جنگ فیزیکی سبب شد تا دشمن به سمت ایجاد بحران اجتماعی برود، تصریح کرد: «هنگامی که دشمن در مسیر نظامی به نتیجه نرسید، به سمت

«سردار مجید خادمی» رئیس سازمان اطلاعات سپاه در این همایش با اشاره به الگوی دشمن در جنگ‌های اخیر گفت: «جنگ‌ها به‌طور کلاسیک به پنج دوره تقسیم شده‌اند: زمینی، دریایی، هوایی، فضایی و اطلاعاتی. مرحله پنجم که در سال‌های اخیر با آن مواجه هستیم، «جنگ شناختی» است؛ جنگی که اوج آن را در حوادث سال ۱۴۰۱ شاهد بودیم و همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد.»

وی ادامه داد: «در جنگ شناختی، میدان نبرد از جغرافیای سرزمینی به ذهن، فکر و دل انسان‌ها منتقل می‌شود. در این نوع جنگ دیگر خاکریز فیزیکی وجود ندارد؛ اذهان و افکار جایگزین سرزمین می‌شوند و به همین دلیل، دامنه آن بسیار فراگیرتر است. دشمن زمانی که در یک مرحله ناکام می‌ماند، به سراغ رویکردهای ترکیبی می‌رود و ما با یک درگیری رفت‌وبرگشتی مستمر در حوزه جنگ شناختی مواجه هستیم.»

خادمی اضافه کرد: «هدف‌های اصلی این جنگ، نشانه رفتن ایمان، امید، اعتماد، آگاهی و اراده جامعه است. راهبردهای آن در قالب عملیات روانی، جنگ روایت‌ها و قلب واقعیت‌ها دنبال می‌شود و ابزار اصلی‌اش فضای مجازی و شبکه‌های گسترده ارتباطی است.»

رئیس سازمان اطلاعات سپاه خاطرنشان

غبار تورم اجازه دیده‌شدن واقعیت‌ها را نمی‌دهد



«علی قاسمی» کارشناس اقتصادی در این همایش با بیان این شبهه که بسیاری از کارشناسان و افکار عمومی تصور می‌کنند اقتصاد کشور در شرایطی آشفته و رها قرار دارد پاسخ داد: «اقتصاد دارای شاخص‌های مشخص و قابل اندازه‌گیری است. در سطح بین‌المللی، ۲۸ شاخص اقتصادی وجود دارد که سه نهاد معتبر جهانی به آن نمره می‌دهند؛ نهادهایی که بعضاً با ما زاویه سیاسی نیز دارند، از جمله واحد اطلاعات اکونومیست، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول.»

وی ادامه داد: «اقتصاد نیز مانند نظام آموزشی است؛ همان‌طور که دانش‌آموز در پایان سال بر اساس نمرات ارزیابی می‌شود، اقتصاد کشورها نیز بر پایه این شاخص‌ها سنجیده می‌شود. در جهان، حدود ۱۹۴ کشور و نزدیک به ۲۲۰ اقتصاد مستقل وجود دارد؛ زیرا برخی مناطق مانند هنگ‌کنگ یا ماکائو به‌صورت جداگانه محاسبه می‌شوند.»

قاسمی اضافه کرد: «بر اساس ارزیابی این نهادها، اگر وزن اقتصاد ایران با نرخ ارز رسمی سنجیده شود، رتبه کشور در جهان حدود ۲۱ است. اگر محاسبه بر مبنای نرخ ارز موزون انجام شود با توجه به وجود چند نوع نرخ ارز-رتبه ایران به حدود

حسینی اضافه کرد: «اگر امروز به وضعیت بنگریم، می‌بینیم تقریباً همه مؤلفه‌های جنگ ترکیبی فعال است؛ از عملیات روانی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی گرفته تا تهدید، تفرقه، توطئه، عملیات خیابانی، اقدامات مسلحانه و ترور؛ مؤلفه‌هایی که برخی معتقدند در آینده نیز می‌تواند تشدید شود.»

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس تصریح کرد: «در سال‌های اخیر، تأکید ویژه‌ای بر «جنگ شناختی» شده است؛ جنگی که به‌سرعت در حال گسترش است و به‌ویژه می‌تواند مسئولان و تصمیم‌گیران را بیش از دیگران هدف قرار دهد. اگر فرمانده، سیاست‌گذار، وزیر یا مسئول دچار خطای شناختی شود، جامعه به‌طور مستقیم آسیب می‌بیند.»

وی اظهار داشت: «از این رو، در تحلیل اقتصاد ایران نمی‌توان کشور را جدا از این واقعیت‌ها دید. با این حال، تحلیل اقتصادی باید ماهیت اقتصادی خود را حفظ کند. گاه مشاهده می‌شود برخی تحلیل‌ها در همان مقدمه‌های غیر اقتصادی متوقف می‌ماند و هرگز به تحلیل واقعی نمی‌رسد. تحلیل اقتصادی جای آرمان‌گرایی صرف نیست؛ هدف آن نزدیک‌کردن تصمیم‌گیران به واقعیت‌هاست، نه فاصله‌دادن آنها از میدان واقعی اقتصاد.»

حسینی با اشاره به اینکه تحلیل اقتصادی باید مبتنی بر اصول علم اقتصاد باشد توضیح داد: «تحلیل اقتصادی هم باید جزئی و هم کلی باشد؛ هم در چارچوب بخشی و هم در سطح کلان. ناگزیر هستیم هم تحلیل روند داشته باشیم و هم تحلیل نوسان. اگر صرفاً بر مدیریت نوسان تمرکز کنیم و تحلیل روند از دست‌مان برود، یا اگر تحلیل نوسان را خارج از چارچوب روند انجام دهیم، به نتیجه نمی‌رسیم.»

وی با اشاره به اینکه روند اقتصاد ایران در ۱۵ تا ۱۶ سال گذشته مناسب نبوده است گفت: «تحریم‌ها مشکلات را تشدید کرده‌اند.»

مدیریت اقتصاد ایران باید متناسب با تهدیدات باشد



«سیدشمس‌الدین حسینی» رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در این همایش گفت: «در سال ۱۳۹۱ گزارشی مستند و به‌منظر من فاخر در حوزه اقتصاد منتشر شد. در آن زمان، بحث «اقتصاد ایران در سایه تحریم» مطرح بود؛ آن روزها تصور می‌کردیم تحت فشار شدید تحریم هستیم و از «جنگ اقتصادی» سخن می‌گفتیم. اما امروز، به‌ویژه از خردادماه امسال که درگیری‌ها آغاز شد، اقتصاد ایران با شرایطی فراتر مواجه است: اقتصاد همراه با تحریم و جنگ. یعنی هم با جنگ اقتصادی روبه‌رو هستیم و هم ناگزیر از مدیریت اقتصاد در شرایط جنگی.»

وی در ادامه خاطرنشان کرد: «در این زمینه، یادآوری گزارشی از حدود سال ۲۰۱۶ ضروری است که یکی از مؤسسه‌های معتبر منتشر کرد با عنوان «قدرت اجبار؛ مقابله با دشمن بدون جنگ». این گزارش که تمرکز آن بر چین، روسیه و ایران بود، سه مؤلفه اصلی برای فشار بر ایران برمی‌شمرد: جنگ سایبری، اعتراضات غیرخشنوت‌آمیز و تحریم. در تحلیل آنها، نه فرصت جنگ نرم وجود داشت و نه امکان یا صرفه ورود به جنگ سخت. بنابراین این مسیر را توصیه می‌کردند.»

تقویم انقلاب

سوابق فرمانده لشکر ابوذر



موضوع مهمی که در اجرای طرح لبیک یا خمینی(ره) مطرح بود، تعیین و انتصاب فرمانده برای هر یک از مناطق کشوری سپاه بود. در این زمینه، سپاه منطقه ۱۰ تهران در زمستان سال ۱۳۶۲ برای «شهید علیرضا نوری» حکمی با عنوان «فرمانده لشکر ابوذر» صادر کرد.
بسا توجه به اینکه این ایام مصادف با شهادت ایشان در تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۹ است، جا دارد به سوابق عملیاتی ایشان در جبهه‌های جنگ اشاره‌ای مختصر شود.

۱- از قبل از انقلاب و در دوره دانشجویی در دانشگاه امیرکبیر سوابق مبارزاتی داشت و پس از فارغ‌التحصیلی هم در راه‌آهن در سمت تکنسین مشغول کار شد.

۲- در دوران انقلاب و سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در اداره امور انقلابیون در راه آهن نقش بسیار مهمی داشت.

۳- پس از پیروزی انقلاب مسئولیت و راه‌اندازی کمیته انقلاب اسلامی و برخورد جدی با آشرا ر و پاکسازی راه‌آهن از گروهک‌های سیاسی منحرف را برعهده گرفت.

۴- با توجه به عضویت وی در سپاه انقلاب در راه‌اندازی سپاه راه‌آهن و تأمین امنیت و کنترل رفت‌وآمد مسافران در قطارها نقش مهمی ایفا کرد.

۵- با شروع جنگ تحمیلی درصدد جذب نیرو و سازماندهی و آموزش آنها در قالب یک گروه ۷۲ نفره و اعزام به جنوب و در محورهای عملیات سوسنگرد و هویزه برآمد.

۶-سازماندهی یک گردان عملیاتی با عنوان «گردان شهید علم‌الهدی» از اقدامات وی بود.
۷- طراحی انجام عملیات «بسا مهدی» در اسفندماه سال ۱۳۵۹ که موفق شدند حدود ۴ کیلومتر پیشروی داشته باشند و مواضع دشمن متجاوز را منهدم کنند.

۸- پس از انجام عملیات «بسا مهدی» نیروهای جدیدی جذب نیروهای مستقر در سوسنگرد شدند؛ لذا شهید نوری و هم‌رزمانش برای یک عملیات بزرگ‌تر از «ایامهدی» دو گردان سازماندهی کردند.

۹- در دهه سوم اردیبهشت‌سال ۱۳۶۰ انجام عملیاتی به نام «امام علی(ع)» در دستور کار قرار گرفت که با شروع آن نیروهای بعضی را در محاصره قرار دادند.

۱۰- در عملیات امام علی(ع) علیرضانوری که فرماندهی یک گردان را عهده‌دار بود، خیلی سخت از خود مقاومت نشان داد و به شدت مجروح شد.

۱۱- مجروحیت وی به حدی بود که کادر درمان بیمارستان با تصور اینکه او شهید شده، دستور انتقال پیکر شهید نوری به سردخانه را دادند و روی سینه‌اش با مائزیک با خط درشت نوشتند: «شهید علی‌رضانوری».

۱۲- پس از انتقال وی به سردخانه، یکی از پرستاران دید که جلوی دهان نوری در زیر مشما پخار جمع شده است؛ او را برای درمان به اتاق عمل انتقال دادند.

۱۳- پس از مدت‌ها دوران نقاهت و وقایع تابستان سال ۱۳۶۰ و قبول مسئولیت حراست راه‌آهن از جبهه‌ها دور نبود و در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، والفجر مقدماتی و در سایر نقاط مناطق جنگی حضور فعال داشت.

۱۴- در عملیات والفجرا ۱ در فروردین ۱۳۶۲، شهید علی‌رضا نوری در تیپ یکم عمار در کنار شهید علی اکبر حاجی‌پور به فرمانده تیپ کمک می‌کرد و دانشم در خط با موتور و ماشین تردد داشت، یک بار ماشین حامل او روی مین رفت و انفجار شدیدی رخ داد و ماشین واژگون شد. شدت انفجار به قدری بود که دست علیرضا نوری از ساعد قطع شد؛ در چنین وضعیتی بود که در پاییز ۱۳۶۲ مسئولیت نیروهای طرح لبیک را پذیرفت.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

حضور حضرت امام(ره) در تهران و بازگشت ایشان پس از سال‌های متمادی تبعید، فصل پایانی نهضتی بود که از مدت‌ها قبل آغاز شده و به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجامید. در آن ساعات حساس ورود حضرت امام(ره) به ایران، نگرانی‌ها و هیجانات همه وجود انقلابیون را دربر گرفته بود و لحظه‌های پیش‌بینی‌ناپذیری بود که امکان وقوع هر حادثه‌ای تلخ و شیرین قابل تصور بود. یکی از یاران حضرت امام(ره) در آن ایام حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است که در گفت‌وگویی در سال ۱۳۶۲، از خاطرات آن روزها می‌گوید:

«در آن روزها ما در یک حالت بهت بودیم. در حالی که در همه فعالیت‌های آن روزها ما طبعاً داخل بودیم. همان‌طور که می‌دانید ما عضو شورای انقلاب بودیم و یک حضور دائمی تقریباً وجود داشت. لکن یک حالت ناباوری و بهت بر همه ما حاکم بود. من یک چیزی بگویم که شاید شما تعجب بکنید.

من تا مدتی بعد از ۲۲ بهمن هم که گذشته بود بارها به این فکر می‌افتادم که ما خوابیم یا بیدار و تلاش می‌کردم که از خواب بیدار شوم؛ یعنی اگر خواب هستم، این رؤیای طلایی که بعدش لابد اگر آدم بیدار شود هر چه قدر خواهد بود خیلی ادامه پیدا نکند، اینقدر برای ما شگفت‌آور بود مسئله... روز ورود امام، البته آن روز ورود ایشان که ما از دانشگاه، می‌دانید که متحصن بودیم در دانشگاه دیگر، می‌رفتیم خدمت امام، توی ماشین من یک وقتی خدمت خود امام هم گفتسم همین را. همه خوشحال بودند، می‌خندیدند، بنده از نگرانی بر آنچه برای امام ممکن است پیش بیاید بی اختیار اشک می‌ریختم و نمی‌دانستم که برای امام چی ممکن است پیش بیاید. چون یک تهدیدهایی هم وجود داشت.

بعد رفتیم وارد فرودگاه شدیم، با آن تفاسیل امام وارد شدند. به مجرد اینکه آرامش امام ظاهر شد نگرانی‌ها و اضطراب ما به کلی برطرف شد؛ یعنی امام با آرامش خودشان به بنده و شاید به خیلی‌های دیگر که نگران بودند، آرامش بخشیدند.

وقتی که بعد از سال‌های متصادی امام را من زیارت می‌کردم آنجا، ناگهان خستگی این چندساله مثل اینکه از تن آدم خارج می‌شد. احساس می‌شد که همه آن آرزوها مجسم شده و وجود امام و با

روز بازگشت امام(ره)

برشی از خاطرات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای از رخداد‌های بهمن ۱۳۵۷



بکنند و دور اسام را گرفته بودند، امام هم علی‌رغم آن خستگی که آن روز گذرانده بودند با کمال خوشرویی با اینها صحبت می‌کردند. اینها هم دست امام را می‌بوسیدند، البته شاید یک ده پانزده نفر مثلاً مجموعاً بودند، همین‌طور طول حیات را طی کردند، رسیدند به پله‌هایی که به حال طبقه اول منتهی می‌شد و آن پله‌ها پهلوی همان اتاقی هم بود که من توی آن اتساق بودم. من از پنجره آمدم دم در اتاق وارد هال شدم که امام را از نزدیک ببینم. امام وارد شدند. تو هال هم عده‌ای از بچه‌ها بودند اینها هم رفتند طرف امام، دور امام را گرفتند که دست ایشان را ببوسند.

من هر چی کردم نزدیک بشوم دست امام را ببوسم، دیدم که به قدر یک نفر مزاحمت برای امام ایجاد خواهد شد و علی‌رغم میل شدیدی که داشتم بروم خدمت امام دست ایشان را ببوسم، کنار ایستادم و امام از دو متری من عبور کردند.

من نزدیک رفتم؛ چون دیدم شلوغ است دور و ور ایشان و رفتن من هم به این شلوغی کمک خواهد کرد. عین این احساس را من توی فرودگاه هم داشتم. توی فرودگاه همه می‌رفتند طرف امام من هم خیلی دلم می‌خواست بروم، اما خودم را مانع شده، بعضی دیگر هم مانع می‌شدم که بروند طرف امام که ایشان را خسته نکنند.»

از همان رفاه این نشریه بیرون می‌آمد. یک چند شماره‌ای منتشر شد. البته در دوران تحصن هم یک نشریه دیگری آنجا راه انداختیم یک دوسه شماره هم آن در آمد.

عرض کنم که من برگشتم آنجا و منتظر بودیم لحظه به لحظه که ببینیم چه خواهد شد. اطلاع پیدا کردیم که امام رفتند، به یک نقطه‌ای که یک مقداری آنجا استراحت کنند، نماز ظهر و عصر شان را ظاهراً نخوانده بودند نزدیک غروب شده بود، نماز ظهر و عصر شان را بخوانند و اینها. آخر شب بود، من داشتم خبرهای آن روز را تنظیم می‌کردم که توی همان نشریه‌ای که گفتیم چاپ بشود و بیاید بیرون.

ساعت حدود ده شب بود تقریباً، یک وقت دیدیم که از در حیاط داخلی [مدرسه] رفاه که از آن کوچه باز می‌شد یک در کوچکی بود یک صدای همه‌مهای احساس کردم من و یک چند نفری آنجا سر و صدا کردند و [پیدا شد] معلوم شد که یک حادثه‌ای واقع شده.

من رفتم از دم پنجره نگاه کردم، دیدم بله امام، تنها از در وارد شدند. هیچ کس با ایشان نبود. این برادرهای پاسدار، پاسدار که یعنی همان کسانی که آنجا بودند که ناگهان امام را در مقابل خودشان دیده بودند سر را پا نشناخته مانده بودند که چه

کمال صلابت و با یک تحقق واقعی و پیروزمندانه اینجا در مقابل انسان تبلور پیدا کرده. وقتی که آمدیم وارد شهر شدیم از فرودگاه و با آن تفاسیلی که خب همه شماها شاهد بودید و بحمدالله هنوز در ذهن همه مردم شاید آن قضایا زنده است، همان‌طور که می‌دانید امام عصری از بهشت زهرا رفتند به یک نقطه نامعلومی و برادران مان حالا به طور مشخص، آقای ناطق‌نوری امام را در حقیقت ربودند و به یک مأمنی بردند که از احساسات مردم که می‌خواستند همه ابراز احساسات بکنند و امام از شب قبلش که از پاریس حرکت کرده بودند تا دم غروب، تقریباً دمامد غروب دائماً در حال فشار کار و حضور بودند و هیچ یک لحظه استراحت نکرده بودند یک مقداری استراحت بدهند به امام.

ما هم پایین بودیم؛ یعنی ما در آن حال، ما رفته بودیم رفاه. مدرسه رفاه کارهای مان را انجام می‌دادیم. قبل از آنی که امام وارد بشوند ما نشسته بودیم بسا برادران مان و روی برنامه اقامتگاه امام و ترتیباتی که بعد از ورود امام باید انجام بگیرد، یک مقداری مذاکره کرده بودیم، یک برنامه‌ریزی‌هایی شده بود.

آن روزها یک نشریه‌ای ما درمی‌آوردیم که بعضی از اخبار و مثلاً اینها در آن نشریه چاپ می‌شد،

دهلیز

دستور لندن و واشنگتن!

به رسمیت شناختن رژیم صهیونی از سوی رژیم پهلوی

اول داشت. در آن دوره، آمریکا کمک‌های مالی، اقتصادی و نظامی قابل اعتنایی به ایران می‌کرد و گام‌های جدی برای ایجاد سلطه بیشتر بر ایران برداشته بود. بر همین اساس هنگامی که شاه در آبان ۱۳۲۸ برای نخستین بار به آمریکا سفر کرد، دولت آمریکا ضمن وعده‌های متعدد درباره ارائه کمک‌های اقتصادی، فنی و نظامی به حکومت ایران، ضرورت شناسایی دولت جدیدالتأسیس اسرائیل را به او گوشزد کرد. در همان حال طی اقامت ۴۸ روزه‌شاه در آمریکا، بسیاری از تجار، سرمایه‌داران و محافل سیاسی- اقتصادی یهودی مقیم آمریکا در ملاقات‌های متعدد با شاه از هیچ کوششی برای متقاعد کردن وی بر ضرورت شناسایی رسمی دولت اسرائیل و ایجاد روابط سیاسی فی‌مابین فرو نگذاشتند. شاه در گام نخست تسهیلات لازم را برای پذیرایی مطلوب از یهودیانی که از عراق وارد ایران می‌شدند، فراهم کرد. در همان سفر، شاه به طور تلویحی وعده داد تمامی تلاش‌هایش را برای فراهم آوردن زمینه‌های شناسایی رسمی اسرائیل به کار خواهد بست. وعده‌های شاه هنگامی امکان عمل یافت که مأموران اطلاعاتی اسرائیل موفق شدند با اعطای رشوه‌هایی کلان، نخست‌وزیر (محمد ساعد) و برخی وزرا و کارگزاران حاکمیت را به سیاست‌های دلخواه خود سوق دهند. گفته شد که مقامات دولت جدید صهیونیست با هزینه کردن چندصد هزار دلار (بین ۲۴۰ تا ۴۰۰ هزار دلار)، به آسانی توانستند مقصود خود را عملی کنند: اسرائیل شناسایی دوفاکتوری خود را برپاداخت رشوه قابل توجهی به دست آورد. »

کشتار در سرزمین سرخ‌پوستان داستانی است که نمونه آن را تاریخ به خاطر ندارد. تخمین زده می‌شود، در قرن شانزدهم میلادی طی یک نسل بعد از ورود «کریستف کلمب»، حدود ۱۵ میلیون بومی آمریکایی در سراسر جزایر کارائیب نابودشده باشند؛ این همان نسل‌کشی است؛ یعنی کشتار کل مردم یک ژاد در مقیاس وسیع. پی‌ریزی این جنایت، سیاست‌های نابودگرانه اروپایی‌ها را بنا گذاشت که با استناد به آنها حذف حدود ۱۰۰ میلیون بومی آمریکا را در کل نیم‌کره غربی توجیه کردند. با هر معیاری که حساب کنیم، کشتاری با این رقم، یک هولوکاست به حساب می‌آید!

در آغاز قرن شانزدهم، بومیان ۹۹ درصد جمعیت آمریکای لاتین و کارائیب را تشکیل می‌دادند که امروز این رقم به ۳۰ درصد کاهش یافته است. در کشورهایی که بالاترین درصد جمعیت بومی را دارند (پرو، مکزیک، گواتمالا، بولیوی و اکوادور) این رقم بیشتر از ۲۷ درصد نیست. اکنون ۷۷۰ تیره از بومیان، در آمریکای لاتین و کارائیب وجود دارد؛ ولی جمعیت هیچ یک از آنان، از ۵۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند. آنها جزء محرومان هستند و به حاشیه رانده شده و غرق در بینوایی هستند. ملاکان، صاحبان معادن و شرکت‌های چند ملیتی، آنها را به طمع تصرف زمین‌های‌شان، همچون حیوان قابل شکار دنبال می‌کنند و به زور از آن فراری می‌دهند.

«ماریا پانز ویکتور» استاد مطالعات آمریکای لاتین و کارائیب، در دانشگاه

حافظه

قبیله‌های نابود شده!

نگاهی به حضور استعمارگران در سرزمین سرخ‌پوستان

تورن‌توی کانادا می‌گوید: «این زنان سفیدپوست نبودند که با مردان بومی و یا سیاه ازدواج کرده و یا در آمیخته و تولید مثل می‌کردند. بلکه فقط این سفید مذکر سلطه‌گر بود که زنان را، اغلب به عنوان زنان غیر عقدی، از میان زنان برده بومی و سیاه‌انتخاب و تملک می‌کرد. خود من از سلاله مستقیم یک برده مولاتو هستم. نام جده مادری من- سه نسل قبل- «فیلیا لوسنا» بود. پس از به دنیا آوردن پسری با رنگ روشن‌تر، توسط نیای ملاک من آزاد شد. سپس نیای من- لطف کرده‌این پسر را وارث خود نامید».

در دل‌نوشته یکی از افراد قبیله شاوونی در وصف جنایات اروپایی‌ها بیان شده است: «امروز کجاست قبیله پکوت؟ کجا هستند قبایل ناراگانست، موهیکان، پوکانونک و بسیاری از قبایل دیگر ملت ما که پیش از این آن همه نیرومند بودند؟ آنان در زیر یوغ سفیدپوستان چنان ناپدید شدند که برف در برابر خورشید آب می‌شود. آیا بی‌آنکه به مقابله برخیزیم و مقاومت کنیم، خواهیم گذاشت که ملت ما از بین برود؟ آیا خانه و زندگی خود و سرزمین خود را که «روح بزرگ» به ما عطا فرموده است، و نیز گور مردگان خود و آنچه را برای ما عزیز و مقدس است رها خواهیم کرد؟ می‌دانم که شما هم همصدا با من فریاد برخواهید آورد، «هرگز! هرگز!».



مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی

رهبر معظم انقلاب در دیدار افشار گوناگون مردم در سالروز میث پیامبر مکرّم اسلام(ص) با اشاره به نقشه‌های دشمنان علیه دولت و ملت ایران، هدف فتنه آمریکایی اخیر را «بلعیدن ایران» دانستند و فرمودند: «هدف و سیاست مستمر آمریکا و نه فقط رئیس‌جمهور فعلی آن- بلعیدن ایران و بازگردان سلطه نظامی، سیاسی و اقتصادی خود بر کشور ماست؛ چرا که کشوری با این وسعت، جمعیت، امکانات و پیشرفت‌های علمی و فناوری آن هم در چنین مرکز حساس جغرافیایی، برای آنها قابل تحمل نیست». نکته مهمی که در تبیین این بخش از بیانات معظم‌له، به‌ویژه برای نسل جوان باید تبیین کرد، آن است که آیا اساساً بلعیدن ایران امکان‌پذیر است یا اینکه آیا در طول تاریخ نمونه‌هایی از بلعیدن ایران از سوی دشمنان وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت، واقعیت‌های متعدد تاریخی در دوره معاصر گویای آن است که تلاش دشمن برای بلعیدن ایران نه افسانه که واقعیتی انکارناپذیر است.

تلاش برای بلعیدن ایران چه زمانی شروع شد؟

برای تبیین واقعیت تلاش دشمن برای بلعیدن ایران باید به ابتدای دوره قاجار به منزله نزدیک‌ترین دوره به برهه کنونی مراجعه کرد. در آن زمان بعد از شکست ایران در جنگ دوم با روسیه، معاهده ترکمنچای بر ایران تحمیل شد که علاوه بر تحمیل کاپیتولاسیون سیاسی بر کشورمان به نفع اتباع روسی مستقر در ایران، در ضمیمه آن، کاپیتولاسیون اقتصادی-تجاری نیز بر ایران تحمیل شد که براساس آن، هر کالایی که از روسیه وارد ایران می‌شد، حداکثر باید پنج درصد عوارض گمرکی پرداخت می‌کرد. این در حالی بود که اگر کالا از تبریز به تهران صادر می‌شد، باید در شش مقصد عوارض پرداخت می‌کرد؛ معنای این وضعیت، باز شدن دروازه اقتصاد ایران بر روی کالاهای روسی و هم‌زمان با آن، بی‌پناه

ماندن کار و سرمایه ایرانی در برابر کالاهای خارجی بود. به سبب رقابت‌های استعماری در آن زمان، در نهایت انگلیس نیز حدود ۱۳ سال بعد، موفق به اخذ کاپیتولاسیون اقتصادی-تجاری از ایران شد. با اجرای این کاپیتولاسیون(ها) تولید در ایران ورشکسته و نابود شد که طی آن هم بازارهای ایران با هجوم کالاهای مصرفی خارجی مواجه شد و هم با توجه به نابودی تولید، ایران به کشوری تبدیل شد که تنها می‌توانست مواد خام و غذایی صادر کند. به این ترتیب، اقتصاد ایران به‌طور تقریباً کامل به‌واسطه ترتیبات تحمیلی استعماری بلعیده‌شد.

نابودی اقتصاد و استقلال ایران

آثار و نتایج این قضایا با گذشت حدود دو قرن هنوز در ایران دیده می‌شود؛ به این ترتیب که هنوز هم حیات تولید در ایران ضعیف است یا اینکه هنوز هم به‌سبب ناترازی میان صادرات و واردات، کشور با کسری تراز تجاری مواجه است. ضمن اینکه در اثر همین وضعیت، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، عنصر مداخله خارجی به یکی از مهم‌ترین ارکان تعیین سرنوشت ملت ایران تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که تمام تلاش‌ها برای عظمت ایران را با ناکامی مواجه کرد. در این زمینه، به نوشته مرحوم رضاقلی، از میان

۸۷ نخست‌وزیری که از زمان انعقاد ترکمنچای در سال ۱۲۰۶ شمسی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روی کار آمدند، تنها سه نفرشان داعیه حفظ استقلال و حاکمیت ایران در برابر مداخلات خارجی داشته و سودای قوی‌سازی ایران را در سر داشتند که البته هر سه آنها از کار برکنار شده و در زیر چرخ‌های استعمار و استبداد له شده و بدرود حیات گفتند.

وجه دیگر این وضعیت، نابودی استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی ایران در این برهه و تحمیل قراردادهای متعدد استعماری بر ایران بود، به‌گونه‌ای که تنها در قرارداد آخال، حدود یک میلیون و ۲۳۶ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران جدا شد یا اینکه در معاهده پاریس، استقلال هرات و افغانستان از ایران به رسمیت شناخته شد. در همین زمینه، در قرارداد گلد اسمیت، بلوچستان از ایران جدا شد و در ادامه این روند، در دوره پهلوی اول، طی قرارداد سعدآباد، دشت ناامید در شرق و کوه‌های آرارات در شمال غرب از ایران جدا شد. در دوره پهلوی دوم نیز علاوه بر قصبه فیروزه، بحرین نیز از ایران جدا شد. با توجه به آنچه گفته شد، در دوره معاصر، دشمن از تفوق نظامی خود برای بلعیدن ایران استفاده کرد، به‌گونه‌ای که با قرار گرفتن ایران در هاضمه

از زمان انعقاد ترکمنچای در سال ۱۲۰۶ شمسی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روی کار آمدند، تنها سه نفرشان داعیه حفظ استقلال و حاکمیت ایران در برابر مداخلات خارجی داشته و سودای قوی‌سازی ایران را در سر داشتند که البته هر سه آنها از کار برکنار شده و در زیر چرخ‌های استعمار و استبداد له شده و بدرود حیات گفتند.

در قرارداد گلد اسمیت، بلوچستان از ایران جدا شد و در ادامه این روند، در دوره پهلوی اول، طی قرارداد سعدآباد، دشت ناامید در شرق و کوه‌های آرارات در شمال غرب از ایران جدا شد. در دوره پهلوی دوم نیز علاوه بر قصبه فیروزه، بحرین نیز از ایران جدا شد.

دشمن از تفوق نظامی خود برای بلعیدن ایران استفاده کرد، به‌گونه‌ای که با قرار گرفتن ایران در هاضمه سیری‌ناپذیر استعمارگران، هم اقتصاد ایران و هم تمامیت ارضی ایران بلعیده شد. فراتر از اینها، به‌لحاظ روانی و فکری نیز در ناخودآگاه ذهن ایرانیان امواجی از ضعف، مانمی‌توانیم، تحقیر و... بر جا گذاشت.

دربرهه کنونی نیز اگرچه نظام سلطه در ظاهر با جمهوری اسلامی منازعه دارد و حتی جنایت‌کاری مانند نتانیاهو برای مردم ایران در باغ سبز نشان می‌دهد، اما باید توجه داشت که منازعه نظام سلطه به سرکردگی آمریکا و میدان‌داری صهیونیست‌ها با جمهوری اسلامی، صرفاً محدود به خود جمهوری اسلامی محدود نیست، بلکه معطوف به بلعیدن ایران و مربوط به تمام ایرانیان است

صبح صادق سابقه و اهداف نقشه دشمن علیه ایرانیان را بررسی می‌کند

افسانه بلعیدن ایران!

سیری‌ناپذیر استعمارگران، هم اقتصاد ایران و هم تمامیت ارضی ایران بلعیده شد. فراتر از اینها، به‌لحاظ روانی و فکری نیز در ناخودآگاه ذهن ایرانیان امواجی از ضعف، مانمی‌توانیم، تحقیر و... بر جا گذاشت. درواقع، در دوره معاصر، ایران هم در ابعاد مادی و هم فکری و هویتی از سوی قدرت‌های استعماری بلعیده شد؛ خسارت‌هایی که هنوز هم آثار آنها در ایران وجود دارد.

سخن پایانی؛ عبرت‌آموزی برای امروز

عبرت این ماجرا برای ایران امروز آن است که اگرچه شکست نظامی در برابر روس‌ها و ضعف در برابر انگلیس‌ها در یک برهه مشخص رخ داد و در ظاهر هم شکست در جنگ نظامی در برابر روس‌ها مربوط به دولت قاجار بود و عمده مردم ایران هم چندان به‌طور مستقیم درگیر قضایای جنگ نبودند، اما پیامدهایی که این شکست و ضعف بنیان‌های قدرت در ایران داشت، زندگی همه ایرانیان را تحت‌الشعاع قرار داد. به گواه منابع تاریخی، در اثر تحمیل مناسبات استعماری در این برهه بر ایران، چندین مرحله در ایران قحطی آمد یا اینکه با نابودی تولید، کارگران و صنعت‌گران ایرانی مجبور به مهاجرت از ایران شده و تعدادی از آنها برای همیشه با موطن خود خداحافظی کردند. در برهه کنونی نیز اگرچه نظام سلطه در ظاهر با جمهوری اسلامی منازعه دارد و حتی جنایتکاری مانند نتانیاهو برای مردم ایران در باغ سبز نشان می‌دهد، اما باید توجه داشت که منازعه نظام سلطه به سرکردگی آمریکا و میدان‌داری صهیونیست‌ها با جمهوری اسلامی، صرفاً به خود جمهوری اسلامی محدود نیست، بلکه معطوف به بلعیدن ایران و مربوط به تمام ایرانیان است و چنانچه دشمن بر آنها مسلط شود، نه‌تنها عناصر پویایی حیات آنها را از بین می‌برد، بلکه هرگونه امکان پیشرفت در آینده و حل مشکلات را از آنها سلب می‌کند. بنابراین، در برهه کنونی باید با تحکیم همبستگی و انسجام ملی و حمایت از نظام و نیروهای مسلح، پیام قدرت به دشمنان ارسال کنیم و مانع از تحقق اهداف شوم آنها شویم.

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۲۶

تفکر انقلابی غیرمصلحت‌اندیش!

همین اعتراض در قضیه حمله به سفارت انگلیس هم رخ داد و رهبر معظم انقلاب این حمله را نیز به ضرر اسلام و کشور و به ضرر همه دانستند. این در حالی است که شاید در نگاه نخست، حمله به سفارت انگلیس با آن هم سابقه ردالت سیاسی در مورد ایران، بسیار موجه و انقلابی باشد و مصداق کامل «حساسیت در برابر دشمن و نقشه‌های او» تلقی شود؛ اما با توجه به وضعیت کشور و با توجه به هزینه‌هایی که برای کشور دارد، نه تنها مصداق تفکر انقلابی نیست؛ بلکه مصداقی از «کامل کردن پازل دشمن» است. به عبارت دیگر چه‌سپادشمن منتظر حرکتی است تا با استناد به آن، هزینه‌هایی را بر ایران تحمیل کند و این حرکت را با تهییج احساسات ضد استکباری مردم و با هدایت عوامل داخلی خود رقم بزند. به همین دلیل در حرکت‌ها و رفتارها باید بسیار مراقب این بود که در طرح و نقشه دشمن واقع نشد.

نمونه‌ای دیگر از رفتارهایی که بر اساس احساسات انقلابی ظهور و بروز پیدا می‌کنند، ولسی در نهایت نمی‌توان آنها را مصداق تفکر و رفتار انقلابی دانست، ممانعت از سخنرانی برخی افراد و بر هم زدن جلسه سخنرانی آنهاست. یکی از مهم‌ترین مصادیق رفتارها، ایجاد سر و صدا هنگام سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) بود این رفتار نیز مورد اعتراض رهبر فرزانه انقلاب واقع شد و ایشان در این باره تصریح کردند: «... بنده با این کار مخالفم؛ با این نوع تخریب کردن‌ها و سر و صدا کردن‌ها بنده موافق نیستم؛ من مخالفم؛ این را همه‌بدانند».



محمد رضا ملایی

پژوهشگر اندیشه سیاسی

پس از واکاوی نسبت‌های ممکن میان مصلحت و تفکر انقلابی و روشن شدن این نکته که خطای اصلی در فهم مصلحت رخ می‌دهد، این پرسش نیز به‌طور طبیعی مطرح می‌شود که آیا در طرف مقابل، هر کنش یا موضوعی که با حس و شعار انقلابی همراه باشد می‌تواند مصداق واقعی «تفکر انقلابی» تلقی شود؟ بررسی تجربیات گذشته نشان می‌دهد، پاسخ منفی است. به عبارت دیگر، رفتارها و تفکراتی وجود دارد که در نگاه نخستین، شاید مصداق رفتار و تفکر انقلابی باشد؛ اما با تحلیل شرایط زمانه، کاملاً برخلاف مصلحت جامعه بوده و با توجه به اینکه یکی از معیارها و ضوابط تفکر انقلابی توجه به واقعیت‌ها و نیز رعایت مصلحت جمهوری اسلامی است، می‌توان گفت رفتاری بر خلاف تفکر و روحیه انقلابی است. برای نمونه، می‌توان به واقعه حمله به سفارت عربستان اشاره کرد.

برخی شاید این حمله را برآمده از حس حالت اعتراض به زورگویان و ایادی نظام سلطه بدانند و از این منظر، این حرکت را یک حرکت انقلابی برشمارند، اما از این نکته غافل هستند که تفکر انقلابی و عمل انقلابی، باید در چارچوب قانون و با توجه به واقعیت‌ها و اولویت‌ها صورت بگیرد و اتفاقاً یکی از معیارهای عمل انقلابی، پرهیز از رفتارهای هیجانی است. به همین دلیل این حرکت را نه تنها نمی‌توان مصداق عمل انقلابی دانست، بلکه مورد اعتراض رهبر معظم انقلاب نیز واقع شد.

۱۱

خرد

شماره ۱۲۳۳ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴

صبح صادق

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۷۰

سفر از واقعیت به متن!

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

بارزترین ویژگی‌های پیشرفت و هويت نزد شهيد صدر در هفت ويژگي فکري خود اين شهيد عزيز و نابغه نهفته است که عملاً مشخصه مکتب فکري ایشان هم بوده است. سه تا از اين ويژگي‌ها، يعني روش‌شناسي تفکر، کل‌نگري و بالندگي نظري و حرکت از فرضيه به عمل‌گرایی بررسی شد. در ادامه ويژگي‌های ديگر را که برخی به پاسخ به مسئله پیشرفت و بخشی ديگر به پاسخ به مسئله هويت برمی‌گردد، بررسی می‌کنیم.

۴- واقع‌گرایی یا سفر از واقعیت به متن و دوباره به واقعیت؛ برجسته‌ترین مثالي که می‌توان در بعد واقع‌گرایی از آن استفاده کرد، تفسیر موضوعی است. شهيد محمدباقر صدر می‌خواست نحوه مراجعه به متن را تغییر دهد و توجه‌ها را به سازوکار جدیدی جلب کند.

شهيد صدر می‌گويد: من سراغ متن نمی‌روم و اصلاً چرا بايد بروم؟! ابتدا بايد به سراغ واقعيت زندگی بشر برويم و به دغدغه‌های انسان مسلمان معاصر و مشکلات و بحران‌ها و عوامل عقب‌ماندگی و علت وضع بدش بپردازيم و سپس پرسش‌ها را از اين وضعيت موجود بگيريم. پس من در ابتدا یک واقع‌گرا هستم، يعني از واقعيت راه می‌افتم و با آن شروع می‌کنم، سؤالات و دغدغه‌ها را از آن می‌گيرم، سپس سراغ متن می‌روم و در مقابل کتاب و سنت زانو می‌زنم تا به آنها بگويم؛ در حل مشکلات واقعی، از شما چه پنهان می‌توانم ببرم؟ سپس، بعد از اینکه پاسخ را از متن گرفتيم، سفر بازگشت از متن به واقعيت را آغاز می‌کنم و آنچه را که از اين متن مقدس برداشت کردم، می‌گيرم و به سمت واقعيت می‌روم تا آن را مطابق اين ارزش‌های دينی که متن به من داده اصلاح کنم.

پس حرکت من از واقعيت به متن و سپس از متن به واقعيت است و نه از متن به متن، که گویا واقعيت برای من ارزشی ندارد! مانند آنچه «قفسه آرائی‌ها» ناميده می‌شود؛ گروهی که در قرن دوم هجری ظهور کردند و «آرائی‌ها» ناميده است و در برخی روايات اهل بیت(ع) به آنها اشاره شده است. دليل اين نام‌گذاری اين است که وقتي مسئله فقهي را مطرح می‌کردند، می‌گفتند به نظر شما اگر فلان‌طور بود، حکمش چیست؟ آنها از اين عبارت استفاده کردند، بنابراین به همان ناميده شدند.

می‌خواهم از «به نظرت اگر چنان بود» به «به نظرت چطور اين اتفاق افتاد، جوابم را بده» حرکت کنم. اين همان پروژه تفسير عيني و ديگر پروژه‌های شهيد صدر است.

ما معتقديم ایده تفسیر موضوعی به این شکل، بین کل‌گرایی نظریه‌محور (ویژگی دوم) و واقع‌گرایی جمع می‌کند؛ چون منظور از «موضوع‌گرایی» در کلمه «تفسیر موضوعی»- همان‌گونه که از برخی از عبارات شهيد صدر الهام گرفته شده‌در مقابل ذهني‌است؛ يعني واقعيت خارجي، بلکه ایشان تصريح می‌کند که من از واقعيت شروع می‌کنم و سپس سؤالات واقعی را به متن قرآنی عرضه می‌کنم.

بر اين اساس، شهيد می‌خواست معضل «غيرواقع‌گرایی اندیشه» را که چندین قرن گریبانگیر متفکر مسلمان شده بود، حل کند و او را به مرحله واقع‌گرایی سوق دهد تا از اين طريق بتواند وضعيت امت اسلامی را اصلاح کند و سطح فکری، اجتماعي و ایمانی او را بالا ببرد.

نکته گرام

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت

ملی، به مناسبت میلاد باسعادت امام حسین(ع)، حضرت ابوالفضل العباس(ع) و امام سجاد(ع)، به مقام شامخ و عزتمند تمامی شهدای ایران، به‌ویژه شهدای پاسدار، درود می‌فرستیم و قلدردان خدمات ارزشمند پاسداران عزیز و جانبازان والا مقام هستیم.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه

ایران: زلنسکی با سوءاستفاده از پول مالیات‌دهندگان آمریکایی و اروپایی، جیب ژنرال‌های فاسد خود را پر می‌کند و این کار را به بهانه مقابله با آنچه «تجاوز غیرقانونی و ناقض منشور سازمان ملل» می‌نامد، انجام می‌دهد. در عین حال، او آشکارا و بدون هیچ شرمی خواستار تجاوز غیرقانونی آمریکا به ایران می‌شود؛ اقدامی که همان منشور سازمان ملل را نقض می‌کند. آقای زلنسکی، جهان دیگر از دلقک‌های سرد گرم به ستوه آمده است. برخلاف ارتش شما که متکی به حمایت خارجی و آکنده از نیروهای مزدور است، ما ایرانی‌ها بلدیم از خودمان دفاع کنیم و نیازی به گدایی از بیگانگان نداریم.

لری جانسون، افسر پیشین سازمان سیا:

آشوب‌های ایران، «اعتراض مردمی» نبود؛ یک پروژه امنیتی کامل بود؛ از سقوط مهندسی‌شده ارزش پول تا شبکه‌سازی میدانی با استارلینک و گروه‌های مسلح. قرار بود پس از بی‌ثبات‌سازی داخلی، آمریکا ضربه نهائی نظامی را بزند. اما وقتی شبکه‌ها قطع و استارلینک خاموش شد و سازمان‌دهی فرو ریخت، سناریو شکست خورد و به همین دلیل، حمله لغو شد.

ژیلامه آنسل، کنل اسبق ارتش فرانسه:

شعار «جاوید شاه»، از داخل ایران نیست و خارج از ایران هدایت می‌شود. به محض اینکه شما انتقاد کوچکی در شبکه‌های اجتماعی از پهلوی می‌کنید لشکر ترول‌های هدایت‌شده به شما حمله می‌کنند. رضا پهلوی هیچ مشروعتی در بین ایرانیان ندارد و توسط یک پروپاگاندا، از بیرون حمایت می‌شود.

محمد ابوالنور، تحلیلگر شبکه آر تی ترکیه:

مردم ایران هیچ احترامی برای خانواده پهلوی قائل نیستند. وقتی به تل‌آویو قدس رفت، باعث عصبانیت و برانگیخته شدن احساسات مردم متدین ایران شد.

نقی رحمانی، عضو اپوزسیون: پهلوی

در ساعات شلوغ و روزهای تعطیل فراخوان داد تا بهره‌برداری تبلیغاتی کند؛ دعوت‌هایی پرهیاهو که نه در داخل شنیده می‌شود و نه در میان حامیان خارج‌نشین بازتابی واقعی دارد.

سنگ‌او یگور، مدیر شبکه خبری آمریکایی تی

وای تی: اگر به ایران حمله کنیم، مسئولیت مرگ هر آمریکایی بر عهده‌ی اسرائیل خواهد بود. مردم آمریکا این جنگ را نمی‌خواهند. این جنگ هیچ ربطی به ما ندارد. نه دستمزدها را بالاتر می‌برد و نه قیمت‌ها را پایین‌تر می‌آورد. این فقط برای این است که سیاستمداران فاسد بتوانند همچنان از لابی آبیگ چک‌هایشان را نقد کنند. اگر کسی را در این جنگ از دست بدهیم، مقصر رژیم صهیونی است.

جانانان راینر، تحلیلگر پزشکی سی‌ان‌ان:

به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور با خواب‌آلودگی بیش از حد در طول روز دست و پنجه نرم می‌کند. خوابیدن مکرر در حالی که دوازده نفر سر میز شما حضور دارند، طبیعی نیست. باید ارزیابی شود. این تحلیلگر پیشتر نیز خواستار آزمایش تست سلامت روان از رئیس‌جمهور آمریکا شده بود.

صبح صادق به بهانه اغتشاشات دی‌ماه، ضرورت ارتقای زیرساخت‌های ارتباطاتی را بررسی می‌کند

توسعه شبکه ملی اطلاعات



دارد. توسعه شبکه ملی اطلاعات ابزاری مؤثر در کاهش اغتشاشات و افزایش امنیت اجتماعی در کشورها به شمار می‌رود. این شبکه می‌تواند با ارائه اطلاعات صحیح، مدیریت بحران و ارتباط مستقیم میان دولت و مردم به کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کند؛ اما برای دستیابی به این اهداف، به سرمایه‌گذاری، آموزش و درک متقابل بین مردم و مسئولان نیاز است. با توجه به چالش‌های موجود، برنامه‌ریزی دقیق و یکپارچه‌سازی تلاش‌های دولتی و اجتماعی ضروری است تا این شبکه به شکلی مطلوب و مؤثر به بهره‌برداری برسد. در نهایت، توسعه شبکه ملی اطلاعات می‌تواند به منزله یک گام اساسی در راستای ایجاد جامعه‌ای پایدار و امن در برابر ناآرامی‌های اجتماعی تلقی شود.

دولتی است و در حال حاضر پیشرفت بسیار چشمگیری داشته است؛ البته با وجود مزایای بسیار شبکه ملی اطلاعات، چالش‌ها و موانع متعددی نیز هنوز وجود دارد که در دوره اغتشاشات بیشتر به چشم خورد و توسعه این شبکه به سرمایه‌گذاری و هزینه‌های کلان نیاز دارد. هزینه‌های زیرساختی و فنی گاهی می‌تواند مانع اصلی در اجرای این پروژه باشد. برخی افراد ممکن است نسبت به توسعه این شبکه شک و تردید داشته باشند و آن را یک اقدام نظارتی و کنترل‌گرایانه تلقی کنند. این نگرش می‌تواند به افزایش نارضایتی‌های اجتماعی منجر شود و لذا برای استفاده مؤثر از شبکه ملی اطلاعات، به فرهنگ‌سازی و آموزش مردم در مورد استفاده بهینه و آگاهانه از این بستر نیاز وجود

مجاز، امنیت اطلاعات و داده‌های حیاتی کشور افزایش پیدا می‌کند. در زمان بروز اعتراضات، کنترل و نظارت بر محتویات منتشر شده در این شبکه آسان‌تر خواهد بود. دسترسی به اطلاعات معتبر، با وجود شبکه ملی اطلاعات، شهروندان می‌توانند به منابع معتبر اطلاعاتی دسترسی داشته باشند و از انتشار اخبار نادرست و شایعات جلوگیری کنند. از سوی دیگر توسعه شبکه ملی اطلاعات می‌تواند بستر ارتباطی مستقیم میان دولت و مردم باشد و دولت با استفاده از این بستر می‌تواند به راحتی نظرات و خواسته‌های مردم را بشنود و به آنها پاسخ دهد، که این امر به کاهش نارضایتی‌ها و اغتشاشات کمک می‌کند. نرم‌افزار و برنامه «دولت من» نشان‌دهنده این دسترسی سریع به خدمات

گزارش

از سرگرمی دیجیتال تا تهدید امنیت ملی

گروه مجازستان

صبح صادق

در این وضعیت، ارتقای سواد رسانه‌ای و امنیتی کاربران، به‌ویژه جوانان، یک ضرورت راهبردی است. خانواده‌ها، نهادهای آموزشی و دستگاه‌های فرهنگی باید نسبت به تغییر ماهیت تهدیدها آگاه باشند. از سوی دیگر، برخورد حقوقی و فنی با زیرساخت‌های این پلتفرم‌ها و شبکه‌های تبلیغاتی وابسته به آنها، نیازمند هماهنگی جدی میان نهادهای مسئول است. دشمن در نبرد امروز، دیگر صرفاً از مسیرهای کلاسیک اقدام نمی‌کند. نفوذ از بسترهای دیجیتال، بازی‌ها و پلتفرم‌های به‌ظاهر بی‌خطر، یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ ترکیبی است. بی‌توجهی به این تهدید، می‌تواند هزینه‌های امنیتی سنگینی به‌همراه داشته باشد. هوشیاری کاربران، اقدام پیش‌دستانه نهادهای مسئول و روایت‌گری دقیق رسانه‌های متعهد، سه ضلع اصلی مقابله با این تله‌نوبن امنیتی است.

وابستگی و سپس همکاری می‌شود. یکی از ابعاد خطرناک این فضا، امکان ایجاد پرونده‌های دیجیتال برای کاربران است. وابستگی مالی، ترس از افشا، یا ثبت سوابق فعالیت غیرقانونی، بستری مناسب برای اعمال فشار و باج‌گیری فراهم می‌کند. این همان نقطه‌ای است که تهدید سایبری به تهدید امنیتی تبدیل می‌شود. دشمن در این مرحله، با استفاده از ابزارهای ارتباطی رمزگذاری‌شده و واسطه‌های چندلایه، تلاش می‌کند همکاری‌های به‌ظاهر ساده، اما در واقع اطلاعات‌محور را آغاز کند. از منظر فناوریانه، این روند نشان‌دهنده تلفیق عملیات روانی، جنگ سایبری و نفوذ انسانی است؛ مدلی که در دکت‌ترین‌های امنیتی غربی به‌عنوان «Hybrid Intelligence Operations» شناخته می‌شود و امروز به‌طور جدی علیه کشورهاى مستقل استفاده می‌شود.

معاند، به‌ویژه وابسته به رژیم صهیونیستی، از این فضاها به منزله یک ابزار کم‌هزینه و کم‌ریسک برای نفوذ انسانی استفاده می‌کنند. این بسترها با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تحلیل داده، رفتار کاربران را به‌دقت رصد کرده و شاخصه‌هایی، نظیر ریسک‌پذیری، وضعیت اقتصادی، سطح مهارت دیجیتال، محل جغرافیایی و حتی گرایش‌های فکری آنان را استخراج می‌کنند.

در همین چارچوب، نمایش پیام‌هایی با عنوانی نظیر «پیشنهاد همکاری با درآمد بالا»، «فعالیت ارزی بین‌المللی» یا «فرصت شغلی آنلاین» در برخی از این محیط‌ها، نه یک تبلیغ تصادفی، بلکه بخشی از فرآیند شناسایی و جذب نیروی انسانی است. تکرار هوشمندانه این پیام‌ها، نشان‌دهنده طراحی یک سناریوی دقیق اطلاعاتی است که در آن کاربر، بدون درک ماهیت واقعی ماجرا، به‌تدریج وارد مسیر

پژواک

ورود کودکان ممنوع

قوانین اروپا برای تیک‌تاک



«تیک تاک» اقدامات احراز سنی خود در سراسر اروپا را قدرتمندتر می‌کند. این پلتفرم در هفته‌های آینده یک فناوری ارتقا یافته ردیابی سن را در منطقه اقتصادی اروپا، انگلیس و سوئیس به کار می‌گیرد. این سیستم سن احتمالی کاربر را براساس اطلاعات پروفایل و فعالیت‌های وی ارزیابی می‌کند. هنگامی که فناوری مذکور هشدار دهد یک حساب احتمالاً به کاربری زیر ۱۳ سال تعلق دارد، یک بازبین مخصوص ارزیابی می‌کند که آیا حساب باید ممنوع شود یا خیر!

نرم‌افزار

مطمئن باش

راهکار ایرانی برای لینک‌های ناامن



در پی افزایش پیامک‌ها و لینک‌های فیشینگ، برنامه ایرانی «مطمئن باش» به منزله یک راهکار بومی برای ارتقای امنیت کاربران گوشی‌های هوشمند معرفی شده است. این برنامه با تمرکز بر شناسایی لینک‌های مشکوک، پیامک‌های کلاهبرداری و تهدیدهای سایبری طراحی شده و به کاربران کمک می‌کند پیش از باز کردن لینک‌ها، از امن بودن آنها مطمئن شوند. «مطمئن باش» به‌صورت رایگان عرضه شده و بدون نیاز به نام‌نویسی یا ارسال اطلاعات شخصی، لینک‌ها و پیام‌های دریافتی را بررسی می‌کند.

خبر خوب

آتش‌نشان هوشمند!

تجهیزی نوین برای اطفای حریق



یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان موفق به طراحی و تولید تجهیزات نوین اطفای حریق شده است که بدون نیاز به لوله‌کشی، قابلیت استفاده در فضاهای کم‌تردد و حساس مانند انبارها، اتاق‌های سرور و مراکز بایگانی را دارد. این تجهیزات به‌محض قرار گرفتن در معرض مستقیم شعله فعال می‌شوند و ضمن اطفای حریق، صدایی در حدود ۱۲۰ دسی‌بل تولید می‌کنند که افزون بر خاموش‌سازی آتش، نقش سیستم هشدار را نیز ایفا می‌کند. اگرچه نمونه‌های مشابه خارجی نیز در بازار وجود دارد، محصول تولید داخل از نظر قیمت مزیت قابل توجهی دارد و به همین دلیل با استقبال بالایی مواجه شده است.

یادداشت

وقتی زنان به میدان آمدند!

سیدمهدی فخر نبی

کارشناس فرهنگی

تولد سینما در دنیا امری بود که کاملاً مردانه آغاز شد و گراف نیست اگر بگویم مردانه هم ادامه یافت! سهم زنان فیلمساز آن قدر ناچیز بود که به ندرت می‌توان نام آنها را در صفحات تاریخ سینما یافت.

ام‌ا‌د ایران، به ویژه ایران پس از انقلاب این موضوع کمی متفاوت و شاید کمی شگفت‌انگیز باشد. سینمای پیش از انقلاب تنها دو نام را به‌عنوان فیلمسازان زن در فهرست خود ثبت کرده که هر دو فیلم را هم در حقیقت افراد دیگری ساخته‌اند. اولین زن فیلمساز ایرانی «قدرت‌الزمان فرودست»، همسر کارگردان آن دوران اسماعیل ریاحی است که بعدها با نام هنری شهلا ریاحی و به‌عنوان هنرپیشه برای مخاطبان سینما و تلویزیون جا افتاد و بعد از انقلاب هم ادامه فعالیت داد. «فروغ فرخزاد» هم که بیشتر شهرت را مدیون اشعاری است که سروده، در سال ۱۳۴۲ مستندی درباره آسایشگاه جذامیان باباباغی تبریز ساخت. در جلوی دوربین هم جو غالب، غیر از جلوه‌های بصری مبتذل، اجازه نمایش تصویر دیگری از زنان را نمی‌داد.

پس از انقلاب اما این‌ وضع به‌طور اساسی دچار انقلاب شد؛ از ابتدای بازسازی سینمای ایران در فردای انقلاب اسلامی، نگاه‌ها به موضوع زن تغییر اساسی یافت. سینمای بعد از انقلاب اسلامی، شاید برای اولین بار در جهان توانست نگاه جدیدی به زن را جا بیندازد؛ از میانه‌های دهه ۶۰ حضور زنان در پشت دوربین‌ها در سمت کارگردان جدی شد. پوران درخشنده اولین کارگردان مطرح پس از انقلاب است که با ساخت فیلم «رابطه» در سال ۱۳۶۵ به سینمای ایران معرفی شد. رخشان بنی‌اعتماد، مرضیه برومند، تهmine میلانی، فریال بهزاد و... هم نفرات بعدی بودند.

فیلم‌های اولین نسل زنان فیلمساز ایرانی در دهه ۶۰ شمسی اغلب مضامین اجتماعی داشتند و شاید ریشه این را باید در شرایط دفاع مقدس آن روزگار دانست که زنان نسبت به هر چیزِی موضعی مادرانه داشتند. تلویزیون و فعالیت‌های متنوع آن هم از دیگر مشخصات این نسل ابتدایی از زنان فیلمساز ایران است که به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران، بهترین دوره فیلمسازی این زنان بوده و هریک در سال‌های بعد به‌ندرت توانستند موفقیت‌های دهه شصتی خود را تکرار کنند. دهه ۷۰ بر خلاف دوره قبلی‌اش، چندان مجالی برای معرفی استعدادهای جدید ایجاد نکرد؛ اما نسبت زنان و مردانی که وارد فیلمسازی ایران شدند، همچنان مثل دهه ۶۰ بود؛ اما در دهه ۸۰ تعداد بانوان فیلمساز ایرانی به قدری بالا رفت که عملاً می‌شد کفه ترازو را بین ورودی‌های سینما به نفع فیلمسازان زن سنگین‌تر دریافت. در اواخر دهه ۸۰ بالای ۸۰۰ زن فیلمساز برای شرکت پیدا کردن آثارشان در جشنواره پروین اعتصامی نام‌نویسی کردند و به جرئت می‌توان گفت تعداد زنان فیلمساز ایرانی در ۳۰ سال پس از انقلاب اسلامی، به رقمی بیشتر از کل فیلمسازان زن در همه تاریخ سینمای جهان رسید! این روند در دهه ۹۰ هم ادامه پیدا کرد و چهره‌های تازه‌تری، چون نرگس آبیار، منیر قیدی و... هم مطرح شدند.

صبح صادق ضرورت تحول در آموزش و پرورش را بررسی می‌کند

کادرسازی تراز انقلاب اسلامی



می‌کردند! بچه‌های ما در کتاب‌های درسی کمتر خوانده‌اند که در تمام طول دوران قرون وسطی که اروپا در عصر تاریکی و جهالت به سر می‌برد، فقط دورانی که اسپانیا به تصرف مسلمانان درآمد در اروپا روشنایی برقرار شد! چون در کتاب‌های درسی ما به طور اندک به این موضوعات پرداخته شده است. همچنین در خیلی از متون آموزشی هنرستان‌های ما، ستایش‌های اغراق‌آمیزی درباره نظریات هنری غربی ارائه می‌شود و در مقابل، به هنر ایرانی-اسلامی توجه چندانی نمی‌شود. حتی دیده شده است که در برخی جزوه‌های رشته سینما در دبیرستان و همچنین در دانشگاه، سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران سانسور می‌شود و درمقابل، از دست‌اندرکاران سینمای قبل از انقلاب که قابل مقایسه با سینمای بعد از انقلاب نیست، تعریف و تمجیدهای غیرواقعی انجام می‌شود!

البته به هیچ وجه نمی‌توان منکر توجه به دستاوردهای سایر ملل و تمدن‌ها یا بهره بردن از فنون و نظریات دیگران شد، اما واقعیت این است که رشد فرهنگی و پیشرفت در همه حوزه‌ها و باوروسازی اذهان و روحیات نسل جدید، از مسیر بهره بردن توأمان از علم دیگران و داشته‌های خودی است.

اهمیت خلاقیت‌بخشی به دانش‌آموزان

اما مشکل دیگر، جزوه سالاری و محدودسازی

درعین حال رهبری نوسازی نظام آموزشی به شیوه تقلیدی و رونویسی از دست غربی‌ها را کاری غلط برشمردند و افزودند: «البته استفاده از تجربیات خوب است، اما صاحبان فکر و اندیشه باید در قالب طرح تحول آموزش و پرورش، نظام نوین آموزشی را طراحی و اجرا کنند.» همچنین «باید استعدادهای دانش‌آموزان شناسایی و پرورش داده شوند تا استعدادهای پرورش‌یافته بتوانند منشأ ابتکار در مشاغل و حرفه‌های گوناگون شوند. این نکته همان موضوعی است که می‌تواند مقدمه کادرسازی تراز انقلاب باشد و منجر به تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی و بروز تمدن نوین اسلامی شود.» اما چگونه می‌توان این منویات را عملی کرد؟

خودباختگی فرهنگی در متون آموزشی

خودباختگی فکری و فرهنگی، یکی از ضعف‌های متون آموزشی ماست. برای نمونه، بسیاری از دانش‌آموزان به درستی نمی‌دانند که ابداع‌کننده بسیاری از فرمول‌های علمی و عامل جهش و پیشرفت علوم در طول تاریخ، مسلمانان و به ویژه ایرانیان مسلمان بوده‌اند و آنها حدود هزار سال، تمدنی درخشان و والا را برپا کردند. آنها از این خبر ندارند که اگر در قرون وسطی مراسم جوایز نوبل برگزار می‌شد، احتمالاً در تمام رشته‌ها این مسلمانان بودند که همه جوایز را درو



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

همه ما «صندلی بازی» را تجربه کرده‌ایم. همان بازی‌ای که همه سعی می‌کنند زودتر از بقیه روی صندلی‌ها بنشینند و هر کس ایستاده بماند، می‌بازد! اما کمتر به این فکر کرده‌ایم که این بازی، چگونه روحیه خودخواهی، منفعت‌طلبی و خشونت را در ما پرورش می‌دهد. چون تصور ما این است که بازی‌ها، فقط بازی هستند و نه یک ابزار حیاتی و مهم برای تربیت! همان طور که از روی محبت و ارج نهادن به فرزندان‌مان، گاهی الفاظی چون «پرئسس» را درباره آنها به کار می‌بریم، یا به آنها عروسک‌هایی با موی بلوند و بینی نقلی کادو می‌دهیم یا برای سرگرم شدن‌شان کارتونهایی چون «سیندرلا» را تقدیم نگاه‌شان می‌کنیم، بدون اینکه بدانیم ناخودآگاه برای خودمان هزینه‌تراشی می‌کنیم! چون برخی از نونهالانی که این گونه هدف محبت ما قرار می‌گیرند، در جوانی به سمت مواد آرایشی خاص و جراحی زیبایی و مدگرایی سوق می‌یابند! خلاصه اینکه تربیت فرزندان، امر بسیار حساس و پیچیده‌ای است، به ویژه در عصر کنونی که فضاهای جدیدتر و متفاوت‌تری هم پیش روی بچه‌ها قرار دارد. دیگر کنترل بچه‌ها فقط در انحصار والدین یا مدارس نیست، بلکه فضای مجازی و دنیای رسانه هم مؤثر هستند.

با این‌س حال، نهادهای آموزشی، به ویژه مدرسه می‌توانند بخشی از تأثیرات مخرب تربیتی را خنثی و انگیزه‌های مثبت را در کودکان و نوجوانان بیدار کنند. به شرطی که نظام آموزشی ما متحول شود و ایده‌های خلاقانه‌تری برای تربیت و آموزش در آن دخیل شود. رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر این‌موضوع تأکید کرده‌اند. از جمله اینکه فرمودند: «نظام آموزشی کنونی برگرفته از نظام آموزشی اروپاست و همچون اثری موزه‌ای، دست‌نخورده باقی مانده و کهنه شده است، در حالی‌که لازم است نوسازی شود»

برداشت

جشنواره آینده‌ساز

نگاهی به جشنواره مردمی فیلم عمار، رنگین‌کمان سینمای ایران



سینمایی و داستانی دیده می‌شود هم نمانگ، هم مستند و هم پویانمایی و از دور افتاده‌ترین روستاها و محروم‌ترین شهرستان‌ها از جنوب تا شمال و شرق و غرب کشور در این جشنواره حضور دارند. در عمار، هم معضلات اجتماعی و اقتصادی بازنمایی می‌شود و هم موفقیت‌های علمی و چالش‌های سیاسی کشور، هم درباره شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت فیلم هست و هم درباره خانواده‌وزنان و کودکان و... .

طیف از هنرندان و فیلمسازها باشد که شد. خوشبختانه جشنواره عمار طی ۱۵ سال فعالیت خودش همواره رو به جلو و در حال نمو سیر کرده و هر دوره، بخش‌ها و موضوعات تازه‌تری در آن ایجاد شده است. جشنواره عمار با تکثر و تنوع بخش‌ها و موضوعاتش به رنگین‌کمانی از انواع فیلم‌ها با مضامین و ژانرها تبدیل شده است. در این جشنواره هم نوجوانانی که با تلفن همراه فیلم ساخته‌اند، حضور دارند و هم مستندسازان حرفه‌ای و باتجربه، هم فیلم

سعید رضایی

خبرنگار

شانزدهمین جشنواره عمار درحالی برگزار شده که در سال ۱۳۸۹ وقتی برای اولین بار برگزار شد، کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد که این رویداد حتی دوام چندانی پیدا کند، چه برسد به اینکه رشد و پیشرفت کند. جشنواره‌ای که بار اول در سال ۱۳۸۹ با کمتر از ۲۰ فیلم و تنها در دو روز برگزار شد و فیلم‌هایی در آن به نمایش درآمد که اغلب‌شان کوتاه و ساخته افراد آماتور بودند. هدف نمایش آثاری بود که به دلیل پرداختن به سوژه‌هایی جسورانه، امکان نمایش در سایر جشنواره‌ها و شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی را نداشتند. محور و شعار اولیه «عمار» حمایت و اکران «فیلم‌های انقلابی سرکوب شده» بود. فیلم‌هایی که به صورت واکنش سریع و به طور چریکی و خودانگیخته و با حداقل امکانات خلق می‌شدند. درواقع سازندگان این فیلم‌ها نه به دلیل خودنمایی و به سفارش و با بودجه نهادها و ارگان‌ها، بلکه براساس دغدغه شخصی و به شکل «آتش به اختیار» یک ایده یا سوژه را به فیلم تبدیل می‌کردند و جشنواره عمار قرار بود، قرارگاه این

قبیله عشق

از جهاد تبیین تا قتلگاه!



زمانی که کشور پس از عملیات تروریستی ۱۸ دی کمی آرام شد، خبرهای شوکه‌کننده‌ای به گوش رسید؛ خبرهایی که از به شهادت رساندن مدافعان امنیت، آن‌هم به طرز فجیعی حکایت داشت؛ از سر بریدن گرفته، تا زنده‌زنده سوزاندن آنها و ارباب‌ربا کردن پیکرشان؛ یکی از این شهیدان «محسن حاجی‌زاده» بود که در ادامه بخش‌هایی از زندگی این شهید از زبان برادر و دوستانش نقل می‌شود.

«سعید منفرد» دوست قدیمی حاج محسن می‌گوید: «رفاقت ما به ۳۰ سال قبل برمی‌گردد. آن شب (۱۸ دی) حاج محسن با تعدادی از بچه‌های پایگاه که با هم فعالیت داشتند، به فلکه اول صادقیه رفتند، روی زمین گازوئیل ریخته بودند؛ قطعاً کار تروریست‌ها حساب شده بوده و کسانی که به آنجا آمده بودند و دستور گرفته بودند که مردم را به راه اشتباه بکشانند، تخصصی کار کرده بودند؛ بنابراین موتور بچه‌ها، وقتی که می‌خواستند برگردند، سُر می‌خورد، موتور آقامحسن هم افتاد، موتورسواری که همراه او بوده و فردی جوان‌تر و از لحاظ جسمی توانمندتر بود، با وجود اینکه یک ضربه قمه وسط سرش خورده و فرق او شکافته شده بود و بعداً در آی‌سی‌یو هم بستری شد؛ توان این را داشت تا در آن لحظه بگریزد و به‌سست دیگر بچه‌ها برود. من گمان می‌کنم که آقامحسن نمی‌خواست عقب بپاید؛ شاید می‌خواست با آتشوبرگان صحبت کند و به آنها بگوید برخوردتان اشتباه است و راه را اشتباه می‌روید؛ چراکه او مانند بقیه افراد، زمان داشت که به عقب برگردد؛ اما شاید انتظار چنین برخوردی را نداشت؛ همان‌گونه که برای خیلی‌ها تعجب‌آور است؛ چون آنگونه که آقامحسن را شهید کردند، از انسانیت که هیچ؛ حتی از حیوانیت هم به‌دور است.»

«مجتبی حاجی‌زاده» برادر بسیجی شهید محسن حاجی‌زاده می‌گوید: «شب حادثه تقریباً ۲۰ دقیقه قبل از شهادت آقامحسن، من برای کاری، با او تماس گرفتم و گفتم که من در فلکه اول صادقیه هستم؛ چند دقیقه بعد یکی از دوستان به من زنگ زد و گفت که من الان با آقامحسن تماس گرفتم؛ اما شخص دیگری گوشی را برداشته و بی‌احترامی کرده و گفته ما او را کشته‌ایم و اینجا انداخته‌ایم، بیاید و او را جمع کنید. بعد از این موضوع من با دامادمان تماس گرفتم و او هم مسئله را پیگیری کرد، تا اینکه ساعت ۳ شب مشخص شد، ایشان به شهادت رسیده است.»

«فرشته حاجی‌زاده» خواهر شهید می‌گوید: «حاج محسن هم مانند بسیاری از رزمندگان و مدافعان امنیت در واقعه‌ای غمبار به خیل شهدا پیوست تا شقاوت دشمنان این مرز و بوم بیش از پیش نمایان شود و نشان دهد که اگر روزگاری رهبر حکیم انقلاب اسلامی فرمودند: اگر ما در سوریه نجنگیم، باید در داخل کشورمان با داعش بجنگیم، دقیقاً همین روزها را می‌دیدند.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه

وحدت ما، نقشه دشمن را درهم شکست



«سردار محمد کرمی» گفت: «با وحدت نیروهای مسلح نقشه‌های دشمن نقش بر آب شد.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه در جلسه هم‌افزایی فرماندهان نیروی زمینی ارتش و سپاه، که به مناسبت ولادت امام حسین(ع) در ستاد هوانیروز ارتش برگزار شد، با بیان اینکه بحمدالله امروز هم‌افزایی مطلوبی میان نیروهای مسلح، به‌ویژه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی زمینی سپاه، در تمامی حوزه‌ها برقرار است، افزود: «برگزاری جلسات مشترک و همکاری در بخش‌هایی، مانند جهاد خودکفایی، زمینه بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های متقابل را فراهم کرده و این روند به‌خوبی در حال پیشرفت است.»

وی ادامه داد: «این وحدت و انسجام، با ناکام گذاشتن تلاش‌های دشمنان، به‌ویژه در حوادث و فتنه‌های اخیر، بار دیگر نشان داد که حضور هماهنگ نیروهای مسلح در کنار ملت، موجب خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان شده است.»

سردار کرمی ادامه داد: «طراحی عملیات گروه‌های معاند با خشن‌ترین روش‌ها به میدان آمدند. برای چه این کار را کردند؟ چون می‌خواستند روحیه نیروهای مسلح را بشکنند؛ اما وحدت نیروهای مسلح و هماهنگی با مردم با توکل بر خدا باعث شد تا همه با روحیه کامل به میدان بیایند و دشمنان به اهداف شوم خود دست نیابند.»

مشاور فرمانده کل سپاه

یاوه‌گویی ترامپ نشانه ترس است!



مشاور فرمانده کل سپاه گفت: «مردم ایران عاشقانه پشت سر رهبر معظم انقلاب ایستاده‌اند و این‌گونه حرف‌ها و حدیث‌ها هیچ تأثیری در عزم و اراده آنها نخواهد داشت.»

«سردار ابراهیم جباری» مشاور فرمانده کل سپاه در گفت‌وگوی با اشاره به یاوه‌گویی اخیر ترامپ علیه رهبر حکیم انقلاب گفت: «تاریخ اسلام به‌روشنی نشان می‌دهد که قدرت‌های مستکبر همواره بر پایه ترس، وحشت و نگرانی از آینده خود، به چنین رفتارهایی دست می‌زنند. بدیهی است با نگاهی به تاریخ و بررسی حیات طیبه ائمه معصوم(ع) می‌توان مشاهده کرد که چه میزان به آن بزرگواران اهانت و جسارت شده است.»

وی افزود: «امامین انقلاب نیز که خود را قطره‌ای در برابر اقیانوس موج و بیکران اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) می‌دانند، طبیعی است که در هر صورت با جسارت و توهین مواجه شوند.»

مشاور فرمانده کل سپاه تأکید کرد: «از جنایتکاری همچون ترامپ چنین رفتارهایی بعید نیست. با این حال، ما نه نگران هستیم و نه دچار وحشت؛ مردم ایران عاشقانه پشت سر رهبر معظم انقلاب ایستاده‌اند و این‌گونه حرف‌ها و حدیث‌ها هیچ تأثیری در عزم، اراده و ایمان نخواهد داشت.»

فرمانده نیروی هوافضای سپاه

جواب ترامپ را در میدان خواهیم داد

روژه نشان داد که پاسداران دهه ۶۰ و ۷۰ همچون پاسداران دهه ۴۰ از کبان کشور دفاع می‌کنند.» در ماه‌های اخیر رئیس جمهور نژادان ایالات متحده آمریکا ایران را به حمله نظامی تهدید کرده است؛ در حالی که فرماندهان ارشد ایران اسلامی معتقدند که پاسخ آمریکا را در میدان نبرد خواهند داد.

درباردار «تنگسیری» فرمانده نیروی دریایی سپاه در این زمینه می‌گوید: آمریکایی‌ها تاریخ را بخوانند و از آن درس بگیرند.

سردار «موسوی» فرمانده نیروی هوافضای سپاه هم در این زمینه می‌گوید: «جواب لفاظی‌های دشمن را در میدان نبرد خواهیم داد.

روحیه بالای فرماندهان سپاه نشان می‌دهد که سپاه کاملاً برای مقابله احتمالی با دشمن آمریکایی صهیونی آماده است و این موضوع را یک‌بار در جنگ ۱۲ روزه به خوبی به دشمن آمریکایی- صهیونی و رئیس‌جمهور ایالات متحده نشان داده است.»



درنگ نمی‌کنند.

«محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس شورای

اسلامی و از فرماندهان اسبق سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی در این زمینه می‌گوید: «جنگ ۱۲

فرمانده نیروی دریایی سپاه و سردار موسوی فرمانده

نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به

این موضوع صحه می‌گذارند که پاسداران این نسل

شجاع و غیور هستند و برای دفاع از کشور ذره‌ای

طراحی مشترک ۱۰ سرویس اطلاعاتی!

اراذل و اوایاش، محکومان سرقت‌های مسلحانه و قاچاقچیان؛

۵- اقدام به کشته‌گیری از مردم، نیروهای امنیتی،

انتظامی و بسیجیان به صورت خشن و خونین شد.

در ادامه گزارش‌دهی به محضر مردم بصیر ایران

و علاوه بر محورهای مورد اشاره در بیانیه شماره

۲، اقدامات زیر در دستور کار سربازان گمنام امام

زمان(عج) در سازمان اطلاعات سپاه قرار دارد:

۱- رهگیری و نفوذ در زیرساخت‌های ارتباطی

آشوبگران با سر شبکه‌های خارجی؛

۲- اشراف عملیاتی بر روی عناصر کلیدی شبکه

تروریست دشمن در جدار مرز؛

۳- به کارگیری عوامل فریب خورده در

آشوب‌های اخیر درون شبکه‌های دشمن؛

۴- دستکاری شناختی در لایه طراحی و مجریان

عملیات ترکیبی دشمن توسط عوامل نفوذی؛

۵- تداوم شناسایی و برخورد قاطع با شبکه تأمین

نیروی خیابانی با همکاری مردم و اقلشار مختلف.

رجایی و ائتلف داریم که با عنایت حضرت

صاحب‌الزمان(عج) و تحت رهبری فرمانده معظم

کل قوا و با هم‌افزایی جامعه اطلاعاتی کشور و نیز

همیاری مجدانه مردم عزیز، همانگونه که دشمن

را از پیروزی در نبرد نظامی مأیوس کردیم، بر نقشه

شیطانی آن در نبرد تروریستی و تجزیه‌طلبانه علیه

اسلام و ایران عزیز فایق خواهیم آمد به اذن الله.



یکپارچگی هویتی و جغرافیایی ایران عزیز بوده

است. در همین حال روند میدانی این آشوب که با

رمز «عملیات برق آسا» اعلام شده بود با اقداماتی

مانند

۱- اختلاط و سوءاستفاده آشوبگران تروریسم از

صفوف مردم معترض؛

۲- حمایت و ورود مستقیم مقامات سیاسی-

امنیتی دشمن در فراخوان پیاده نظام آشوبگر؛

۳- دستکاری الگوریتم شبکه‌های اجتماعی و

تأمین محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای برای تحریک

به اقدام خشونت بار، مکان‌مند کردن فراخوان‌ها،

آموزش و ترویج انجام اقدامات هرج و مرج طلبانه،

۴- استفاده از محکومان جرایم سازمان‌یافته نظیر

ضلع «آشوب داخلی» و «تحرك گروهکی» آغاز

شد که نتیجه آن این شد:

۱- بازداشت و احضار ۷۳۵ نفر از عناصر مرتبط

با شبکه‌های ضد امنیتی؛

۲- دعوت و ارشاد ۱۱ هزار نفر از عناصر

آسیب‌پذیر؛

۳- آگاه‌سازی اقشار، اصناف و جمعیت‌های در

معرض تهدید؛

۴- کشف ۷۴۳ قبض سلاح جنگی و شکاری

غیر مجاز؛

۵- شناسایی و به کارگیری ۴۶ نفر از اعضای

شبکه همکار سرویس‌های بیگانه.

آشوب اخیر، شکل ضعیف و باز طراحی شده

عملیات ترکیبی دشمن علیه نظام اسلامی و تجزیه

در دیدار صمیمانه فرماندهان ارتش و سپاه به مناسبت روز پاسدار مطرح شد

ارتش و سپاه، سد مستحکم در مقابل فتنه‌ها

به مناسبت میلاد باسعادت امام حسین (ع) و روز پاسدار، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران به همراه رئیس عقیدتی_سیاسی ارتش و جمعی از فرماندهان نیروهای مختلف، با حضور در ستاد فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با فرمانده کل سپاه، نماینده ولی فقیه در سپاه و جمعی از فرماندهان این نهاد انقلابی دیدار و گفت‌وگو کردند.

تداوم راه شهدا

در ابتدای این دیدار، «حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، ضمن تبریک ماه مبارک شعبان و اعیاد شعبانیه، ابراز امیدواری کرد همگان از برکات معنوی ماه‌های رجب، شعبان و رمضان بهره‌مند شوند. وی با اشاره به فرمایش رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه «مبعث، تاریخ تولد قرآن است»، این ایام را گرامی داشت و ضمن تبریک روز پاسدار، به مقام شامخ شهدای گرانقدر و فرماندهان شهید سپاه ادای احترام کرد.

«حجت‌الاسلام حاج شیخ عباس محمد حسینی» رئیس عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با تبریک اعیاد شعبانیه و روز پاسدار، یاد و خاطره شهدای سال گذشته را گرامی داشت و بر ضرورت ادامه راه نورانی آنان تأکید کرد.

اتحاد ارتش و سپاه

سد مستحکم مقابل فتنه‌ها

«سردار سرلشکر محمد پاکپور» فرمانده کل سپاه، در ایسن دیدار ضمن خیر مقدم به فرماندهان ارتش و

جانشین فرمانده سپاه

دشمنان در تجزیه‌ایران ناکام‌ماندند



طرفدار ملت ایران هستند؟»

وی درباره ماهیت اغتشاشگران گفت: «اگر بخشی از مردم معترض بودند، حرف‌های‌شان باید شنیده می‌شد که مسئولان نیز بر آن تأکید داشتند، اما آنها کنار رفتند و ماهیت واقعی آتش زدن، سر بریدن، مساجد و بیمارستان‌ها را به آتش کشیدند و به آمبولانس‌ها حمله کردند.»

سردار وحیدی خاطر نشان کرد: «این ماهیت نه تنها ماهیت عوامل داخلی، بلکه ماهیت رژیم آمریکاست. آنچه در این صحنه‌ها نمایش داده شد، تصویری بسیار زشت از فرهنگ و ذات غربی‌ها بود.»

جانشین فرمانده کل سپاه با اشاره به توطئه‌های اخیر دشمنان، گفت: «آمریکا، رژیم صهیونیستی و گروه‌های ضد انقلاب که همگی وابسته به سرویس‌های خارجی هستند، یک بار دیگر تلاش کردند ایران عزیز را تجزیه کنند و این وحدت مقدس را خدشه‌دار کنند، اما این توطئه نیز با مدیریت کلان رهبر معظم انقلاب و حضور ملت در صحنه خنثی شد.»



گرامیداشت یاد و خاطره امام و شهدا، شهدای فتنه حمله آمریکایی اخیر، شش‌های اقتدار به‌ویژه سرداران شهید (حاج حسین سلامی، امیرعلی حاجی‌زاده و حاج محمد کاظمی)، تأکید کرد: «مبارزه حق و باطل تا پایان ادامه دارد و ما یاری‌گر دین الهی هستیم؛ نصرت الهی همواره پشتیبان نیروهای انقلاب خواهد بود.»

وی با اشاره به حوادث اخیر، این تحولات را یک فتنه آمریکایی-صهیونیستی توصیف کرد و گفت: «در این جریانات با شیوه‌های جدیدی مواجه شدیم که تنها با وحدت، هوشیاری و همدلی قابل خنثی‌سازی است.»

فرمانده کل سپاه، اتحاد و هماهنگی میان ارتش، سپاه و فراجا و جانفشانی‌های نیروهای بسیج را عامل اصلی عبور موفق از این توطئه‌ها دانست.

سردار پاکپور با مقایسه ماهیت این تحركات با اقدامات گروه‌های تکفیری افروز: «این جریان در برخی

«سرلشکر علی عبداللهی» گفت: «آمریکا

به‌خوبی از تبعات هرگونه خطای محاسباتی خود آگاه است؛ هر نوع تعرض به خاک، امنیت و منافع ملت ایران، بی‌درنگ و در گام نخست، تمامی منافع، پایگاه‌ها و مراکز نفوذ آمریکا را به اهداف مشروع، قطعی و در دسترس نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تبدیل خواهد کرد.»

«سرلشکر علی عبداللهی» فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) در واکنش به تهدید اخیر رئیس جمهور آمریکا مبنی بر حمله و تعرض به جمهوری اسلامی ایران، اظهار داشت: «با قاطعیت تأکید می‌شود که آمریکا به‌خوبی از تبعات هرگونه خطای محاسباتی خود آگاه است؛ هر نوع تعرض به خاک، امنیت و منافع ملت ایران، بی‌درنگ و در گام نخست، تمامی منافع، پایگاه‌ها و مراکز نفوذ آمریکا را به اهداف مشروع، قطعی و در دسترس نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تبدیل خواهد کرد.»

سرلشکر الهللی ادامه داد: «قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران، واقعی، فعال و غیرقابل خدشه است؛ قدرت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه قاطع مردم، قدرتی برخاسته از ایمان، اراده ملی و توان بومی نه‌تنها در محاسبات راهبردی دشمن اخلال ایجاد کرده، بلکه بارها در میدان عمل نیز به‌صورت عینی و انکارناپذیر به اثبات رسیده و دشمنان این ملت به ویژه آمریکا به‌خوبی از پیامدهای آن آگاه هستند.»

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) تأکید کرد: «حماقت راهبردی آمریکا و رژیم

وی اقدامات خصمانه دشمنان علیه ایران اسلامی را «جنگی ترکیبی» و «تمام عیار» توصیف و تأکید کرد: «امروز دشمنان قسم خورده ملت ایران با تمام قوای نظامی، رسانه‌ای و اقتصادی به میدان آمده و استقلال، عظمت و آزادی مردم بزرگ ایران را نشانه گرفته‌اند.

فرمانده کل ارتش با تأکید بر لزوم ارتقا و حفظ آمادگی‌ها برای مقابله با دشمنان، خاطر نشان کرد: «حفظ و ارتقای آمادگی‌های همه‌جانبه ارتش و سپاه با پشتیبانی ملت بصیر، دشمن‌شناس و مقاوم ایران اسلامی، توطئه‌های دشمنان را نقش بر آب و در مقابل، افق‌های روشنی را برای ایران عزیز ما در تمامی عرصه‌ها ترسیم کرده است.»

عضو شورای عالی امنیت ملی در بخش دیگری از اظهارات خود، وحدت نیروهای مسلح را یک ضرورت راهبردی و حافظ امنیت و شرط اصلی پیشرفت و تعالی کشور و ایستادگی در برابر توطئه‌های پیچیده دشمنان، دانست و افزود: «ارتش و سپاه تاکنون فتنه‌ها و میادین دشواری را با همدلی و اتحاد مقدس، پشت سر گذاشته و نشان داده‌اند که هرگز اجازه دستیابی دشمنان به اهداف شوم خود برای ضربه زدن به ایران اسلامی را نخواهند داد.»

امیر سرلشکر حاتمی در پایان، با گرامیدشت یاد و خاطره شهدای والا مقام سپاه پاسداران به‌ویژه شهید سپهبد حسین سلامی و شهدای راه اقتدار و امنیت کشور، بیان کرد: «با تکیه بر انسجام و اتحاد موجود میان ارتش و سپاه، اجازه هیچ‌گونه تعدی به این آب و خاک مقدس و نظام الهی‌مان را نخواهیم داد و با نثار جان خود، حافظ ملت، کشور و انقلاب اسلامی خواهیم بود.»

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص)

تمامی منافع آمریکا هدف مشروع است



صهیونی در حمایت آشکار از فتنه‌ها، آشوب‌ها و اقدامات تروریستی اخیر علیه ملت ایران و پاسخ قاطع، هوشمندانه و دشمن‌شکن مردم در قیام عظیم ۲۲ دی‌ماه، سندی روشن از شکست کامل پروژه‌های خصمانه و هشداری جدی و ماندگار برای طراحان و حامیان این توطئه‌هاست.»

وی گفت: «امروز تهدیدات و اظهارات بی‌پایه و اساس رئیس‌جمهور آمریکا، نه‌تنها با محکومیت گسترده در جهان اسلام مواجه شده، بلکه در داخل ایالات متحده آمریکا و حتی در کنگره آن کشور نیز با اعتراض و انتقاد جدی رویه‌روست؛ واقعیته که به‌روشنی از انزوای فزاینده و افول سیاست‌های خصمانه، ماجراجویانه و شکست‌خورده آمریکا حکایت دارد.»

سرلشکر عبداللهی تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران بارها و به‌صراحت نشان داده است که هر گز آغازگر جنگ نبوده و نخواهد بود؛ اما در برابر هرگونه تجاوز، تهدید، تعرض و هر اقدام خصمانه علیه امنیت و منافع ملت ایران، پاسخی سریع، قاطع، سخت و پشیمان‌کننده خواهد داد.»

جهادگران شهید

«سردار زهرایی» مسئول سازمان بسیج سازندگی، در پی شهادت بیش از ۱۰ مسئول و جهادگر کشور در حمله تروریستی صهیونیستی-آمریکایی، پیام تسلیت صادر کرد. او با ابراز همدردی با خانواده‌های داغ‌دیده و همراهان جهادگران، برای آنان رحمت و صبر و سلامتی مسئلت کرد و برای مجروحان آرزوی شفای عاجل داشت. سردار زهرایی شهادت این جهادگران فداکار در عرصه‌های محرومیت‌زدایی و ام‌ادرسانی را نشانه حضور اثرگذار جریان جهادی در دفاع از امنیت و مردم خواند و خون آنان را صدایی علیه استکبار جهانی توصیف کرد.

۱۵

پاسدار

شماره ۱۲۳۳ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴

صداقت

روی خط

همچنان پای وطن

می‌ایستیم

۰۹۱۹۰۰۰۲۴۱۹/ تحولات اخیر در شمال شرق سوریه و انتشار خبر توافق نیروهای کرد با دولت دمشق، همراه با فرار تعدادی از زندانیان داعش، نگرانی‌های امنیتی تازه‌ای ایجاد کرده است. این اتفاق می‌تواند امنیت عراق، سوریه و حتی دیگر کشورهای منطقه را تهدید کند و نیازمند هوشیاری جدی است.

۰۹۲۱۰۰۰۶۷۸۳/ دشمن که دید نه در جنگ دوازده روزه و نه در فتنه دی‌ماه نمی‌تواند اسم و رسمی برای خودش در برابر ایران کسب کند، شروع به هوچی‌گری کرده و دانه می‌گوید می‌خواهد جنگ را شروع کند. جواب این پلوه‌گویی را اسر‌دار موسوی خوب داد که ما صحبت‌های‌مان را در میدان می‌زنیم.

۰۹۳۶۰۰۰۷۶۵۰/ با توجه به آمارهای منتشر شده از نهضت ملی مسکن، پیشرفت این طرح رضایت‌بخش نیست. از میان ده‌ها هزار متقاضی تأییدشده، تاکنون تعداد محدودی واحد تحویل داده شده است. انتظار می‌رود مسئولان با جدیت و سرعت بیشتری برای حل مشکل مسکن مردم اقدام کنند.

۰۹۱۲۰۰۰۶۴۷۳/ هرچند قطع اینترنت مشکلاتی برای زندگی روزمره مردم ایجاد کرده، اما اثراتی مانند کاهش نوسانات ارزی و کم شدن جرایم سایبری هم داشته است. به نظر می‌رسد لازم است در این باره تصمیمی گرفته شود که هم منافع کشور حفظ شود و هم زندگی مردم دچار اختلال نشود.

۰۹۳۶۰۰۰۶۴۶۴/ با توجه به دستگیری و تکمیل پرونده برخی افراد متخلف در شهرستان‌ها، انتظار می‌رود دستگاه قضایی بدون تعلل به این پرونده‌ها رسیدگی کند. برخورد به‌موقع و قاطع می‌تواند از تکرار چنین اقدامات نادرستی جلوگیری کرده و موجب دلگرمی مردم شود.

۰۹۱۲۰۰۰۱۳۴۶/ حضور گسترده مردم در راهپیمایی ۲۲ دی نشان داد که در بزنگاه‌ها همچنان پای کشور و نظام خود ایستاده‌اند. این حضور میلیونی پیام روشنی برای دشمنان داشت که مردم در مواقع حساس از صحنه کنار نمی‌روند. ما همچنان پای وطن می‌ایستیم.

۰۹۲۱۰۰۰۷۵۱۲/ دشمنان ایران در حوادث اخیر با محاسبات اشتباه وارد میدان شدند. آنها تصور می‌کردند می‌توانند به اهداف خود برسند، اما مقاومت مردم و شرایط موجود نشان داد که این کشور به‌سادگی آسیب‌پذیر نیست.

۰۹۱۳۰۰۰۴۸۹۱/ خسارت‌های واردشده به مساجد، مراکز آموزشی، بانک‌ها و اموال عمومی در حوادث اخیر، نگرانی بسیاری از مردم را به‌دنبال داشته است. انتظار می‌رود دستگاه قضایی با عاملان این تخریب‌ها به‌صورت جدی و عادلانه برخورد کند.

۰۹۲۱۰۰۰۶۷۹۹/ رضا پالان وطن فروش کسی است که حاضر نیست به‌خاطر منافع شخصی خود هویت ایرانی‌اش را بپذیرد، نمی‌تواند دلسوز واقعی ایران باشد. کسی که از آمریکایی‌ها و صهیون‌ها می‌خواهد به ایران حمله کند نمی‌تواند ایرانی باشد. لعنت به این قماش فرعون‌ی.

۰۹۱۷۰۰۰۶۶۴۹/ اپوزیسیون غرب‌نشین مفت‌خور برای ایرانیان تصمیم می‌گیرند. بدبخت‌ها اگر تصمیمی هم می‌خواهید بگیرید، نه برای خودتان بگیرید که بفهمم جای‌تان کجاست! نه ایرانی هستی و نه هیچ کسی شما را گردن می‌گیرد؛ از حال و روز ماچادو درس بگیرید.

خبر

نماد هویت

سر‌در تازه‌افتتاح دانشگاه جامع امام حسین(ع) به طراحی دکتر محمد میرزانی، جلوه‌ای از پیوند معنا، هویت ملی و سازه در معماری ایرانی-اسلامی معاصر است. این اثر ۱۴ متر ارتفاع و ۵۷ متر عرض دارد و با طاق سه‌تکه و ترکیب نمادین «کتاب و بال‌های پرواز»، ارزش‌های علمی و انقلابی دانشگاه را نمایش می‌دهد. بتن نمایان، زبان اصلی اثر، نماد قدرت و صداقت مصالح است. هندسه منظم و قوس‌های ایرانی-اسلامی در کنار فناوری نوین، هماهنگی سنت و نوگرایی را ایجاد کرده است. سردرب، فراتر از ورودی، بیانیه‌ای معمارانه از اقتدار و هویت علمی ایران است.

سپاه حامی ورزش

مسئول ورزش قهرمانی کل سپاه، «نوروزی» از برنامه استراتژیک این نهاد برای تبدیل ۱۰ رشته ورزشی به لیگ‌های قهرمانی در سال۱۴۰۵ خبر داد. هدف اصلی این طرح، تقویت زیرساخت‌های آمادگی جسمانی و مهارت‌های رزمی کارکنان اعلام شده است. نوروزی تأکید کرد، برگزاری مسابقات جاری، به میزبانی سپاه فجر در شیراز، نقش کلیدی در شناسایی نفرات برتر و آمادسازی زیرساخت‌ها برای سال آینده دارد. در این رقابت ۱۲۶ و ورزشکار از ۳۱ رده استانی شرکت کردند و نفرات برتر برای حضور در لیگ‌های قهرمانی و اعزام به مسابقات نیروهای مسلح انتخاب می‌شوند.

صداقت

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زادعی،

عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان،

علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد

دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیر‌فنی: محمد‌صالح‌نادر

نگارش‌و‌ویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظر‌چاپ:‌سعید‌قاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰۴۶۷۷۴۶ (۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۰۲۳۳۰۰۹۹۰۰

شماره ۱۲۲۳ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴

کتابخانه



ایستادم پای تو...

دور بادا اخم شب از ساحت دنیای تو می‌شکوفد صبح در آرامش فردای تو آرزوهایت شبیه کودکانت پاک و شاد صلح و لبخند است در هر کوچه از رویای تو ای دماوند تو الگوی پدرها، ای ستبر ای شکوه کوه‌ها در عزم پابر جای تو آسمانت از شب دلواپسی‌ها دور باد مادرم دست توصل بوده در غم‌های تو کرپلا را بارها در خاطر ات دیده‌ام ای شب آشوب و فتنه، ظهر عاشورای تو همت دریادلانت را مگر نشنیده‌اند؟ می‌شکافد صخره‌ها را موجی از دریای تو ای سفید و سبز و سر خت عاقبت ما را کفن ای لباس آخر ما پرچم زیبایی تو روی لب‌های شهیدان وطن این زم زم هست: روی خاک افتادم، اما ایستادم پای تو

عاطفه‌جوشقانیان

ادامه کربویلا

اگر بناست که از حق تهی شود سخنم خوشا که خشک شود طبع شاعری که منم «وطن بسوزد» و من زنده باشم و سرخوش؟ وطن بسوزد و من زنده...، - خاک بر دهنم به خرده‌گیری این سنگ‌های هرزه بگو اگر چه آینده‌ام من ولی نمی‌شکنم منی که سروم و عمریست ریشام اینجاست چگونه باید از این آب و خاک دل بکنم مرا دامه کربویلا تصور کن مرا سری است که سنگین شده‌است بر بدنم مرا دامه کربویلا تصور کن زره که هیچ، ببین پاره است پیر هنم مرا دامه کربویلا تصور کن به بوریا خوشم و بی نیاز از کفنم هزار سال پس از مرگ اگر ببینندم هنوز گریه کنم من، هنوز سینه زنم صدای زوزه بلند است دور و بر، اما نمی‌رسد به بلندای پرچم وطنم به‌سلطنت طلبان هیچ التفاتم نیست که من اگرچه غلامم، غلام «پنج‌تن»‌ام

میلادحبیبی

صبحانه

ظلم‌ستیزی

عفو و نرمش ناشی از ضعف در برابر ظالم قدرتمند، عین عجز و ذلت و تسلیم است و ظالم زورگو را جسورتر می‌کند؛ اگر بخشش و مسامحه زیان دارد، پس در مقابل ظالم باید ایستاد هر چند بسیار زیاد باشند، چرا که حقیقت هرگز خاموش نخواهد شد، حتی اگر یک نفر شمع حقیقت را روشن نگاه دارد.

داستان

انقلاب صدا

صدای ترتر چیزی عجیب، سکوت شب را در حیاط هم از من گرفت. کم مانده بود جیع بزمن، اما وقتی به آن چشم دوختم، نگرانی ام بیشتر شد. یاد حال و روز مردم غزه و لبنان افتادم که وز وز مدام پهپادهای شناسایی بالای سرشان، جزء جدانشدنی روزمرگی‌های‌شان شده بود.

جنگ، دفاع، کشت‌و‌کشتار، شهید، خون، اشک و تمام تراژدی‌های عالم افتاد به جانم. در اتاق را باز کردم و آرام‌تر از صدای پر از خط و خش نفی لجباز، به خواهرم اشاره کردم: «پهپاد داره پرواز می‌کنه.» روسری‌اش را سر کرد و پرید توی حیاط؛ مامان هم به دنبالش آمد. پهپاد چند دوری بالای سرمان زد و زاویه پروازش را تغییر داد. صدای بوق ممتد ماشین‌های خیابان با صدای شلیک تفنگ بادی در هم پیچید. تسبیح در دستم می‌چرخید؛ تندتر از چرخش پهپادی که در حال رصد «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید» بود.

تا آن موقع، نه گوشی، نه کتاب و نه تلویزیون نتوانسته بود این قدر برایم هیجان بسازد. ترشح آدرنالین و تپش قلب را در صورت رنگ‌پریده مامان و چهره خواهرم که وانمود می‌کرد آرام است، می‌دیدم. صداها بیشتر شد؛ چند ماشین و موتور با سرعت زیاد از توی کوچه رد شدند. مامان رفت پشت در و از سوراخ دستگیره، کوچه را دید زد.

آگهی بازرگانی وسط پایتخت، داداشم را به حیاط فرستاد. پرسید: «برای چی حیاطین تو این سرما؟» هر کدام‌مان خبر پرواز پهپاد و صدای شلوغی‌های خیابان و تیراندازی را گذاشتیم کف دستش. خونسردتر از آنکه بخواهد ذره‌ای ضریان قلبش کم و زیاد شود،

تلخند

مدعیان حقوق بشر به کودک پنج‌ساله هم رحم نمی‌کنند / کارتون‌نست: مونرو رپه/ مکزیک



سلامت

داستان سنگ!

زهر ا حسینی

کارشناس تغذیه

«سنگ کلیه» یکی از بیماری‌هایی است که فرد باید روش‌های درمانی متفاوتی را امتحان کند. گاهی اصلاح برنامه غذایی و افزایش مصرف مایعات می‌تواند در دفع سنگ کلیه تأثیر گذار باشد. به همین دلیل، پزشک ممکن است داروهای دفع‌کننده سنگ کلیه را برای بیماران تجویز کنند. با توجه به نوع سنگ و دیگر مشکلات ادراری، داروهای گوناگونی تجویز می‌شود. سنگ کلیه رسوبات کوچک و سختی هستند که در کلیه‌ها به وجود می‌آیند. این رسوبات زمانی ایجاد می‌شوند که ادرار کاهش یافته یا میزان بعضی ترکیبات همچون مواد معدنی و نمک زیاد می‌شود. این عارضه، در مردان بیشتر از زنان رخ می‌دهد. از دیگر عواملی که سبب بروز این بیماری می‌شود، می‌توان مصرف یک سری مواد غذایی حاوی اگزالات کلسیم، رژیم غذایی حاوی پروتئین فراوان، مصرف بیش از اندازه سدیم و کم آبی بدن را نام برد. ایجاد یک سری تغییرات در سبک زندگی و رژیم غذایی ایده‌آل از سوی متخصصان تغذیه، خطر ابتلا به این عارضه درناک را تا حد زیادی کمتر می‌کند.
علامین شایع سنگ کلیه عبارت‌ند از درد شدید در ناحیه کمر، خون در ادرار، حالت تهوع، استفراغ، تب و لرز یا ادراری که بوی بد یا کدر به نظر می‌رسد. در صورتی که سنگ کلیه کوچک باشد، علایم این بیماری آن چنان جدی نیست و درد را تا حد زیادی می‌توان تحمل کرد. در این موارد، نیازی به درمان دارویی و مسکن خاصی نیست و پزشک توصیه‌هایی برای دفع سنگ کلیه ارائه می‌دهد. برخی راه‌های درمان سنگ کلیه در منزل عبارت‌ند از: نوشیدن آب فراوان، خوردن مسکن و راه رفتن و فعالیت سبک ورزشی، مثل پیاده‌روی. در صورتی که سنگ کلیه یا این اقدامات دفع نشد، بهتر است از پزشک و راه‌های پیشرفته‌تری کمک گرفت.

صادقانه

مقابله به مثل

حضرت امام علی(ع) فرمودند:«رَدُّوْا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ، فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»؛ سنگ را از همان‌جا که آمده بازگردانید، چراکه شر و بدی را جز با (همان) شر و بدی نمی‌توان دفع کرد.
(نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۴)

روایت

آرزوی بچگی



شال تا نیمه موهایش را پوشانده. سی‌وپنج ساله است. ساکن استانبول. غرب تهران آتلیه دارد و هر مدت با همسرش می‌آید ایران تا کار مشتری‌ها را راه بیندازد، می‌گوید: «زمان فتنه زن، زندگی، آزادی عکس آقا را روی در آتلیه زدیم. همان‌وقت بعضی‌ها خیلی اذیت‌مان کردند و مثلاً تحریم‌مان کردند و نیامدند آتلیه!»

لبخندش عمیق می‌شود. نم اشک، مردمک چشمش را می‌پوشاند: «همین دوشنبه، قرآن به دست رفتیم راهپیمایی. آنجا خبرنگاری بهمان گفت: دوست دارید بروید دیدار آقا؟ گفتیم: این آرزوی بچگی من است! حالا ما اینجا هستیم و همه آن تحریم‌های توخالی به در کا!»

حسینیه امام خمینی (ره)، ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

حسن ختام

امید آمدنش

سلام به شما و به ماه روشنی که آمدنتان را بشارت می‌دهد؛ به شما که از برکت حضورتان خوش است، حال و هوای دنیا و سرمست‌تان کرده و عطر بودن‌تان که این ایام بیش از پیش همه جا را آکنده کرده، روزهایی که جهان به یمن رسیدن‌تان غرق نور و سرور است. نفس‌های‌مان را تسبیح و سلام و صلوات می‌کنیم، در ماه خوش شعبان که بانام زیبای اباعبدالله(ع) و نازنین برادرش عباس(ع) و حضرت زین‌العابدین(ع) آغاز می‌شود و مدد می‌گیریم از وجود پر فیض و روشن‌شان برای رسیدن به شما و رضایت قلب نازنین‌تان. نه این ماه و روزهایش که تمام ثائیه‌های زندگی، روشن به نور حضور شماست و ما تا همیشه سر به آستان بزرگی او می‌ساییم که امید در قلب‌مان جا داد تا روزگار با همه سختی‌اش کارمان را به سردی و نکشاند، این امید و انتظار حتی آنجا که جانفرسا می‌شود، چیزی را در دل‌مان زنده نگه می‌دارد که نشان از بودن و آمدن‌تان دارد و ظهور را بیشتر از همیشه چشم انتظاریم. شادی این روزها را به وصلت کامل کن ای پسر فاطمه(س)....

